



۲۲

دوره ششم / شماره ۱
پاییز ۱۴۰۳ / ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

رشد آموزش



فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای خانواده‌ها با هدف برنامۀ درسی مدارس

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مقراتن رات و فناوری آموزشی

همدلی

از همراهی بالاتر است

یادگیرندگی
مسادام العمرریاضیات خوانده‌اید
یا فلسفه؟برای والدین
جا باز کنیم!

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ؛
کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید و هرگاه به آنها وعده دادید، وفا کنید. زیرا آنها
شما را روزی دهنده خود می دانند.

کافی (ط - الاسلامیه) ج ۶، ص ۴۹، ح ۳





اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول:

محمد صالح مژدبی

سر دبیر:

دکتر حسن مظاهری

هیئت تحریریه:

دکتر پروین کدیور / دکتر قدسی احقر

دکتر فریبرز بیات / دکتر ژاله کیانی

حجت الاسلام دکتر رضا ملایی

دکتر سمیه فریدونی / دکتر سجاد مهدی زاده

مدیر داخلی: زهره کریمی

مدیر هماهنگی امور هنری: علی اصغر جعفریان

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

ویراستار: جعفر ربانی، مهدیه جبارپور

طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹

(داخلی ۵۰۵)

نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶

صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

وبگاه مجلات رشد:

www.roshdmag.ir

رایانامه:

khanevadeh@roshdmag.ir

پیامک:

۳۰۰۰۸۹۹۵

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم مادر و پدرهای میهن عزیز اسلامی مان قرار گیرد تا آن ها امکان تهیه آن را داشته باشند.

قیمت: ۱۸۰,۰۰۰ ریال

۲۲

دوره ششم / شماره ۱
پاییز ۱۴۰۳ / ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

رشد آموزش

خانواده

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای خانواده ها با نگاه ویژه به برنامه درسی مدارس

یادداشت سردبیر

۲ **حدو مرز تعامل خانواده با مدرسه... / دکتر حسن مظاهری**

روشنان

۴ **نقش انکارناپذیر والدین در شکل گیری شخصیت دانش آموز / ائلداز محمدزاده صدیق**

گفت و گو با خانم دکتر اشرف زهرهوند و آقای احمد غلامحسینی

آشنایی با برنامه های درسی و مجلات آموزشی و تربیتی

۷ **چالش تربیت دینی در فضای مجازی / مریم قربانی**

۱۴ **اشارات درخشان / مهناز اعتمادی**

۲۰ **فوت و فن همراهی / دکتر اشرف زهرهوند**

معجزه همراهی شما؛ مشارکت خانواده ها در مدرسه

۱۱ **برای والدین جا باز کنیم! / دکتر بهنام بهراد**

۱۶ **والدین، دستیار معلم یا مزاحم! / دکتر فاطمه مردان، سمیه عبداللهی**

۲۴ **خودم بلدم! / دکتر آذر انصاری**

۲۶ **ریاضیات خوانده اید یا فلسفه؟ / دکتر محمدرضا سید صالحی**

سلامت و تندرستی

۳۰ **کوله پشتی مناسب دانش آموزان / زهره کریمی**

گفت و گو

۳۲ **آموزش و پرورش با تغییرات جدید آزمون سراسری / هوشنگ غلامی**

خانه ات آباد؛ طراحی محیط خانه در تربیت و یادگیری

۳۹ **مهربانی بین خطوط / ترجمه و تلخیص: دکتر سارا ابراهیمی**

۴۴ **یادگیرندگی مادام العمر؛ تأثیری به وسعت محله / دکتر حسن مظاهری**

کوناگون

۴۸ **چراغ خانواده روشن است / اصغر ندیری**



با پوش این رمزیننه از شرایط پذیرش مقاله در مجله آشنا شوید.



با پوش این رمزیننه ما را از نظرات ارزشمند خود بهره مند کنید.

nazar.roshdmag.ir



با مطالعه مجله رشد آموزش خانواده:

نسبت به برنامه درسی فرزندانمان در مدرسه و منابع اصلی یادگیری مثل کتاب های درسی، بسته ها و مجلات آموزشی و تربیتی، سامانه های آموزشی و ... بیش از گذشته شناخت پیدا می کنیم.

نقش آفرینی خودمان را در همراهی و پشتیبانی از برنامه ها و فعالیت های مدرسه روزافزون می کنیم. در کنار نقش تربیتی مان، محیط خانه را برای یادگیری فرزندانمان موفق مهیا می کنیم و دانسته های مدرسه ای را در خانه و جامعه با فرزندان خود تمرین خواهیم کرد.

می آموزیم در عصر اطلاعات و رسانه، حضور فرزندانمان را در فضای مجازی چگونه مدیریت کنیم.

حد و مرز تعامل خانواده با مدرسه...

دکتر حسن مظاهری

مهم‌ترین دلیل تعامل اولیای دانش‌آموزان با معلمان و کارکنان مدرسه، به‌ویژه در دوره ابتدایی، شناساندن فرزند خود به معلم از منظر خلق و خو، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و علاقه‌های فرزند است. طرف دیگر این تعامل، دریافت بازخورد از معلمان نسبت به وضعیت روحی، روانی و جسمی، تحصیلی و تربیتی فرزند خود است. در این رفت و برگشت است که هم معلمان از اولیا و هم اولیا از معلمان چیزهایی یاد می‌گیرند و در نتیجه، اولیا در خانه و جامعه و معلم در کلاس درس از آن‌ها استفاده خواهند کرد.

نیم‌سال آخر تحصیلی در دانشگاه فرهنگیان بود. یکی از دانشجویان که تجربه کارورزی در مدرسه‌ها به‌عنوان معلم را داشت، به من گفت: «استاد، ما درباره نحوه تعامل با والدین دانش‌آموزان خود هیچ آموزشی ندیده‌ایم و تجربه‌ای نداریم. امکان دارد در این زمینه تجربه‌های خود را بگویید یا مشخصاً بگویید که ما به پیشنهادها، نظرها و گاهی دخالت اولیای دانش‌آموزان در کار مدرسه تا چه اندازه باید توجه کنیم؟» سپس گفت: «من در مدرسه‌ای که امسال کار می‌کنم با پدر و مادرهایی مواجه هستم که بعضی از آن‌ها بیش از اندازه در کار من و حتی نحوه تدریس من دخالت می‌کنند. به نظر شما من با آن‌ها چگونه باید برخورد کنم؟ از همه مهم‌تر اینکه تا چه اندازه باید به والدین دانش‌آموزان اجازه داد در کلاس‌داری ما، در میزان تکلیف دادن و مسائلی از این قبیل دخالت کنند؟» تأملی کردم و گفتم عجب سؤال و طرح مسئله جالبی! واقعاً در این خصوص چقدر معلمان و مدیران مدرسه‌های ما آموزش دیده‌اند و بر مدیریت این نوع تعامل تسلط دارند؟ آیا باید معلمان خودشان به این سؤال پاسخ دهند؟ آیا معلمان نیاز به دیدن آموزش‌های پایه در این خصوص ندارند تا مبتنی بر آن و متناسب با ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های والدین، در این زمینه برنامه‌ریزی کنند و بر اساس آن تعامل لازم را انجام دهند؟ پاسخ این قسمت از سؤال را بایستی آموزش و پرورش بدهد. اما نیمه دیگر و طرف مقابل این تعامل خانواده‌ها و والدین دانش‌آموزان هستند که بایستی در این مجله راجع به نوع مواجهه با آن‌ها نکته‌هایی را مطرح و توصیه‌ها و پیشنهادهایی با هدف نقش‌آفرینی مؤثرتر برای آن‌ها بیان کرد. لازم است اشاره شود که هرچه خانواده‌ها و والدین توانمندتر و دارای جایگاه اجتماعی بالاتری به مدرسه رفت‌وآمد داشته باشند، رشد و ارتقای فرهنگ و تعالی دانش‌آموزان را در پی خواهد داشت. لذا مشارکت صحیح و سازنده والدین با مدرسه و تعامل آن‌ها با معلم و عوامل مدرسه، دستاوردها و برکت‌های ارزنده‌ای خواهد داشت.



برای اینکه معلمان نگاه خوشبینانه‌ای نسبت به حضور اولیا در مدرسه داشته باشند و تعامل با آن‌ها را مثبت ببینند، مواردی پیشنهاد می‌شود:

۱. داشتن تعامل و ارتباط مداوم: پدر و مادر با هدف تحقق تعاملی که در بالا بیان شد، به صورت مستمر با معلم یا معلمان فرزند خود تعامل، گفت‌وگو و ارتباط صمیمی و ثمربخش داشته باشند.

۲. تقسیم مسئولیت و شناخت نقش‌ها: در جایی که به رسالت و وظیفه‌ی سازمانی معلم مربوط می‌شود (نحوه تدریس، تکلیف‌دهی و...) اولیا یا ورود نکنند یا در حد اظهار نظر پیشنهادی وارد شوند. به عبارت دیگر ضروری است که والدین نقش خود را به عنوان حامی فرایند یادگیری و تربیتی فرزندان درک کنند و بدانند که مدرسه و معلمان، مسئولیت هدایت و اجرای این فرایند را بر عهده دارند. هر نوع دخالت مستقیم در فرایند تدریس و تربیت باید به شکلی باشد که معلم احساس نکند در حیطه کاری او دخالت شده است.

۳. مثبت‌اندیشی نسبت به مدرسه: در محیط خانه و در حضور فرزند خود، پدر و مادر نباید در خصوص مدرسه، به‌ویژه معلم فرزند خود، صحبت منفی داشته باشند و نقطه ضعف او را برجسته کنند.

۴. وقت‌گذاری و حمایت همه‌جانبه از برنامه‌های مدرسه: اگر معلم کلاس از پدر یا مادر برای فرزندشان

یا برای کلاس درس درخواست حمایت آموزشی، تربیتی و پشتیبانی علمی داشت، با روی

باز استقبال کنند. به بیان دیگر در مواردی که مدرسه برنامه‌های خاصی برای دانش‌آموزان دارد، والدین بکوشند با مشارکت فعال خود از این برنامه‌ها به فرزند خود و معلم کمک کنند تا نتیجه بهتری حاصل شود؛ برنامه‌هایی مانند: کلاس‌های تقویتی، کلاس‌های هنری، برنامه‌های تربیتی. **۵. انتقاد سازنده:** اگر والدین از عملکرد مدرسه یا معلمان انتقاد دارند، لازم است انتقادات خود را به شکل سازنده و با توجه به پیامدهای آن بیان کنند. این نوع گفت‌وگو باید در فضایی محترمانه و با هدف بهبود شرایط انجام شود، نه برای تخریب شخصیت معلم یا نظام آموزشی.

۶. ارتباط مستمر و نه فقط در زمان مشکل: بسیاری از پدر و مادرها تنها زمانی با مدرسه و معلمان ارتباط برقرار می‌کنند که مشکلی در عملکرد تحصیلی یا تربیتی فرزندشان پیش آید؛ در حالی که ارتباط منظم صرف‌نظر از وجود مشکل، می‌تواند به شناخت بهتر معلم از دانش‌آموز و شرایط خانوادگی او منجر شود و از بروز بسیاری از مشکلات پیشگیری کند.

۷. آمادگی والدین برای شنیدن بازخورد: یکی از چالش‌هایی که برخی والدین با آن روبه‌رو هستند، ناتوانی در پذیرش بازخوردهای منفی درباره فرزندشان است، در حالی که باید آماده شنیدن نقاط ضعف فرزندشان و همچنین انتقاداتی که ممکن است به روش‌های تربیتی آنان وارد شود، باشند و این موارد را به عنوان فرصتی برای رشد و بهبود فرزند خود تلقی کنند.

۸. توجه به فعالیت‌های اجتماعی و گروهی مدرسه: مشارکت والدین در برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی مدرسه (مانند: جشن‌ها، نمایشگاه‌ها و جلسه‌های والدین) علاوه بر ایجاد فضای مثبت و همدلی، به تقویت حس تعلق اجتماعی در دانش‌آموزان نیز کمک می‌کند. این نوع مشارکت نه تنها به بهبود جو مدرسه کمک می‌کند، بلکه والدین را با دیدگاه‌ها و دغدغه‌های دیگران نیز آشنا می‌سازد.

۹. احترام به حریم شخصی معلم: در دنیای امروز و با وجود ابزارهای ارتباطی متعدد، والدین باید دقت داشته باشند که زمان و فضای شخصی معلمان را رعایت کنند. ارسال پیام‌ها یا درخواست ارتباط در ساعات غیرکاری، به خصوص بدون اطلاع قبلی، ممکن است فشار اضافی بر معلمان وارد کند.

در مجموع، تعامل مؤثر والدین و معلمان با یکدیگر نیازمند توجه به یکدیگر و احترام متقابل است. این تعامل نه تنها به موفقیت دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه محیطی پویا، سالم و سازنده برای رشد و توسعه آن‌ها فراهم می‌آورد. مطمئن باشیم که در اکثر موارد، معلمان و مدیران مدرسه‌ها، داشتن اولیای توانمند، کوشا و پای کار را برای خود یک ظرفیت و بازوی کمکی می‌دانند.

باشد که مدرسه را به معنای واقعی دریابیم ان شاءالله...



نقش انکارناپذیر والدین در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز

گفت‌وگو با خانم دکتر اشرف زهره‌وند و آقای احمد غلامحسینی

دکتر اشرف زهره‌وند و آقای احمد غلامحسینی

عکاس

گفت‌وگو کننده

مقدمه

دانش‌آموزان اولین گروهی هستند که بیشترین ارتباط را با یکدیگر دارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. این تأثیرگذاری در بخش‌های گوناگون اجتماعی‌شدن، شناخت و یادگیری، رشد اخلاقی و کار گروهی تقسیم می‌شود. در این باره به گفت‌وگو با خانم اشرف زهره‌وند دکترای جامعه‌شناسی و آقای احمد غلامحسینی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی و مشاور آموزشی نشستیم.

آقای غلامحسینی: به نظر شما تأثیر اجتماعی دانش‌آموزان بر یکدیگر در شکل‌گیری شخصیت ایشان چه نقشی دارد؟

اولین گروهی که بیشترین ارتباط را با فرزندان ما دارند، همسالان هستند. این نقش از جنبه‌های گوناگونی قابل‌بیان است:

- **اجتماعی‌شدن:** در تعامل با همسالان یاد می‌گیرند برای نقش‌های آینده خود در جامعه آماده شوند.
- **شناخت و یادگیری:** بچه‌ها در محیط گروهی بیشتر و بهتر یاد می‌گیرند.
- **رشد اخلاقی:** بچه‌ها در تعامل با همسالان

وظیفه‌شناسی، تشخیص درست و نادرست، و هنجارهای اجتماعی را یاد می‌گیرند.

- **کار گروهی:** کودکان در طول بازی و فعالیت کلاسی صبر کردن، نوبت گرفتن، شریک شدن و... را یاد می‌گیرند.

انواع تعامل در گروه همسالان

- **روابط دوستانه:** احساس نزدیکی، وابستگی، جذب‌شدن؛
- **روابط علمی، درسی، همکاری، رقابت سالم و سازنده؛**
- **روابط اجتماعی صحیح:** توجه به نکته‌های مثبت یکدیگر و ایجاد رابطه‌ای پایدار، بحث و تبادل نظر با یکدیگر.

بنابراین به نظر شما والدین در رشد اجتماعی دانش‌آموزان و تنظیم روابط دانش‌آموزان با همسالان نقشی دارند؟

بله اخلاق کودک دوره ابتدایی بر برنامه و قرارداد مبتنی است. در این قاعده‌ها او مطلق‌اندیش است؛ یعنی هر آنچه را که به‌عنوان قاعده و قانون پذیرفت، آن را لازم‌الاجرا می‌داند. بنابراین در این دوره می‌توان آداب‌ورسوم و اخلاقیات را در او پرورش داد. بخش مهمی از این اخلاقیات به روابط کودک با همسالان مربوط می‌شود و والدین در پرورش آن نقش مهمی دارند. آموزه‌های تربیتی والدین در پذیرش یا نپذیرفتن

آموزش‌های مربیان مؤثر است و سبب پذیرش، خنثاسازی یا تقویت آن می‌شود.

برای مثال، در حالی که مربیان بر مشارکت، همدلی و گذشت متقابل در ارتباطات بین فردی دانش‌آموزان با یکدیگر تأکید دارند، معدود والدینی به فرزند خود توصیه‌ی مبنی بر حفظ منافع فردی می‌کنند. توجه به منافع فردی باعث دوری کودکان از یکدیگر و تنهاماندن کودک بین همسالان می‌شود. شاهد این موضوع اینکه برخی والدین به کودک خود تأکید می‌کنند، اجازه نده کسی حق تو را پایمال کند، یا اینکه من به فرزندم یاد داده‌ام هر طور شده است حق خودش را از دیگران بگیرد. در نگاه، این توصیه اخلاقی و متین جلوه می‌کند؛ اما در مقام عمل مرجع تعیین حق کیست؟ کودکان به اقتضای سن کودکی حق را به خود می‌دهند. اما مناسب این است که برای پیگیری حق خود به مربیان مدرسه رجوع کنند.

کودکان دروغ نمی‌گویند، بلکه آنچه را که راست می‌پندارند بر زبان می‌آورند. بر این مبنا بسیار پیش آمده است که والدین اظهار می‌کنند، فرزند من دروغ نمی‌گوید. این سخن در عین صحت، مستلزم بررسی مآل واقع است تا حقیقت آن طور که اتفاق افتاده است، روشن شود. توصیه می‌شود تا جایی که به رشد و سلامت کودک خدشه‌ای وارد نشود، از دخالت در روابط کودک خود با همسالان اجتناب کنید، چرا که اغلب اوقات مسائل آن‌طور که به نظر می‌رسد، حاد و بغرنج نیست و فرزند ما قادر است آن را مدیریت کند. دخالت بی‌هنگام والدین، کودک را از یادگیری برقراری روابط مناسب محروم می‌کند.

دومین محور نقش‌آفرینی والدین در ارتباطات فرزندشان، بحث ارتباط با مدرسه است. مدرسه خانه دوم دانش‌آموزان است. بسیاری از تعاملات سرنوشت‌ساز دانش‌آموزان در مدرسه شکل می‌گیرد. بخش غالب تعاملات خوشایند است و بخش کمی از آن، ناخواسته موجب ناخرسندی دانش‌آموزان می‌شود. اما آنچه

حائز اهمیت است برخورد سنجیده و منطقی والدین است که در عین حساسیت و دغدغه، موجب ناراحتی بیشتر دانش‌آموز نشود. بنابراین، حضور والدین باید به گونه‌ای باشد که موجب هراس و اضطراب دانش‌آموز نشود. به عبارت دیگر دانش‌آموز احساس نکند که حضور والدین او به منزله شکایت از دانش‌آموز یا مدرسه است. بلکه به معنای نزدیکی بیشتر آن‌ها با مدرسه است. البته این به معنای بی‌توجهی به کاستی‌ها و نقص‌ها

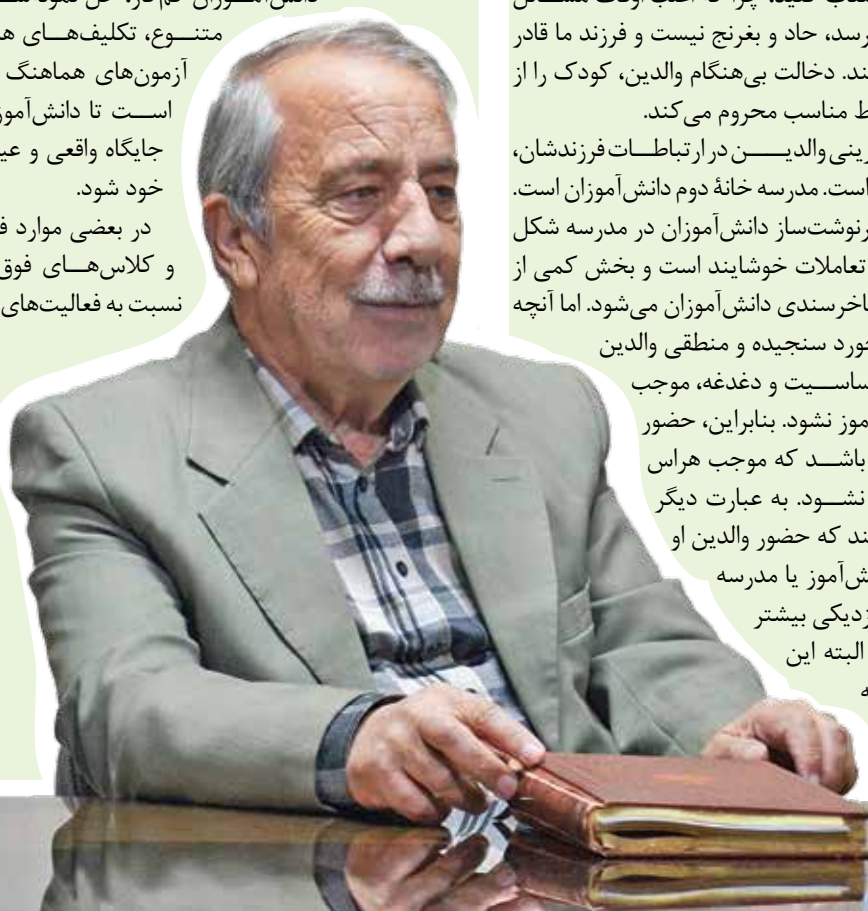
نیست.

■ دکتر زهره‌وند به نظر شما نحوه زمینه‌سازی برای تعامل و ارتباط هر چه بیشتر دانش‌آموزان با همدیگر، چگونه باید باشد؟ در این زمینه مصداق‌هایی از جمله فعالیت‌های فوق‌برنامه و تربیتی ارائه کنید و اینکه والدین در این زمینه چه نقشی دارند؟

زهره‌وند: اجرا و غنی‌سازی فعالیت‌های مکمل و فوق‌برنامه در مدرسه‌ها با توجه به علاقه‌ها و استعدادها، پاسخ به نیازهای فردی و غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان و همچنین تعمیق فرایند یاددهی‌یادگیری و به‌ویژه رشد تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان ضروری است. اردوی مدرسه بهترین و عالی‌ترین موقعیت برای پرورش استعداد، مهارت‌ها و علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان را فراهم کرده است و همچنین باعث گسترش روابط دوستانه بین دانش‌آموزان

می‌شود. یادگیری مفهومی علاوه بر کلاس معلم، نیازمند انجام فعالیت‌های جانبی، شامل کلاس‌های تکمیلی برای دانش‌آموزان کم‌کار، حل نمونه‌سؤال‌های متنوع، تکلیف‌های هدفمند و آزمون‌های هماهنگ کشوری است تا دانش‌آموز متوجه جایگاه واقعی و عیار علمی خود شود.

در بعضی موارد فعالیت‌ها و کلاس‌های فوق‌برنامه نسبت به فعالیت‌های کلاسی،



احساس درک متقابل بین والدین و فرزندان ایجاد شود تا پس از آن، راهنمایی، آموزش، پند و اندرز و... اثربخش باشد. به‌طور کلی باید گفت، احساسات بخشی از خصوصیات وجودی ما را تشکیل می‌دهند. ما می‌توانیم زمان و نحوهٔ بروز آن‌ها را خودمان تعیین کنیم، به‌شرط آنکه از وجودشان آگاه باشیم و برای فرزندان مهم است که بدانند چه احساسی دارند تا از تجمع احساسات ناشناخته و به‌هم‌ریخته در درونشان کاسته شود. والدین با انعکاس عواطف و احساسات فرزندان همان‌گونه که هستند و نه آن‌گونه که خودشان تفسیر می‌کنند، باعث می‌شوند تا خود آن‌ها به صورتی مبتکرانه در صدد تغییر، اصلاح و بهبود خویش برآیند.

■ خانم دکتر به عنوان پرسش پایانی، آیا باید به تأثیر انکارناپذیر والدین در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان اذعان کرد؟

خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در سلامت روح و روان و جسم فرزند است. تأثیر خانواده بر رشد فرزند بدون مقدمه با قدرت فراگیری خاصی آغاز و در سراسر زندگی فرد آشکار می‌شود. تأثیر روابط صحیح بین والدین و فرزندان و اهمیت آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست، زیرا فرزندان خصوصیت «اخلاق دیگر پیرو» دارند. یعنی با چشم بسته رفتار والدین خود را تقلید می‌کنند و به همین دلیل علمای تعلیم و تربیت همگی بر این باورند که نقش والدین در شکل‌گیری شخصیت افراد غیرقابل‌انکار و از مهم‌ترین عوامل در تأمین بهداشت روح و روان است.

روی رشد و پیشرفت دانش‌آموزان به‌ویژه در زمینهٔ رشد اجتماعی و کار مشارکتی تأثیر مثبت و بیشتری دارند. طراحی فعالیت‌های خارج از کلاس با معلم نیست، اما می‌تواند به‌عنوان عامل اصلی و محوری در طراحی این‌گونه از فعالیت‌ها تأثیرگذار باشد. فعالیت‌های فوق‌برنامه در فضای آموزشی مدرسه‌ها راحت‌تر انجام می‌شوند و دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای تعامل اجتماعی دارند. همچنین این اقدامات به تقویت نگرش مثبت دانش‌آموزان به مدرسه کمک شایانی می‌کند.

اولیا باید با توجه به اهمیت و تأثیر بنیادی این برنامه‌ها در یادگیری فرزندان، همراه و پشتیبان مدرسه و معلم باشند. اگرچه همگان از تأثیر عمیق این برنامه‌ها مطلع هستند، اما اجرای این برنامه‌ها بسیار حساس است و دردسرهای خاص خود را دارد؛ بنابراین همراهی خانوادها در این خصوص، سبب دلگرمی مدیران و معلمان مدرسه‌ها در برگزاری و اجرای هر چه بیشتر این برنامه‌ها خواهد شد.

تأثیر خانواده بر رشد فرزند با قدرت فراگیری خاصی آغاز و در سراسر زندگی فرد آشکار می‌شود

■ خانم دکتر از آنجایی که سلامت جسم و روان دانش‌آموزان از پیش‌نیازهای یادگیری دانش‌آموزان است، به نظر شما خانواده‌ها در سلامت جسم و روان دانش‌آموزان چه نقشی دارند؟

از دید من والدین در حمایت از سلامت جسم و روان فرزندان نقش بزرگی دارند. مراقبت محبت‌آمیز پایه‌ای قوی است که به فرزند شما کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی و عاطفی را که برای داشتن یک زندگی شاد، سالم و رضایت‌بخش به آن نیاز دارد، توسعه دهد. سلامت جسم و روان نوجوان پایه‌ای برای رشد بسیاری از مهارت‌هاست. احساس امنیت، اعتماد به نفس، تعامل مثبت اجتماعی، آرامش، همدلی، مسئولیت‌پذیری، شادابی، انگیزه و حتی بسیاری از عملکردهای اجرایی فرزندان در پی مراقبت و حمایت از سلامت روان آن‌ها شکل می‌گیرد. در نقطهٔ مقابل، بی‌توجهی به سلامت جسم و روان نوجوان از جانب والدین می‌تواند بسیار آسیب‌زا و مخاطره‌برانگیز باشد. نخست باید این



چالش تربیت دینی در فضای مجازی

مريم قرباني

کارشناس حکمت و معارف اسلامی

مقدمه

محیط همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد مؤثر در تربیت، به‌طور مستقیم در فرایند تربیت دخالت داشته است. نقش سازنده یا مخرب محیط تربیتی و راهکارهای بهبود و ارتقای سطح اثرگذاری آن در تربیت باید مورد توجه مربیان و والدین باشد تا بتوان ضمن آن به نتایج تربیتی مثبت دست یافت. این مسئله در فرهنگ دینی اسلام نیز به‌طور قابل توجهی مورد عنایت قرار دارد. امروزه با توجه به گسترش سریع محیط‌های مجازی از قبیل اینترنت، گوشی‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی، محیط تربیتی جدیدی به نام فضای مجازی به وجود آمده است. فضای مجازی به‌طور قابل ملاحظه‌ای افراد گوناگون به‌ویژه کودکان و نوجوانان را با خود مرتبط کرده است و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بسیاری در تربیت مخاطبان و تمام ابعاد زندگی انسان خواهد گذاشت. یکی از این ابعاد، حوزه دین و

تربیت دینی است.

با توجه به اینکه آموزش شایسته مفاهیم و ارزش‌های دینی به‌عنوان سنگ بنای جامعه مستلزم توجه به کیفیت آموزش‌های دینی و اسلامی است، باید به فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه‌ای توجه کرد که آموزش دینی در فضای مجازی می‌تواند به‌همراه داشته باشد. به بیان دیگر، هر چند استفاده از فضای مجازی می‌تواند فرصت‌های آموزشی مناسبی را در تربیت دینی متربیان به همراه داشته باشد؛ اما ماهیت این فضای آموزشی به نحوی است که چالش‌هایی را در این زمینه ایجاد خواهد کرد که توجه‌نکردن به آن‌ها می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به متربیان و جامعه وارد کند. در ادامه این موضوع را بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، دین، فضای مجازی، تربیت، هویت، فرهنگ

فضای مجازی و چالش‌ها

فضای مجازی آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی را پیش روی کار تربیت، به‌ویژه تربیت دینی قرار داده است، از جمله:

۱. دسترسی به محتوای نامناسب

فضای مجازی می‌تواند محتوای غیراخلاقی و ناسازگار با ارزش‌های دینی را به فرزندان معرفی کند.

۲. کاهش تعاملات خانوادگی

یکی از اثرات منفی فضای مجازی کاهش تعاملات رودررو بین اعضای خانواده است. این کاهش تعاملات ممکن است باعث کاهش توجه والدین به مسائل تربیت دینی و اخلاقی فرزندان شود. تربیت دینی به تعامل مستقیم، گفت‌وگو و همراهی نیاز دارد که با استفاده بیش از حد از فضای مجازی ممکن است آسیب ببیند.

۳. ایجاد هویت دوگانه

فرزندان ممکن است بین ارزش‌های دینی و محتوای نوین و گاه متناقضی که از فضای مجازی دریافت می‌کنند، دچار تعارض شوند.

۴. تضعیف هویت دینی و اسلامی

با وجود دسترسی به منابع معتبر دینی و اسلامی، فضای مجازی نیز بستری برای انتشار اطلاعات نادرست، شبهات دینی و محتوای غیرمعتبر است. افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، ممکن است در معرض محتوایی قرار بگیرند که به تضعیف باورهای دینی و اسلامی آن‌ها منجر شود. این مسئله چالشی مهم برای خانواده‌ها در تربیت دینی به‌شمار می‌آید.

۵. تغییر در الگوهای تربیتی

فضای مجازی، شیوه‌ها و الگوهای جدیدی از زندگی و تربیت را به خانواده‌ها معرفی می‌کند. برخی از این الگوها ممکن است با ارزش‌های دینی و اسلامی مغایر باشند. استفاده نادرست و بیش از حد از فضای مجازی می‌تواند باعث شود تا والدین از نقش خود در تربیت دینی فرزندان فاصله بگیرند.

۶. ترویج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی متناقض

در فضای مجازی، تبلیغ و ترویج سبک‌های زندگی و ارزش‌های متضاد با ارزش‌های دینی و اسلامی بسیار رایج است. این مسئله می‌تواند باعث ایجاد سردرگمی و شک در باورهای دینی افراد، به‌ویژه جوانان شود و تربیت دینی و اسلامی خانواده را با چالش مواجه کند.

۷. نامحدود بودن و کنترل‌نشدن فضای مجازی

فضای مجازی به‌راحتی قابل کنترل نبوده و ممکن است کودکان و نوجوانان ما به هر نوع محتوایی دسترسی داشته باشند.

۸. سرمایه‌گذاری دشمن در جبهه فضای مجازی و جنگ نرم

یکی از راه‌های نفوذ دشمن تهاجم فرهنگی است که فضای مجازی، بستر مناسبی برای این کار فراهم کرده است و بایستی متولیان امر تربیت و خانواده‌ها به این مهم حساس باشند.

فرصت‌های فضای مجازی در تربیت دینی

۱. دسترسی به منابع دینی و اسلامی

فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای دسترسی به منابع دینی مانند کتاب‌های الکترونیکی، ویدئوهای آموزشی و جلسه‌های مذهبی برخط باشد. افراد می‌توانند به‌راحتی به منابع معتبر دینی و اسلامی دسترسی پیدا کنند و از این طریق سطح آگاهی دینی خود و خانواده‌شان را ارتقا دهند.

۲. ارتباط با کارشناسان دینی

فضای مجازی بستری را فراهم کرده است که افراد بتوانند به‌راحتی با علما و کارشناسان دینی ارتباط برقرار کنند و پاسخ سؤال‌های خود را دریافت کنند. این موضوع می‌تواند در تربیت دینی و اسلامی خانواده مؤثر باشد، زیرا سؤال‌ها و چالش‌های دینی به سرعت پاسخ داده می‌شوند.

۳. تقویت معنویت

فضای مجازی می‌تواند فرصتی برای تقویت معنویت باشد. بسیاری از سکوها (پلتفرم‌ها) به انتشار محتوای مذهبی و آموزشی دینی می‌پردازند که می‌توانند به افراد کمک کنند تا ارتباط عمیق‌تری با دین و باورهای خود برقرار کنند. استفاده از سکوها آموزشی برخط با محتوای دینی، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی با محوریت ارزش‌های دینی و اسلامی، و ایجاد برنامه‌ها و بازی‌های تعلیمی اسلامی می‌توانند مؤثر باشند.

۴. ایجاد گروه‌های مذهبی

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند گروه‌هایی برای بحث و گفت‌وگو درباره مباحث دینی و اسلامی ایجاد کنند و افراد علاقه‌مند را به هم متصل کنند.

۵. آموزش برخط

از طریق برنامه‌ها و دوره‌های برخط، آموزش‌های دینی و اسلامی به‌راحتی قابل دسترسی‌اند.

راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی

تربیت دینی و اسلامی در فضای مجازی نیازمند راهکارهای هدفمند و مؤثر است تا هم از فرصت‌های آن بهره‌برداری و هم از چالش‌های احتمالی پیشگیری شود. بهترین راهکاری که در مواجهه با آسیب‌ها و چالش‌های فضای مجازی می‌توان ارائه داد، تقویت عقاید و باورهای دینی و اسلامی است. این تقویت و استحکام بخشی به‌ویژه درباره باورهایی که دشمن روی آن‌ها تمرکز بیشتری کرده است و سعی در تخطئه یا به انحراف کشیدن آن‌ها دارد، ضروری‌تر به نظر می‌آید. این راهکار، عمومی است و هر انسان متعهدی باید خود را مجهز به این سلاح کند. در حقیقت در مقام تربیت باید چنان تربیت شویم که فساد محیط و جامعه در ما تأثیر نگذارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۷۹).

یکی از کارآمدترین راه‌ها برای مقابله با نکته‌های منفی فناوری اطلاعات در فضای مجازی تربیت افراد براساس اخلاق اسلامی و دینی است که افراد از درون کنترل می‌شوند. یعنی التزام قلبی

می‌رسد از نقش چشمگیری که نهاد خانواده می‌تواند در این بین ایفا کند، غفلت شده است. خانواده‌ها می‌توانند نقش زیادی در نظارت بر استفاده فرزندان از اینترنت داشته باشند و از گرفتار شدن آن‌ها در آسیب‌های اینترنتی جلوگیری کنند (نوربخش و مولایی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). در ادامه، به برخی از مهم‌ترین راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی اشاره می‌شود:

قرآن مجید یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر (ص) تربیت انسان‌ها و پرورش اخلاق حسنه می‌داند

۱. انتخاب و معرفی منابع معتبر دینی و اسلامی

والدین باید به فرزندان خود منابع دینی و اسلامی معتبر و قابل اعتماد را معرفی کنند. این منابع می‌توانند شامل وبگاه‌های معتبر دینی، سخنرانی‌های علما و استادان، و کانال‌ها و صفحه‌های مذهبی در شبکه‌های اجتماعی باشند. همچنین لازم است که والدین خودشان با این منابع آشنا باشند تا بتوانند بر انتخاب محتوای دینی توسط فرزندان نظارت کنند.

۲. آموزش سواد رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین راهکارها، آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان و نوجوانان

پیدا می‌کنند که به‌طرف کارها یا موارد ناشایست نروند. قرآن مجید یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر (ص) را تزکیه نفوس، تربیت انسان‌ها و پرورش اخلاق حسنه می‌داند، به‌طوری که در سوره جمعه آیه ۲ قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» «او کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

این آیه و تأکیدهای پی‌درپی قرآن مجید دلیل روشنی بر اهمیت پرورش اخلاق و تزکیه نفوس است. در واقع نظر تربیتی اسلام این است که ابتدا باید به تربیت افراد همت گماشت تا جامعه هم تربیت شود، زیرا این افراد هستند که جامعه را می‌سازند. از طرفی اسلام صحیح‌بودن و کارآمدبودن این روش را نیز در عمل به اثبات رسانده است. به‌طوری که در مدت زمانی نه‌چندان طولانی، تمدنی پویا ایجاد کرده است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۴۱۳).

خطرها و آسیب‌های اینترنت که همه کاربران در معرض آن قرار دارند، برای کودکان و نوجوانان خطری مضاعف محسوب می‌شود، چرا که شرایط سنی امکان مواجهه درست با این خطر را برای آن‌ها مشکل‌تر می‌کند. در مقابله با این چالش یکی از راهکارهای کارآمد، نظارت و همراهی والدین با فرزندان در استفاده از فضای مجازی است. بدیهی است که اگر خودکنترلی از سوی فرزندان و نظارت از سوی والدین نباشد امکان فساد و تباهی فراهم می‌شود. حضرت رضاع (ع) در این باره می‌فرماید:

«إِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ (الْمَنْهِيَّاتِ)، وَ ارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهِي وَ يَهْوَاهُ، مِنْ غَيْرِ مُرَاقَبَةٍ لِأَحَدٍ، كَانَ فِي ذَلِكَ فُسَادٌ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ»؛ «زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند و هر کس هر چه دلش خواست کرد، بدون اینکه کسی نظارت کند، (در این صورت) مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌شوند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق؛ ج ۲: ۹۹؛ همان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۵۲؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۴۷).

سیره حضرت رضاع (ع) نیز نمایانگر این مطلب است که ایشان همواره به شکل‌های گوناگون همچون: نامه و پیام‌های شفاهی از دور بر وضعیت فرزندش حضرت جواد(ع) نظارت می‌کردند و راهنمایی‌های لازم را به ایشان ارائه می‌دادند. چنان‌که پیش از رفتن به خراسان درباره فرزندانش آنچه شایسته بود، سفارش فرمود (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۹: ۴۶۳).

بررسی‌ها در سیره رضوی نشان می‌دهند که نظارت خود یکی از راه‌های تربیت است و باید بدان اهتمام گماشت. درباره فضای مجازی نیز یکی از راهکارهای جلوگیری از آسیب‌های محیط ناسالم مجازی، نظارت و همراهی والدین است. به نظر



والدین باید تلاش کنند فعالیت‌های معنوی و دینی برون خط مانند نماز، دعا، تلاوت قرآن و شرکت در مراسم مذهبی را به عنوان بخش مهمی از زندگی روزمره خانواده نهادینه کنند

است. والدین باید به فرزندانشان بیاموزند که چگونه اطلاعات درست را از نادرست تشخیص دهند، منابع معتبر را شناسایی کنند و از مواجهه با محتوای نامناسب و شبهات دینی اجتناب کنند. این آموزش‌ها می‌توانند از طریق گفت‌وگوهای خانواده یا حتی شرکت در کارگاه‌های آموزشی انجام شوند.

۳. ایجاد زمان‌های مشخص برای استفاده از فضای مجازی

تعیین زمان‌های مشخص برای استفاده از فضای مجازی به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان می‌تواند به جلوگیری از استفاده بی‌رویه و بی‌مورد کمک کند. این زمان‌بندی می‌تواند به والدین فرصت دهد تا زمان‌های لازم برای تربیت دینی و اسلامی رودررو و آموزش مستقیم را در برنامه‌های روزانه بگنجانند.

۴. نظارت فعال و همراهی با فرزندان والدین باید به جای نظارت صرف، همراه و همکار فرزندان خود در استفاده از فضای مجازی باشند. این به معنای ایجاد ارتباط مؤثر و گفت‌وگو درباره محتوای مشاهده‌شده، پرسش‌ها و چالش‌های ذهنی فرزندانشان است. این همراهی باعث می‌شود که فرزندان آن‌ها به راحتی درباره شبهات دینی یا محتوای دینی که در فضای مجازی مشاهده می‌کنند با والدین مشورت کنند.

۵. تشویق به مشارکت در برنامه‌های دینی بر خط بسیاری از برنامه‌های دینی مانند: کلاس‌های آموزشی بر خط، دوره‌های قرآن‌خوانی، و جلسه‌های بحث و گفت‌وگو در فضای مجازی برگزار می‌شوند. والدین می‌توانند فرزندان خود را تشویق کنند تا در این برنامه‌ها شرکت کنند و به این ترتیب از فرصت‌های فضای مجازی برای تقویت تربیت دینی و اسلامی بهره ببرند.

۶. ایجاد الگوی صحیح استفاده از فضای مجازی والدین باید خودشان الگوی مناسبی برای استفاده صحیح و متعادل از فضای مجازی باشند. نحوه استفاده والدین از فضای مجازی تأثیر مستقیمی بر رفتار فرزندان دارد. اگر والدین محتوای دینی و آموزشی را در فضای مجازی جست‌وجو و دنبال کنند، احتمال بیشتری دارد که فرزندان نیز از این الگو پیروی کنند.

۷. ترویج فعالیت‌های معنوی برون خط والدین باید تلاش کنند فعالیت‌های معنوی و دینی برون خط مانند نماز، دعا، تلاوت قرآن و شرکت در

مراسم مذهبی را به عنوان بخش مهمی از زندگی روزمره خانواده نهادینه کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند به تقویت پیوندهای دینی و معنوی فرزندان کمک کنند و آن‌ها را از آسیب‌های احتمالی فضای مجازی مصون نگه دارند.

۸. پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و شبهات دینی

یکی از چالش‌های تربیت دینی در فضای مجازی برخورد با شبهات دینی است. والدین باید آمادگی داشته باشند تا به پرسش‌های دینی فرزندان با دقت و صداقت پاسخ دهند و در صورت نیاز از علما و کارشناسان دینی کمک بگیرند. مهم است که فرزندان احساس کنند می‌توانند سؤال‌های خود را در فضایی امن و دوستانه مطرح کنند.

۹. تقویت مهارت‌های فکری و تحلیلی

تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیلی در فرزندان می‌تواند آن‌ها را در مواجهه با محتوای گوناگون فضای مجازی مقاوم‌تر کند. آموزش این مهارت‌ها به فرزندان کمک می‌کند تا به صورت منطقی و با تکیه بر اصول دینی و اسلامی به بررسی محتوای دینی و غیردینی در فضای مجازی بپردازند و از تأثیرات منفی آن جلوگیری کنند.

۱۰. استفاده از برنامه‌های مدیریت و کنترل والدین

والدین می‌توانند ابزارهای نظارتی و برنامه‌هایی را برای کنترل و مدیریت استفاده فرزندان از فضای مجازی به کار گیرند. این ابزارها به والدین کمک می‌کنند تا محتوای نامناسب را بیالایند (فیلتر کنند) و به طور مؤثرتر بر استفاده فرزندانشان نظارت داشته باشند.

* منابع

۱. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۸ ق). عیون اخبار الرضا(ع)، تهران، نشر جهان.
۲. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۴. قرآنی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵. نوربخش، یونس؛ مولایی، محمدمهدی (۱۳۹۰). «هرزه‌نگاری اینترنتی در ایران و نقش خانواده در کنترل آن»، مجموعه مقالات فضای مجازی ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی، یونس شرخواه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷-۱۲۲.
۶. نوروزی، مجتبی؛ کاظمی، ابوالفضل؛ شاهمرادی، سیده فاطمه (۱۳۹۶). راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و سیره رضوی، فرهنگ رضوی، سال پنجم، پاییز، شماره ۱۹.

برای والدین

جا باز کنیم!

عکس: اعظم لاریجانی

راه‌های ارتقای مشارکت خانه و مدرسه

دکتر بهنام بهراد

دکترای روان‌شناسی سلامت

مقدمه

کودکان تنها متکی و وابسته به تلاش‌های معلمان و مدرسه است؛ چراکه آموزش یک مسئولیت مشترک است و وقتی والدین و معلمان به‌طور هماهنگ با یکدیگر کار کنند، محیط یادگیری جامع‌تر و اثربخش‌تری شکل می‌گیرد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۳؛ پیزای، ۲۰۲۲). در دهه‌های اخیر شواهد روزافزون نشان داده‌اند که مشارکت والدین و مدرسه نقش چشمگیری در پیشرفت و موفقیت تحصیلی، عاطفی اجتماعی و به‌طور کلی بهزیستی کودکان دارد، این در حالی است که حوزه‌های سیاست‌گذاری، راهبران مدرسه‌ها، معلمان و خانواده‌ها تصویر روشنی از این مشارکت مسئولانه و چارچوب‌ها و مؤلفه‌های آن ندارند. در این مقاله سعی شده است مفهوم مشارکت خانواده و مدرسه برای علاقه‌مندان این حوزه و نیز برای عوامل متعددی که در آن ایفای نقش می‌کنند تا حد امکان رمزگشایی و ابعاد آن روشن شود.

کلیدواژه‌ها: طرح پیزا، مشارکت خانه و مدرسه، نظام آموزشی

خانواده‌ها و مدرسه‌ها تأثیر قابل توجهی بر موفقیت آموزشی کودکان دارند. به همین ترتیب، روابط بین خانواده‌ها و مدرسه‌ها نیز در سازگاری مثبت کودکان اهمیتی ویژه دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مشارکت مسئولانه والدین در آموزش کودکان، با عملکرد بهتر آن‌ها در حوزه‌های گوناگون تحصیلی، انگیزشی و سازگاری عاطفی و اجتماعی هم‌بستگی دارد (گینزبورگ - بلاک و همکاران، ۲۰۱۰؛ پومرانتز و همکاران، ۲۰۰۷). این تأثیر در تمام مراحل رشدی (هیل و تاپسون، ۲۰۰۹؛ جینز، ۲۰۰۵) و در میان خانواده‌های گوناگون (جینز، ۲۰۰۳) و در تمام گروه‌های اقتصادی اجتماعی (دومینا، ۲۰۰۵؛ میدل و رینولدز، ۱۹۹۹) قابل مشاهده است. روی هم رفته، پژوهش‌ها بیانگر نقش مهم روابط خانواده‌مدرسه در سازگاری کلی کودکان است.

تحلیل‌گران مطالعه بین‌المللی پیزا (پیزای، ۲۰۲۲) بر این باورند که والدین نباید دچار این سوءتفاهم شوند که آموزش

شواهد علمی و پژوهشی چه می‌گویند؟

مطالعات جان هتی روی ۲۱۰۰ فراتحلیل نشان می‌دهد که مشارکت والدین و مدرسه از عوامل اثرگذار بر پیامدهای تحصیلی دانش‌آموزان است (جان هتی، ۲۰۲۳). نتایج مطالعات گسترده دیگر و همین‌طور مطالعات بزرگ‌مقیاسی مانند پیزا نیز این واقعیت را تأیید می‌کنند. پدر و مادر اولین معلمان فرزندان‌شان هستند. نتایج مطالعه پیزا نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در خانواده مورد حمایت قرار می‌گیرند، نگرش‌های مثبت‌تری به مدرسه و یادگیری دارند. همین دانش‌آموزان در خانواده‌هایی که دست‌کم یک وعده غذایی اصلی را با هم صرف می‌کنند و خانواده‌هایی که به‌طور مکرر و مستمر در مورد فعالیت‌های روزانه مدرسه با کودک صحبت می‌کنند، از ۱۶ تا ۲۰ نمره عملکرد بالاتری دارند. این تفاوت

نمره در سنجش بین‌المللی پیزا، تفاوتی حدود یک سال تحصیلی یا بیشتر تلقی می‌شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۳؛ پیزا، ۲۰۲۲). شواهد پژوهشی به‌طور مستمر و هماهنگ تأیید می‌کنند که مشارکت مسئولانه خانواده و مدرسه یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رشد کودکان، پیشرفت تحصیلی و موفقیت آن‌ها در مدرسه و زندگی است (پروژه پژوهش جهانی خانواده، ۲۰۱۸). بنابراین، توجه به ارتقای مشارکت خانواده و مدرسه از سیاست‌های راهبردی در بهبود کیفیت نظام آموزشی محسوب می‌شود. امروزه وقتی از مشارکت مسئولانه خانواده و جامعه با مدرسه صحبت می‌کنیم، از موضوعی صحبت می‌کنیم که مبتنی بر نیم‌قرن پژوهش‌های رشد‌نگر، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و سیاست‌های تدوین‌شده به‌منظور ایجاد برابری در فرصت‌های آموزشی در نبردی نفس‌گیر با فقر و نابرابری است (پروژه پژوهش جهانی خانواده، ۲۰۱۸).

با این وصف، و صرف‌نظر از اتفاق‌نظر مشهود در ادبیات این حوزه پیرامون اهمیت روابط خانواده‌مدرسه، توافق کمی در مورد مفهوم‌پردازی و تعریف این «رابطه» وجود دارد. بررسی متن‌ها و ادبیات حوزه مشارکت خانواده و مدرسه در این مطالعه نشان می‌دهد که سه اصطلاح «مشارکت»، «مشارکت مسئولانه» و «شراکت و همکاری» از اصطلاحات تخصصی و متداول روابط خانه‌مدرسه محسوب می‌شوند که تظاهرات این رابطه را دسته‌بندی، و فرایندها و پیامدهای تعاملات والدین یا سرپرستان کودک با مدرسه را عملیاتی می‌کنند (کیم و شریدان، ۲۰۱۵).

در حالی که مفهوم «مشارکت خانواده و مدرسه» در محافل علمی و عمومی نظام آموزش و پرورش ما بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما نه‌تنها فهم مشترکی از تعریف این

دانش‌آموزانی
که در خانواده
مورد حمایت
قرار می‌گیرند،
نگرش‌های
مثبت‌تری
به مدرسه و
یادگیری دارند

مفهوم و مفاهیم مرتبط با آن وجود ندارد بلکه در

عمل سردرگمی مشهودی در مفهوم‌پردازی‌های مربوط به مشارکت خانواده‌مدرسه دیده می‌شود. به همین منظور، در این نوشتار کوشیده‌ایم تا حدی اصطلاح مشارکت مسئولانه خانواده و مدرسه را رمزگشایی کنیم تا به خانواده‌ها و مدرسه‌ها نشان دهیم که شواهد علمی و پژوهشی به‌منظور ارتقای رشد و پیشرفت دانش‌آموزان چه نوع اقدامات مشارکتی بین خانواده‌ها و مدرسه‌ها را طلب می‌کند.

در یک تعریف نسبتاً جامع مشارکت مسئولانه خانواده و والدین این‌گونه بیان شده است: «ترویج و ارتقای سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مشارکت مسئولانه نظام‌مند (سیستمی) و اثربخش خانواده و مدرسه که به بهبود یا بهسازی رشد دانش‌آموز و پیشرفت تحصیلی وی منجر می‌شود» (انجمن ملی مشارکت مسئولانه خانواده، مدرسه و جامعه^۱، ۲۰۲۱).

چگونه می‌توانیم مشارکت خانواده و مدرسه را ارتقا دهیم؟

همان‌طور که پیش‌تر به تفصیل بحث کردیم، حدود نیم‌قرن مطالعه و پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت مسئولانه والدین و مدرسه، با رشد بهتر کودکان، افزایش بازده تحصیلی و بهبود سلامت عاطفی، اجتماعی و بهزیستی دانش‌آموزان رابطه تنگاتنگ دارد. با این وصف، چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، برای سیاست‌گذاران، مدیران و راهبران مدرسه‌ها و همین‌طور خانواده‌ها روشن نیست که مشارکت خانواده و مدرسه چه ابعاد یا چارچوب‌هایی دارد. آیا خانواده‌ها باید در تمامی مسائل مدرسه مشارکت داشته باشند؟ و به‌طور کلی حدود و ثغور مشارکت خانواده و مدرسه چیست و به چه شکلی این مشارکت باید روی دهد؟

الگوی مفهومی آراسی^۲ استرالیا (آراسی، ۲۰۱۵) تصویر جامع و گویایی از مشارکت خانواده و مدرسه و تعالی رابطه این دو نهاد و نقش این مشارکت در پیامدهای تحصیلی، سلامت و بهزیستی کودکان یا دانش‌آموزان به ما ارائه می‌کند. همان‌طور که جدول شماره ۱ را از این مدل مفهومی مشاهده می‌کنید، دو بافت برای فعالیت‌های خانواده و مدرسه ترسیم شده است: ۱. بافت خانواده شامل کمک‌های متعدد والدین و خانواده به امر یادگیری کودکان و ۲. بافت مدرسه، شامل مشارکت خانواده و مدرسه در بهبود عملکرد تحصیلی و سلامت و بهزیستی کودک. در بافت خانواده، آنچه به ارتقای مشارکت خانواده و مدرسه کمک می‌کند عبارت‌اند از: مطالعه یا خواندن مشترک کتاب، داستان، گفت‌وگوی والدین با دانش‌آموز در مورد یادگیری، درس‌ها، مسائل اجتماعی و خانوادگی، پشتیبانی از انجام تکلیف‌ها با فراهم کردن محیط مناسب در خانه، تدوین مقررات هماهنگ با مدرسه، تشویق به استقلال دانش‌آموز در انجام تکلیف‌ها و تعاملات مثبت بین والدین و دانش‌آموز؛

شکل ۱. مدل مفهومی آراسی (ARACY) از مشارکت خانواده‌مدرسه (برگرفته از آراسی، ۲۰۱۵)

جنبه‌های مهم مشارکت مسئولانه والدین برای پیامدها یا بازده دانش‌آموزان	مشارکت مسئولانه اثربخش	بازده یا پیامدهای کوتاه‌مدت برای خانواده	بازده یا پیامدهای کوتاه‌مدت برای کودک	بازده یا پیامدهای بلندمدت برای کودک
یادگیری به کمک خانواده	مطالعه یا خواندن مشترک	عوامل مساعد فرهنگ حامی مشارکت مدرسه محیط گشاده‌رو و پذیرای سیاست‌ها و رهبری در زمینه مشارکت مسئولانه والدین	باورمندی به تأثیرگذاری والدین بر یادگیری کودکان (نقش‌آفرینی)	پیشرفت تحصیلی
	گفت‌وگوی والد و کودک به‌ویژه در مورد یادگیری، مسائل اجتماعی، داستان‌های خانوادگی	اقدامات کلیدی ارتباط منظم در مورد پیشرفت و سلامتی کودکان	احساس پذیرش و تعلق به مدرسه	خودباوری
	پشتیبانی از انجام تکلیف‌ها با فراهم کردن محیط مناسب، مقررات هماهنگ با انتظارات مدرسه، تشویق استقلال در یادگیری و ایجاد تعاملات مثبت بین والد و کودک	ارتباط با هدف افزایش خودباوری والدین و نقش‌آفرینی آنان	دفعات و کیفیت ارتباط با مدرسه	سلامت روانی و بهزیستی
	فراهم‌ساختن محیطی برانگیزاننده از نظر ذهنی و شناختی	دعوت انفرادی به‌منظور مشارکت در یادگیری و مدرسه کودک	کیفیت رابطه با معلم	کاهش تأثیر کم‌برخورداری بر پیامدها یا بازده آموزشی
شرکت و همکاری خانواده‌مدرسه	حمایت از سلامت عاطفی و اجتماعی، روابط با همسالان و روابط با معلم	اطلاعات در مورد راهبردهای عملی به‌منظور حمایت از یادگیری	حضور در رویدادهای مدرسه	
	ارتباط دوجانبه در مورد سلامت و پیشرفت کودکان	آگاهی و دانش به آنچه کودکان یاد می‌گیرند	تعداد فعالیت‌های یادگیری خانواده‌محور	
	ارتباط در مورد چیزهایی که کودکان یاد می‌گیرند و اطلاعات خاص در مورد کمکی که خانواده‌ها می‌توانند انجام دهند.	شرکت و همکاری با سازمان‌های اجتماعی و در صورت نیاز توانایی ارجاع خانواده‌ها به این مراکزها به‌منظور حمایت بیشتر	مهارت‌های یادگیری	
مشارکت مسئولانه در جمع مدرسه و نگرش‌های مثبت به مدرسه			سلامت عاطفی و اجتماعی	

از حضور و مشارکت والدین در مدرسه، سیاست‌گذاری و رهبری مؤثر در مدرسه به‌منظور توسعه مشارکت والدین در مدرسه، اقداماتی که به تسهیل مشارکت خانواده و مدرسه کمک می‌کنند شامل چنین موارد می‌شوند: ارتباط منظم والدین و معلم در مورد پیشرفت و سلامتی دانش‌آموز، تقویت ارتباط معلم و والدین با هدف افزایش خودباوری والدین و نقش‌آفرینی آنان در پیشرفت دانش‌آموز، دعوت انفرادی از والدین به‌منظور مشارکت و بررسی یادگیری و پیشرفت دانش‌آموز در مدرسه، آموزش راهبردهای عملی به والدین به‌منظور حمایت از یادگیری دانش‌آموزان، شرکت و همکاری مدرسه با سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دیگر به‌منظور حمایت و ارجاع خانواده‌ها در صورت نیاز.

* پی‌نوشت‌ها

1. National Association for Family, School & Community Engagement (NAFSCE)
2. Australian Research Alliance for Children & Youth (ARACY)

ایجاد محیطی برانگیزاننده از نظر ذهنی با تشویق دانش‌آموز به تفکر، آزمون کردن، حل مسئله و تولید راه‌حل‌های نو، حمایت عاطفی و اجتماعی از کودک و تشویق روابط مثبت و سازنده با همسالان و معلم.

در بافت مدرسه نیز ارتباط دوجانبه و مستمر معلم و مدرسه با والدین در مورد سلامت و پیشرفت دانش‌آموز، ارتباط با والدین در مورد مطالبی که دانش‌آموزان در مدرسه یاد می‌گیرند و کمکی که خانواده‌ها می‌توانند در این زمینه ارائه کنند، شکل دادن نگرش‌های مثبت به مدرسه و مشارکت مسئولانه در همایش‌ها و فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آموزشی در مدرسه از جمله مواردی هستند که به مشارکت دوجانبه والدین و مدرسه کمک قابل توجهی می‌کنند.

براساس مدل آراسی عواملی که می‌توانند به ارتقا و توسعه مشارکت در مدرسه و خانواده کمک کنند عبارت‌اند از: ایجاد فرهنگ حامی مشارکت در مدرسه مانند تشویق معلمان به این امر، ارزیابی معلمان در این زمینه، ایجاد محیطی گشاده‌رو و پذیرا

با پوشش رمزیننه منابع را ملاحظه کنید.



اشارات درخشان

فهرستی از یافته‌های چند پژوهش تربیتی

مهناز اعتمادی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی و معاون آموزشی منطقه ۴ شهر تهران

پژوهش‌ها نشان

عزت نفس فرزندان

فردی که عزت نفس دارد به ارزش و توانایی‌های خویش ایمان دارد و قادر است در راستای تحولات مثبت فردی و اجتماعی خویش گام بردارد. از جمله راهبردهای فراوان آن می‌توان به محبت کردن، انتخاب نام نیک و احترام گذاشتن اشاره کرد. والدین با تربیت صحیح می‌توانند عزت نفس فرزندان را افزایش و سلامت معنوی آنان را بهبود دهند (گلی، ۱۳۹۴).

رشد اجتماعی فرزندان

شرکت دسته‌جمعی اعضای خانواده در فعالیت‌های فراغتی و تفریحی می‌تواند از طریق ارتقای کیفیت ارتباط با همسالان و ارتباط با والدین باعث رشد اجتماعی بالاتر در فرزندان (دانش‌آموزان) شود (ره‌دار و همکاران، ۱۳۹۸).

ارتقای سلامت جسم و روان

آگاهی والدین از اهمیت ورزش و میزان انگیزه‌های لازم را برای تشویق فرزندان‌شان به درک بهتر ورزش، فعالیت بدنی و در نهایت سلامت بیشتر جسم و روان فراهم کند (تیموری و همکاران، ۱۳۹۱).

داده‌اند:

ارتباط

والدین با مدرسه، پیشرفت تحصیلی فرزندان

نگرش مقتدرانه و حمایتی والدین، انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندانشان نقشی اساسی ایفا می‌کنند و با برقراری ارتباط با فرزندان خود، دادن حس انگیزه و اعتمادبه‌نفس، و تشویق آنان باعث پیشرفت تحصیلی فرزندان خود می‌شوند (قبادی فرزنان، ۱۴۰۱).

مصرف رسانه‌ای در گرو سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای والدین و هویت اجتماعی آن‌ها بر مصرف رسانه‌ای نوجوانان تأثیر مثبتی دارد (بهادری خسروشاهی و برقی، ۱۳۹۷).

خوداثرمندی فرزندان

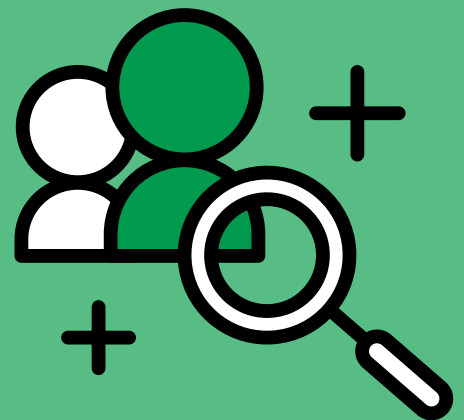
تحصیلات والدین تأثیر قابل توجهی بر خوداثرمندی اجتماعی، تحصیلی، هیجانی و جسمانی به‌ویژه در دختران دارد (طهماسیان و فتا، ۱۳۸۵).

اجتماعی‌شدن فرزندان

جریان اجتماعی‌شدن فرزندان تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خانواده است (شجاعی و همکاران، ۱۴۰۲).

*منابع

۱. رهدار، محمد؛ صیدی، محمدسجاد؛ رشیدی، علی‌رضا (۱۳۹۸). تحلیل مسیر فراغت خانواده به رشد اجتماعی با واسطه‌گری کیفیت ارتباط والد نوجوان و کیفیت ارتباط با همسالان.
۲. طهماسیان، کارینه؛ فتا، لادن (۱۳۸۵). نقش تحصیلات والدین در خوداثرمندی دختران و پسران نوجوان. خانواده‌پژوهی، ۲(۸)، ۳۶۹-۳۵۵.
۳. تیموری، صفیه؛ عادل قهرمان، مرجان؛ تیموری، آزاده (۱۳۹۱). گزارش تجربه و کارکرد بررسی نقش والدین در فعالیت بدنی کودکان. همایش تجارت و کارکردهای مطلوب نظام مراقبت‌های اولیه بهداشتی (دومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی).
۴. قبادی فرزنان، محمدحسین (۱۴۰۱). نقش والدین در مدیریت و ارتقاء یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و صنعت.
۵. بهادری خسروشاهی، جعفر؛ برقی، عیسی (۱۳۹۷). نقش سواد رسانه‌ای والدین و هویت اجتماعی بر مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان. مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۴)، ۳۱۶-۲۹۰.
۶. گلی، مهرناز (۱۳۹۴). نقش والدین در پرورش عزت‌نفس فرزندان و سلامت معنوی آنان از دیدگاه اسلام. تاریخ پزشکی، ۷(۲۵)، ۱۰۱-۱۲۸.
۷. شجاعی، محمد؛ امانی، فرشته؛ مرادی، محمد؛ رضائی، رضا (۱۴۰۲). بررسی نقش خانواده در شکل‌گیری هویت و اجتماعی‌شدن فرزندان. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.



والدین، دستیار معلم یا مزاحم!

تحلیل یک نظرسنجی

دکتر سمیه عبداللہی

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی و
آموزگار منطقه ۴ شهر تهران

دکتر فاطمه مردان اربط

دکترای علوم تربیتی گرایش
برنامهریزی درسی

چکیده

این مقاله به بررسی نیازهای آموزشی والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌پردازد. اگرچه هدف ما به صورت عمومی دستیابی به نیازهای آموزشی والدین برای کمک به فرزندان خود در یادگیری و انجام تکالیفشان است، اما تمرکز بیشتر شبیه‌سازی برای زمانی بود که آموزش به صورت مجازی و از راه دور انجام می‌شد و نقش والدین در فرایند یادگیری فرزندانشان به طرز چشمگیری افزایش یافته بود.

با بسته‌شدن مدرسه‌ها و انتقال آموزش به محیط مجازی، بسیاری از پدر و مادرها مجبور شدند به عنوان دستیاران معلم در خانه عمل کنند، بدون آنکه برای این نقش جدید آمادگی کافی داشته باشند. این پیش‌آمد ناگهانی نیاز به آموزش و راهنمایی دقیق‌تر والدین و متناسب با شرایط جدید را بیش از پیش نمایان کرد. در این مقاله، با بهره‌گیری از نتایج یک نظرسنجی که از والدین دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی انجام شده است، به تحلیل مشکل‌ها و چالش‌های این پدر و مادرها در مدیریت آموزش خانگی پرداخته می‌شود؛ چالش‌هایی مانند کاهش کیفیت یادگیری، دشواری در مدیریت زمان و مکان آموزش و نداشتن توانایی در ارائه بازخورد مؤثر به فرزندان. همچنین، این پژوهش نیازهای آموزشی والدین در حوزه‌های گوناگونی مانند یادگیری روش‌های تدریس جدید، ایجاد انگیزه و تشویق در کودکان و استفاده بهینه از فضای خانه و بیرون خانه برای یادگیری را شناسایی می‌کند. براساس تحلیل داده‌های به دست آمده، پیشنهادهایی هم برای

بهبود همکاری بین والدین و معلمان ارائه می‌شود که می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش در شرایط مشابه کمک کند. این پیشنهادها شامل احیای دوره‌های آموزشی برای والدین، تولید محتوای دیجیتال آموزشی جذاب برای دانش‌آموزان، و ایجاد بسترهای ارتباطی و تعاملی بیشتر بین خانه و مدرسه است.

کلیدواژه: آموزش والدین، چالش‌های آموزش مجازی، نقش والدین در دوران کووید ۱۹

مقدمه

در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شدند. در ایران نیز تعطیلی مدرسه‌ها و تغییرهای ناگهانی در روش‌های آموزشی، مسئولیت‌های جدیدی را بر عهده والدین گذاشت. بسیاری از والدین مجبور شدند به عنوان دستیاران معلمان در خانه نقش ایفا کنند، بدون آنکه آموزش لازم را برای این کار دیده باشند. این پیش‌آمد ناگهانی، والدین را با مشکلات متعددی روبه‌رو کرد؛ از جمله در مدیریت زمان آموزش و مکان آموزش، ارزیابی پیشرفت تحصیلی فرزندان و چگونگی استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی. به تبع آن بسیاری از والدین در پشتیبانی از یادگیری فرزندان خود احساس ناتوانی کردند. این امر ضرورت آموزش و توانمندسازی والدین برای ایفای نقش مؤثرتر در فرایند آموزشی در چنین موقعیت‌های غیرمترقبه‌ای را آشکار ساخت. در واقع در چنین شرایطی، دادن رهنمودها و آموزش‌های هدفمند به والدین می‌تواند نه تنها به کاهش فشار روانی به آن‌ها کمک



کند، بلکه به
بهبود کیفیت آموزش
فرزندان نیز منجر شود.

هدف این مقاله بررسی نیازهای
آموزشی والدین دانش‌آموزان ابتدایی در
این دوره و تحلیل نتایج یک نظرسنجی در این
زمینه است، با این هدف که ضمن شناسایی مشکل‌ها
و چالش‌های والدین در همراهی با فرزندان خود، راهکارهایی
نیز برای توانمندسازی آن‌ها و بهبود همکاری بین خانواده و
مدرسه ارائه دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران
آموزشی، معلمان و والدین در درک بهترشان از نیازها و
انتظارهای آموزشی در شرایط بحران کمک کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است و هدف آن شناسایی
و تحلیل نیازهای آموزشی والدین دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی
در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ است. داده‌های پژوهش از
طریق نظرسنجی ساختارمند به‌دست آمده است. نظرسنجی
از والدین ۱۰۰ دانش‌آموز پایه اول ابتدایی در چندین مدرسه
گوناگون انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای
متشکل از سؤالات باز و بسته بود که والدین را در مورد چالش‌ها
و نیازهای آموزشی‌شان در طول دوران آموزش برخط فرزندان
خود مورد پرسش قرار می‌داد.

پرسش‌نامه این مطالعه شامل سه بخش اصلی بود:

۱. مشکل‌ها و چالش‌های آموزشی در خانه: سؤالاتی که
به بررسی چالش‌های عمومی والدین در مدیریت زمان، مکان و
ارزیابی پیشرفت تحصیلی کودکانشان در محیط خانه می‌پرداخت.
۲. نیازهای آموزشی والدین: سؤالاتی که به بررسی انتظارات
والدین از سیستم آموزشی و نوع محتوایی که به نظرشان
می‌تواند به آن‌ها در کمک به یادگیری فرزندان‌شان یاری رساند،
تمرکز داشت. این بخش شامل سؤالاتی در مورد موضوعاتی

همچون آموزش
مهارت‌های تدریس، استفاده
از فناوری‌های آموزشی و روش‌های
انگیزش و تشویق دانش‌آموزان بود.

۳. رضایت والدین از آموزش مجازی:

سؤالات این بخش از پرسش‌نامه به ارزیابی میزان رضایت
والدین از آموزش برخط، کیفیت محتوا و پشتیبانی‌های
ارائه‌شده از سوی معلمان و مدرسه‌ها می‌پرداخت.

نمونه‌گیری

نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی ساده از میان والدین
دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی چندین مدرسه انجام شد.
حجم نمونه ۱۰۰ نفر بود که براساس دستورالعمل‌های
وزارت آموزش و پرورش و همچنین با توجه به محدودیت‌های
ارتباطی و دسترسی والدین به ابزارهای برخط، انتخاب شدند.
هدف از این حجم نمونه، دستیابی به تنوع کافی در دیدگاه‌ها
و تجربه‌های والدین بود.

تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها را با استفاده از نرم‌افزارهای
آماري تجزیه و تحلیل کردیم. روش‌های آماری به‌کاررفته شامل

تحلیل فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف و مقایسه پاسخ‌ها بود. داده‌های کمی به صورت جدول‌ها و نمودارها نمایش داده شد تا روندها و الگوهای موجود در نیازهای آموزشی و مشکل‌های والدین بهتر نمایان شود.

همچنین برای بررسی سؤالات باز پرسش‌نامه تحلیل محتوای کیفی انجام گرفت. پاسخ‌های متنی والدین به صورت دسته‌بندی شده و با استفاده از کدگذاری محتوایی تجزیه و تحلیل شد تا مفاهیم کلیدی و تکرارشونده در تجربه‌های آموزشی والدین استخراج شود.

اعتبار و روایی ابزار پژوهش

برای اطمینان از روایی محتوای پرسش‌نامه، از چندین معلم و متخصص آموزشی درخواست شد تا سؤالات پرسش‌نامه را مرور کنند و پیشنهادهای اصلاحی ارائه دهند. همچنین پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد که نتیجه آن نشان‌دهنده همسانی درونی بالای سؤالات بود.

نتایج و بحث

الف: مشکل‌ها و چالش‌های آموزشی در خانه

نتایج نظرسنجی نشان داد که والدین در آموزش‌های مجازی به‌ویژه از طریق شاد (چه در طول دوران همه‌گیری کووید-۱۹ و چه در زمان تعطیلی مدرسه‌ها به دلیل آلودگی و سرما) با مجموعه‌ای از مشکل‌ها و چالش‌های جدی در زمینه آموزش فرزندان خود در خانه مواجه بوده‌اند. کاهش میزان یادگیری دانش‌آموزان به دلیل تعامل حضوری نداشتن با معلمان و هم‌کلاسی‌ها، یکی از عمده‌ترین مشکل‌های گزارش شده توسط والدین بود. بسیاری از والدین احساس کرده بودند که روش‌های آموزش مجازی نمی‌توانند به همان اندازه که آموزش حضوری مؤثر است یادگیری را تسهیل کنند.

مشکل‌های مربوط به زمان و مکان آموزش نیز از دیگر چالش‌های مطرح شده بود. والدین بیان کردند که برنامه‌ریزی برای زمان‌های مشخص آموزشی در خانه دشوار است، به‌ویژه زمانی که سایر اعضای خانواده نیز نیاز به فضای مطالعه یا کار دارند. از سوی دیگر، یافتن یک فضای مناسب و کم‌اختلال در خانه برای آموزش فرزندان نیز به عنوان یک مانع مطرح شد.

والدین همچنین نداشتن توانایی در ارزیابی صحیح و دادن بازخورد مناسب به فرزندان را به عنوان یکی از مشکل‌های اصلی عنوان کردند. آن‌ها اغلب احساس می‌کردند که به دلیل نداشتن دانش و مهارت کافی در زمینه آموزش نمی‌توانند به درستی میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان را

بسنجند یا مشکلات آن‌ها را به‌طور مؤثر شناسایی و رفع کنند. علاوه بر این، کمبود ابزارهایی مانند اینترنت پایدار و دیگر ابزارهای آموزشی مناسب، به‌ویژه در خانواده‌های کم‌درآمد، از دیگر موانع جدی بود. استفاده بیش از حد از گوشی و اینترنت توسط کودکان نیز باعث بروز نگرانی‌هایی در زمینه سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها شده بود. والدین گزارش دادند که این وضعیت می‌تواند به انزوای اجتماعی و وابستگی بیش از حد کودکان به فناوری منجر شود، که ممکن است در آینده نیز تأثیرات منفی بر رشد اجتماعی و روانی آن‌ها داشته باشد.

ب: نیازهای آموزشی والدین

در پاسخ به سؤالاتی که به نیازهای آموزشی والدین می‌پرداخت، والدین به ترتیب اولویت، ۱. آموزش روش‌های جدید تدریس، ۲. نحوه ایجاد انگیزه در فرزندان، و ۳. استفاده بهینه از فضای خانه و بیرون برای یادگیری را به عنوان مهم‌ترین نیازهای خود بیان کردند.

آموزش روش‌های جدید تدریس: بسیاری از والدین اشاره کردند که روش‌های تدریس در سال‌های اخیر تغییرات زیادی کرده است ولی آن‌ها به دلیل نداشتن آگاهی از این روش‌ها در کمک به فرزندان خود دچار مشکل می‌شوند. از این رو، نیاز به آموزش‌های کاربردی در زمینه تدریس درس‌های پایه (مانند ریاضی، فارسی، علوم و قرآن) احساس می‌شود.

نحوه ایجاد انگیزه و تشویق: والدین همچنین به اهمیت ایجاد انگیزه در کودکان برای ادامه یادگیری در محیط خانه تأکید کردند. آن‌ها نیازمند راهکارهایی برای تشویق فرزندان به یادگیری و ایجاد علاقه در آن‌ها نسبت به درس‌ها بودند. این نیاز به‌ویژه در شرایطی که کودکان از محیط مدرسه دور هستند بیش از پیش احساس می‌شود.

استفاده بهینه از فضای خانه و بیرون آن: والدین اظهار داشتند که برای تنوع‌بخشی به محیط یادگیری فرزندان، نیازمند راهنمایی‌هایی در زمینه استفاده از منابع و امکانات موجود در خانه و محیط‌های بیرونی هستند. این نوع آموزش‌ها می‌تواند به ایجاد انگیزه بیشتر در کودکان و افزایش کیفیت یادگیری کمک کند.

ج: پیشنهادها

۱. تدوین دوره‌های آموزشی برای والدین

یکی از مهم‌ترین نیازهایی که در این پژوهش شناسایی شد، فقدان آموزش‌های کافی برای والدین در زمینه‌های تدریس و مدیریت یادگیری در خانه است. پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی ویژه‌ای برای والدین طراحی و اجرا شود که به‌طور خاص به نیازهای آن‌ها پاسخ دهد. این دوره‌ها می‌تواند شامل موضوعاتی مانند روش‌های نوین تدریس، مدیریت زمان و

والدین همچنین به اهمیت ایجاد انگیزه در کودکان برای ادامه یادگیری در محیط خانه تأکید کردند

د: نتیجه گیری

این پژوهش به وضوح نشان داد که آموزش مجازی یا از راه دور چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای نظام آموزشی و به ویژه برای والدین به وجود آورده است. در این دوره، والدین به طور ناگهانی وارد نقش‌هایی شدند که قبلاً برای آن‌ها آمادگی نداشتند؛ نقش‌هایی که به عنوان دستیاران معلمان در خانه تعریف شدند. آن‌ها مسئولیت‌هایی را بر عهده گرفتند که شامل تدریس، مدیریت زمان و فضا، ایجاد انگیزه و ارزیابی یادگیری فرزندان بود. با این حال، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه والدین این نقش‌ها را پذیرفتند، اما در بسیاری از موارد با کمبود دانش و مهارت‌های لازم برای اجرای مؤثر این وظایف مواجه بودند.

بر اساس نتایج نظرسنجی، می‌توان به این نتیجه رسید که والدین برای انجام این نقش جدید به آموزش‌های جامع و مستمری نیاز دارند. این آموزش‌ها باید نه تنها بر تقویت مهارت‌های تدریس والدین متمرکز باشد، بلکه به آن‌ها کمک کند تا بتوانند فضای آموزشی مناسبی در خانه ایجاد کنند، با چالش‌های روانی و اجتماعی آموزش مجازی مقابله کنند، و به شیوه‌ای مؤثرتر با معلمان و مدرسه‌ها همکاری داشته باشند. به عبارت دیگر، تجهیز والدین به مهارت‌ها و دانش لازم، نه تنها کیفیت آموزش را بهبود می‌بخشد، بلکه باعث کاهش فشارهای

روانی و تنش‌های ناشی از تغییرات ناگهانی در نظام آموزشی نیز می‌شود.

از سوی دیگر، این پژوهش اهمیت حیاتی همکاری نزدیک بین مدرسه و خانواده را برجسته نشان می‌دهد. نتیجه اینکه ایجاد بسترهای ارتباطی و تعاملی جدید و کارآمد، می‌تواند به بهبود فرایند یادگیری کمک کند و از شکاف‌های آموزشی که ممکن است در چنین شرایط بحرانی ایجاد شود، جلوگیری کند. این تعاملات باید به گونه‌ای طراحی شوند که والدین و معلمان بتوانند به طور مداوم و مؤثر با یکدیگر در ارتباط باشند و راهکارهای مشترکی برای بهبود آموزش فرزندان پیدا کنند. در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به نقش حیاتی والدین در یادگیری فرزندان به خصوص در زمان برگزاری کلاس‌های مجازی، باید توجه بیشتری به نیازهای آموزشی آن‌ها شود. آموزش والدین به عنوان دستیاران معلمان نه تنها در شرایط بحرانی، بلکه در شرایط عادی نیز می‌تواند به عنوان یک رویکرد مؤثر در بهبود کیفیت آموزش مد نظر قرار گیرد. با ایجاد زیرساخت‌های مناسب و ارائه آموزش‌های کاربردی، می‌توان نه تنها از چالش‌های احتمالی در آینده کاست، بلکه کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را نیز می‌توان به طور چشمگیری ارتقا داد.

فضای آموزشی در خانه، روش‌های ایجاد انگیزه در کودکان، و روش‌های ارزیابی و بازخورد مؤثر باشد. به منظور اثربخشی بیشتر، این دوره‌ها باید به صورت کارگاه‌های عملی، جلسه‌های آموزشی برخط، ویدئویی و حتی برنامه‌های تعاملی ارائه شوند تا والدین بتوانند در هر زمان و مکانی به آموزش‌ها دسترسی داشته باشند. مشارکت فعال والدین در این دوره‌ها نه تنها به بهبود یادگیری کودکان کمک می‌کند، بلکه باعث کاهش فشار روانی و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها در مدیریت فرایند آموزشی فرزندان می‌شود.

۲. تولید محتوای آموزشی دیجیتال

برای جلب توجه و افزایش انگیزه دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، تولید محتوای آموزشی دیجیتال چندرسانه‌ای ضروری است. این محتواها می‌توانند شامل ویدئوهای آموزشی کوتاه، انیمیشن (پویانمایی)های جذاب، بازی‌های آموزشی و محتوای تعاملی باشند که نه تنها برای کودکان جذابیت داشته باشد، بلکه والدین را نیز در فرایند آموزش یاری دهد. این نوع محتواها باید با در نظر گرفتن استانداردهای آموزشی و با همکاری متخصصان آموزشی و روان‌شناسان کودک طراحی شوند تا هم از نظر علمی معتبر باشند و هم از لحاظ روان‌شناختی، برای گروه‌های سنی گوناگون دانش‌آموزان ابتدایی معتبر باشد. از طرف دیگر، این محتواها باید به گونه‌ای باشند که والدین بتوانند به راحتی از آن‌ها استفاده کنند و به دانش‌آموزان خود در یادگیری مفاهیم دشوار کمک کنند.

۳. افزایش همکاری بین مدرسه و خانواده

تعامل بیشتر و مؤثر بین مدرسه و خانواده، یکی از کلیدهای موفقیت در فرایند آموزش است. پیشنهاد می‌شود بسترهای ارتباطی و تعاملی جدیدی بین والدین و معلمان ایجاد شود. این بسترها می‌توانند شامل گروه‌های برخط، انجمن‌های والدین و معلمان، وبینارها و جلسه‌های مشاوره فردی و گروهی باشند که در آن‌ها والدین و معلمان می‌توانند تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند و راهکارهای مشترکی برای چالش‌های آموزشی بیابند. همچنین ایجاد یک سامانه یا سکوی (پلتفرم) دیجیتال که امکان ارتباط مداوم و مؤثر بین والدین و معلمان را فراهم آورد، می‌تواند به تبادل سریع‌تر اطلاعات، حل مشکلات آموزشی به موقع و بهبود روند یادگیری کمک شایانی کند. از طریق این همکاری‌ها، والدین می‌توانند بهتر در جریان وضعیت تحصیلی فرزندان خود قرار بگیرند و با راهنمایی معلمان، در نقش دستیاران آموزشی مؤثرتر عمل کنند.

این پیشنهادها نه تنها به بهبود کیفیت آموزش در دوران‌های بحرانی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان مدل‌هایی برای افزایش مشارکت والدین در آموزش فرزندان در شرایط عادی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

برای جلب توجه و افزایش انگیزه دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، تولید محتوای آموزشی دیجیتال چندرسانه‌ای ضروری است

با پوشش رمزیننه منابع را ملاحظه کنید.





فوت و فن همراهی

شناخت روش‌های تعامل با نسل‌های زد و آلفا

دکتر اشرف زهره‌وند
دکترای جامعه‌شناسی

آموزش، مفاهیم معلم، یادگیرنده و مدیر تنها تغییر اندکی کرده‌اند. این در حالی است که «تفاوت‌های نسلی» در تجربه‌ها و انتظارات آموزشی به شدت بازتاب می‌یابد و موجب می‌شود راهبردها و روش‌های تدریسی که برای نسل‌های گذشته اثربخش بوده است برای نسل حاضر و آینده کارایی لازم و مطلوب را نداشته باشد.

کلیدواژه‌ها: نسل آلفا، نسل زد، شکاف نسل‌ها، دانش‌آموزان

مقدمه

امروز نقطه کانونی مطالعات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی «نسل آلفا» است. اصطلاح آلفا را مک کریندل^۲ برای نام‌گذاری متولدین سال‌های (۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵) ابداع کرده است. نسل آلفا، پس از نسل خاموش^۴، نسل انفجار جمعیت کودکان^۵، نسل ایکس^۶، نسل وای یا هزاره^۷ و نسل زد متولد شده‌اند (رومرو^۸ ۲۰۱۷؛ مک کریندل و فل، ۲۰۱۹). بخشی از آن‌ها هم‌اکنون در دوره پیش‌دبستانی یا دبستان قرار دارند، بزرگ‌ترین آن‌ها

چکیده

جهان آینده بیش از پیش شاهد تحولاتی شگرف و بی‌سابقه در عرصه‌های علم و فناوری و انتقال اطلاعات خواهد بود. زیستن در چنان جهانی موجب می‌شود تا شکاف عمیقی میان نسل نوظهور یادگیرندگانی که به آن‌ها «نسل زد»^۱ و نسل آلفا^۲ می‌گویند با نسل‌های پیشین پدید آید که در نتیجه و شیوه‌های مرسوم یادگیری ناکارآمد خواهد شد. از این رو، هدف از نگارش این مقاله را شناخت نیازها و علاقه‌های دانش‌آموزان نسل زد و آلفا قرار داده‌ایم. مروری بر سیر تحول نظام‌های آموزشی نشان می‌دهد به‌رغم پیشرفت‌هایی که در حوزه‌های گوناگون دانش صورت گرفته است، مؤسسه‌های آموزشی از زمان پیدایش تاکنون تقریباً ایستا بوده‌اند. ساختار مدرسه‌ها، شیوه‌های آموزشی، مکان

اینترنت و فناوری‌های دیجیتال: یکی از ویژگی‌های نسل زد که به‌صورت بارز قابل مشاهده است ارتباط این افراد با اینترنت و وسایل دیجیتالی است، (به این نسل بومیان دیجیتال نیز گفته می‌شود). افراد نسل

زد دوست دارند تا از طریق اینترنت فعالیت‌های خود را انجام دهند. آن‌ها از این طریق موارد گوناگونی مثل کارآفرینی، خرید، آموزش و یادگیری را انجام می‌دهند. بنابراین امروزه اهمیت درگاه‌های اینترنتی برای فروش و تبلیغات از اهمیت دوچندان برخوردار شده است.

اختراع و نوآوری: از خصوصیات متولدین نسل زد می‌توان به خلاق بودن آن‌ها اشاره کرد.

آن‌ها افرادی هستند که به

شکستن چارچوب‌ها علاقه دارند و به

همین دلیل اختراعات بسیاری را

به نام خود ثبت می‌کنند.

مذاکره: یکی دیگر

از ویژگی‌های نسل

زد که در آن‌ها

وجود دارد، ایمان

آن‌ها به گفت‌وگو

و مذاکره است.

آن‌ها توافق‌پذیر هستند،

باور دارند که با استفاده از

ملاقات‌های حضوری یا

جلسه‌های برخط می‌توانند

مشکلات گوناگون را با

صحبت کردن حل کنند.

چرا به جای چشم:

یکی دیگر از خصوصیات این

نسل، پرسشگری و به دنبال

دلیل قانع‌کننده بودن برای کارها

است. افراد این نسل نمی‌توانند

بدون دلیل برای کارهایشان به

انجام آن بپردازند و می‌بایست با

مذاکره و گفت‌وگو آن‌ها را متقاعد

کنند تا به انجام آن تعهد داشته

باشند. به همین دلیل در برابر

درخواست‌های والدین یا معلمان

مدام با پرسیدن و «چرا» گفتن به دنبال

دلیل کارها هستند.

۱۰ سال دارد و بخش عمده‌ای هنوز متولد نشده‌اند. شایان ذکر است که خصوصیات معرف یک نسل، بازتابی از رویدادهای برجسته عصر اوست که می‌تواند رویدادی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی یا نظامی باشد. اما به نظر می‌رسد در عصر پیش

رو، خصوصیات نسل‌های آینده را بیش از هر چیز دیگری فناوری‌های غالب در هر دوره، زمان توصیف می‌کند و طول هر نسل به طول عمر آن فناوری خاص وابسته است (گاردنر و دیویس^۹، ۲۰۱۳).

بی‌شک روندهای فناورانه تغییرات بنیادینی را در تمام ابعاد تعلیم و تربیت به وجود خواهد آورد. امروزه کودکان به واسطه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از نوعی آگاهی وسیع جهانی برخوردارند که به پیرامونشان محدود نمی‌شود. این امر، زندگی و تعلیم و تربیت کودکان را در بافت وسیع‌تر اجتماعی و جهانی قرار می‌دهد (الکساندر^{۱۰}، ۲۰۲۰).

ویژگی‌های نسل زد و نسل آلفا

دانش‌آموزان دنیای امروز ما که در حال حاضر دوره مدرسه و دانشگاه را می‌گذرانند، فرزندان نسل ایکس هستند. نسل زد و نسل آلفا به‌عنوان اولین نسل اجتماعی‌ای شناخته می‌شوند که از کودکی با دسترسی به اینترنت و فناوری رشد کرده‌اند. آلفا، گروه جمعیتی بعد از نسل زد است که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به دنیا آمده‌اند. این نسل در زمان کاهش جمعیت و همه‌گیری کرونا به دنیا آمده و اصلی‌ترین سرگرمی آن‌ها فناوری بوده است.

نسل زد چه ویژگی‌هایی دارند؟

قطعاً مهم‌ترین نکته برای مدیریت نسل زد ابتدا شناخت و سپس توانایی برقراری ارتباط با آن‌ها است. در این قسمت بعضی از ویژگی‌های نسل زد را توضیح می‌دهیم. دقت کنید که این موارد جزو مهم‌ترین ویژگی‌های نسل زد است که شناخت آن‌ها برای والدین و مدرسه‌ها بسیار ضروری است. یک رشته خصوصیات اخلاقی در هر نسل برجسته‌تر و نمایان‌تر است که مهم‌ترین آن‌ها از نظر اخلاقی و رفتاری، با توجه به این موضوع شرح داده می‌شود.

آزادی بیان: این نسل عمیقاً به ارزش‌های انسانی متعهد هستند و دوست دارند تا بتوانند به دور از ملاحظات و قوانین محافظه‌کارانه، نظرات خود را بیان کنند. به همین دلیل مطالبه و انتقادگری از مشکلات و اوضاع نابسامان در موارد گوناگون، از جمله خصوصیات این نسل در نظر گرفته می‌شود. اینان گرچه انتقادگر و مطالبه‌گر هستند اما خودشان انتقاد را به راحتی قبول نمی‌کنند.

که مناسب‌تر است با توافق‌پذیری و مذاکره به سمت حل آن مسائل پیش روید و با گفت‌وگو با ترجیحات و انتظارات این نسل آشنا شوید.

نکته‌های مهم در روان‌شناسی نسل زد

چالشی که به‌عنوان یک پدر یا مادر پیش روی شما وجود دارد، این است که چگونه با این نسل رفتار کنید. شما باید با توجه به خصوصیات مهمی که راجع به نسل زد گفتیم بتوانید با در نظر گرفتن ویژگی‌های آن‌ها، این افراد را بهتر بشناسید، درک کنید و در راستای تعامل سازنده‌تر با آن‌ها گام بردارید.

گوش دهید: در موقعیت‌های سخت و تنش‌زا، گوش دادن به صحبت‌های افراد نسل زد حتی اگر حق با آن‌ها نیست، می‌تواند زمینه پذیرش حرف شما و آرام شدن اوضاع را فراهم کند.

تعهد دهید: یکی از نکته‌های مهم در روان‌شناسی نسل زد، متعهد بودن به قول و قرارهایی است که شما با آن‌ها می‌گذارید. پس حتماً نسبت به صحبت‌های خود توجه کنید؛ چرا که افراد نسل زد به آن‌ها اهمیت می‌دهند.

واقع‌بین باشید: برای موفقیت در تعامل و ارتباط با نسل زد حتماً توجه کنید که صحبت‌های شما باید منطقی و واقع‌گرایانه باشد؛ چون متولدين این نسل افرادی واقع‌بین هستند.

نسل آلفا

کودکانی که از سال ۲۰۱۰ به دنیا آمده‌اند، فرزندان هزاره هستند.

تأیید: آن‌ها علاقه دارند کارها و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، مورد تأیید قرار بگیرد. می‌خواهند شما به‌عنوان والد یا معلم آگاه باشید و حتماً در مورد کارهای آن‌ها نظر دهید. مطمئن باشید که با این کار کارآرایی (راندمان) آن‌ها در موارد کاری، تحصیلی و... افزایش پیدا می‌کند (از نظر روان‌شناسی به‌عنوان «تمنای دیده‌شدن» از این خصوصیت نام برده شده است. آن‌ها نیاز دارند به آن‌ها اعتماد کنید و شما می‌توانید با گفت‌وگو این نیاز را برطرف کنید تا از ایجاد شکاف بین شما و آن‌ها جلوگیری شود).

تنهایی: افراد نسل زد علی‌رغم عضویت در شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات گسترده، احساس افسردگی و تنهایی زیادی می‌کنند. یکی از دلایل این موضوع کم‌تر بودن میانگین هوش هیجانی (EQ) در آن‌هاست.

شناخت خود و سازگاری با فرهنگ‌های متنوع: به‌خوبی خود را واکاوی می‌کنند و اگر برایشان محیطی فراهم شود که همراه با تأیید به گفت‌وگو بپردازند و به دلیل عضویت و آشنایی با فضای مجازی و گذراندن زمان زیادی در فضای مجازی و صحبت در مورد خود می‌توانند نسبت به خود شناخت خوبی داشته باشند و با فرهنگ‌های متنوع نیز سازگار باشند.

ساختار شکنی: وجود اختلافات عمیق بین این نسل با والدین و همسوی بودن والدین با نیازها و ترجیحات این نسل باعث به‌وجود آمدن مسائل ساختار شکنانه از طرف آنان شده است



وسایل دیجیتال را دارد. نقاط ضعف آن‌ها هم بیشتر شامل مسئولیت‌ناپذیری، قانون‌گریزی و جامعه‌پذیر نشدن، فشار روانی و اضطراب بالا و در مواردی کامل‌گرایی است که باز هم تمامی این موارد نسبی است.

سخنی با اولیا

موارد گوناگونی دربارهٔ ارتباط با نسل‌ها وجود دارند؛ از جمله موارد ذکر شده در مورد روان‌شناسی نسل زد و آلفا که به آن‌ها اشاره کردیم. اینکه نسل‌های گذشته (پدران و مادران) چگونه با نسل زد و آلفا ارتباط برقرار کنند، بستگی به دو طرف دارد. اما شما باید سعی کنید که آن‌ها و توانایی‌هایشان را درک کنید و دید مثبتی در مورد ارتباط با آن‌ها داشته باشید. مثلاً راجع به توانایی این افراد در کار با وسایل دیجیتال، باید با دیدگاهی مشوق و تأییدکننده این قابلیت آن‌ها را بررسی کنید. نیازها و علاقه‌های فرزند خود را بشناسید و با استفاده از فناوری از آن‌ها بخواهید تحقیقات علمی، یادگیری زبان‌های دیگر و بسیاری از برنامه‌های آموزشی و مفید را دنبال کنند. به‌عنوان یک پدر و مادر آگاه، باید سواد رسانه‌ای خود را به‌روزرسانی کنید و برنامه‌ها و سکوها را بشناسید. بدانیم هیچ ابزاری صددرصد مفید یا مضر نیست، بلکه بستگی به مصرف‌کننده و نوع چگونگی استفاده از آن ابزار دارد.

* پی‌نوشت‌ها

1. Z Generation
2. Alpha Generation
3. Mc Crindle
4. Silent Generation
5. B Generation (Baby Boomers)
6. X Generation
7. Y Generation
8. Romero
9. Gardner & Davis
10. Alexander

* منابع

1. Alexander, A. (2020). Teaching generation Alpha, The teacher of peter long. (pp.32-33)
2. Grander, H. & Davis, K (2013). The app generation: How Today's youth navigate identity, intimacy and imagination in adigital word.
3. Mc.Crindle, M. (2013) Digital Games in primary education Generation next: Meet Gen Z & Alphas//45-51
4. Romero, A, (2017)/ edu.cuny.academicworks://http. Alpha Generaacion for prepare to need Colleges).

آن‌ها اولین نسلی هستند که به‌طور کامل در قرن بیست‌ویکم متولد می‌شوند و شکل می‌گیرند. این نسل به‌عنوان «بومی دیجیتال» شناخته می‌شوند. آن‌ها با استعدادترین و باسوادترین نسلی هستند که تا به حال در سیارهٔ زمین زندگی کرده‌اند.

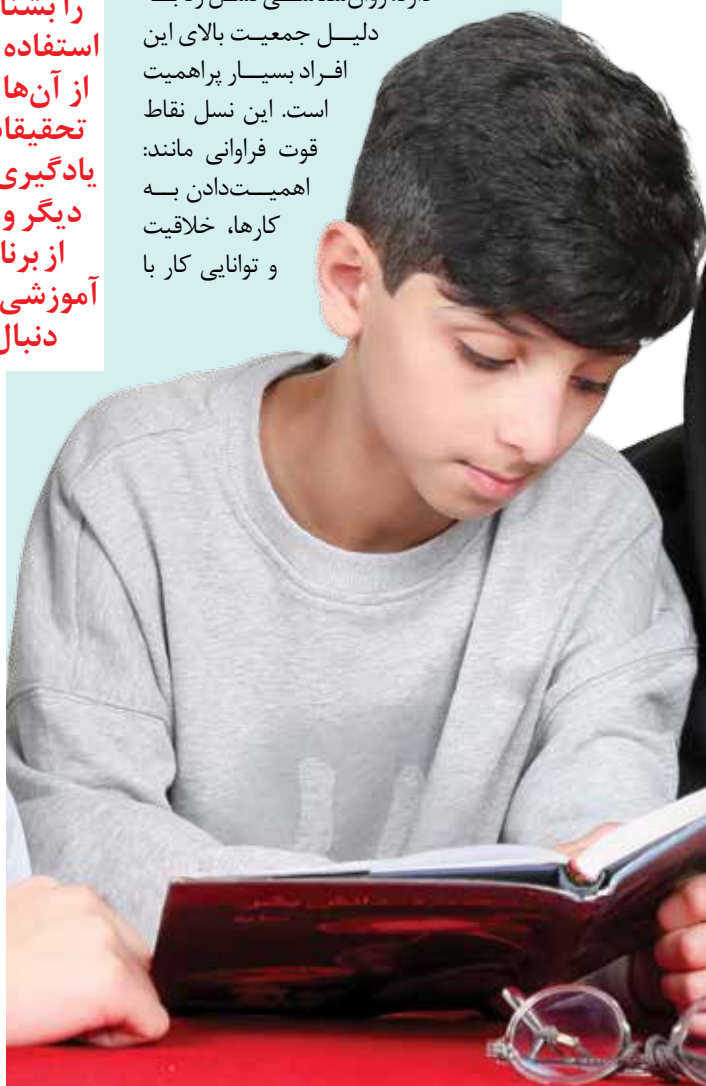
نسل زد و آلفا چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

یکی از تفاوت‌های نسل زد با نسل آلفا، در استفاده آن‌ها از وسایل دیجیتال است. این دو نسل از فناوری‌های دیجیتال استفاده می‌کنند اما اهداف آن‌ها متفاوت است. افراد نسل آلفا معمولاً برای ارتباط گرفتن با اطرافیان خود از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند. در مقابل، نسل زد افراد منزوی‌تری دارد که از اینترنت برای آموزش و جلوبردن اهداف کاری و پیشرفت خود استفاده بیشتری می‌کنند.

مهم‌ترین نقاط ضعف و نقاط قوت نسل زد چیست؟

هر نسلی خصوصیات مخصوص به خود را دارد. روان‌شناسی نسل زد به دلیل جمعیت بالای این افراد بسیار پراهمیت است. این نسل نقاط قوت فراوانی مانند: اهمیت‌دادن به کارها، خلاقیت و توانایی کار با

نیازها و علاقه‌های فرزندان خود را بشناسید و با استفاده از فناوری از آن‌ها بخواهید تحقیقات علمی، یادگیری زبان‌های دیگر و بسیاری از برنامه‌های آموزشی و مفید را دنبال کنند



خودم بldم !

اهمیت مسئولیت سپاری سنجیده به کودکان

دکتر آذر انصاری

تصویرگر

دکترای برنامه ریزی آموزشی

زمینه های متفاوت به صورت مختصر توضیح می دهیم.

کلیدواژه ها: مسئولیت پذیری کودکان، عزت نفس، تربیت

کودکان پیش دبستانی

سنین قبل از مدرسه یکی از دوره های حیاتی رشد کودکان است. به دلیل رشد و انعطاف پذیری مغزی، کودکان خیلی سریع یاد می گیرند. البته مراقب باشید که بار اضافی بر دوش آن ها نگذارید، زیرا آن ها در حال شناخت دنیا و محیط اطراف هستند و به اندازه کافی مشغله دارند. وظایف اصلی کودکان شش تا هفت ساله عبارتند از:

- مراقبت از لوازم شخصی؛
 - کمک در کارهای خاصی از خانه؛ مثل مراقبت از فرزندان کوچک تر و آماده سازی محیط برای ورود خواهر و برادر تازه متولد شده (این روش در آماده سازی فرزند اول برای تولد فرزند دوم نیز بسیار مؤثر است)؛
 - تمرین های آمادگی برای رفتن به مدرسه، مثل صبح زود بیدار شدن؛
 - لباس پوشیدن بدون کمک دیگران؛
 - تحمل دوری از والدین؛
 - درک احساسات و هیجانات دیگران.
- به این فهرست موارد بی شمار دیگری را می توان اضافه کرد. وظایف باید متناسب با سن کودک باشند و بر آگاهی کودک از موقعیتش در زندگی و افزایش مسئولیت پذیری تأثیر بگذارد.

همه می دانیم که استقلال و مسئولیت پذیری از ابعاد مهم پیشرفت شخصی و اجتماعی هستند. مسئولیت پذیری کودکان از طریق پذیرش محدودیت ها و افزایش خودکنترلی کودک شکل می گیرد. پذیرش اینکه همیشه همه چیز در دسترس ما نیست و باید برای رسیدن به آن تلاش کنیم و پذیرش اینکه ما تافته جدا بافته نیستیم که دیگران کارهای شخصی ما را انجام دهند، بسیار مهم است. والدین نباید از مسئولیت دادن به فرزندان خود بترسید. البته که نباید از کودکان انتظارات بی جا هم داشته باشیم، زیرا به عزت نفس آن ها آسیب وارد می شود. مسئولیت پذیری و شیوه شکل گیری آن در کودکان چگونه است؟

ما، کودکان مسئولیت پذیر را براساس توقعاتی که از آن ها داریم تعریف می کنیم و ما انتظار داریم که آن ها در دو زمینه خوب عمل کنند:

- انجام وظایف شخصی؛
 - کمک به آرامش خانواده.
- کودکی که از خودش به خوبی مراقبت کند و در کارهای خانه به والدین کمک کند، کودکی مسئولیت پذیر است. نباید توقع داشته باشیم که کودکان مشکلات کاری، مالی، اجتماعی و شخصی ما را درک کنند، زیرا آن ها تجربه ای در این زمینه ها ندارند!

مشابه با بزرگسالان، مسئولیت های کودکان بسته به سن و موقعیت های گوناگون مثل مدرسه و خانه با هم تفاوت دارند. با توجه به این دو موضوع، وظایف کودکان را در سنین

- تنظیم ساعت برای بیدار شدن در صبح (با نظارت والدین)؛

- کمک به خواهر و برادر کوچک‌تر.

از اهمیت و فواید هنر برای کودکان دبستانی غافل نشوید! آموزش هنر و بازی‌های هنری باعث یادگیری حل مسئله، افزایش عزت نفس و احساس ارزشمندی در کودکان می‌شود.

● و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان...

روان‌شناسان دوره نوجوانی را پلی بین کودکی و بزرگسالی می‌دانند. در جوامع قدیم ورود به جامعه بزرگسالی راحت‌تر از حال بود. کودک پس از کسب توانایی جسمانی لازم، بی‌درنگ وارد حرفه پدری خود می‌شد و نیاز به جست‌وجوی هویت، شغل، علاقه‌ها و مانند آن نداشت. در عصر کنونی و پیچیدگی‌های آن، نوجوانان به زمان بیشتری برای یافتن مسیر زندگی‌شان نیاز دارند. اریکسون این دوره را «سردرگمی در برابر احساس هویت» می‌نامد. دوره‌ای که نوجوان باید توانایی‌ها و استعدادهایش را بشناسد و برای آینده خود اهدافی تعیین کند. تعیین کردن اهداف موجب احساس هویت و مسئولیت‌پذیری می‌شود و نوجوان را از سردرگمی خارج می‌کند. وظایف اصلی یک نوجوان را در ادامه بیان می‌کنیم:

- تمیز و مرتب نگه‌داشتن اتاق شخصی؛

- مطالعه برای کسب نمره‌های خوب؛

- داشتن یک شغل پاره‌وقت در صورت امکان؛

- حفاظت از خود در دنیای واقعی و مجازی؛

- فکر کردن به تصمیم‌ها، قبل از اجرایی کردن آن‌ها؛

- برقراری ارتباط صمیمی و دوستانه با والدین؛

- مشورت در مورد انتخاب‌ها و تصمیم‌ها با والدین و دوستان؛

- مراقبت از بهداشت روح و جسم.

سنین نوجوانی مصادف با تغییرات دوران بلوغ و افزایش دامنه احساسات و هیجانات است. تفکرات هیجانی ممکن است بر او غالب شوند و زندگی او را تحت تأثیر انتخاب‌های نادرست قرار دهند. والدین باید حساسیت این دوران را درک کنند. در این سن دیگر نمی‌توان به نوجوان امر و نهی کرد! راه درست ارتباطی از گفت‌وگو و مشورت می‌گذرد. برخورد محترمانه با انتخاب‌های نوجوان باعث رشد احساس مسئولیت‌پذیری می‌شود، زیرا نوجوانان احترام گذاشتن خانواده به تصمیماتشان را می‌بینند و بی‌گدار به آب نمی‌زنند.

* منابع

۱. نی‌پور، سیده‌رها (۱۴۰۲). بررسی تأثیر خانواده و والدین بر جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری فرزندان، مجله مطالعات علوم اجتماعی، بهار، دوره نهم، از صفحه ۱۴۹ تا ۱۵۷.
۲. بنائیان، لیلا (۱۳۹۸). آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان، انتشارات آذرفر.
۳. صالحی‌شهرابی، فاطمه (۱۳۹۸). مسئولیت‌پذیری کودکان، انتشارات راز نهان.



● کودکان ابتدایی

در این دوران، مسئولیت کودکان دوبرابر می‌شود. آن‌ها باید تکلیف‌های مدرسه و خانه را به‌صورت هم‌زمان انجام دهند. اریکسون روان‌شناس رشد کودک، سنین ابتدایی را دوره حساس «شایستگی در برابر احساس حقارت» می‌داند. اگر کودکان بتوانند وظایفشان را به‌درستی انجام دهند، احساس شایستگی می‌کنند و در غیر این صورت، دچار احساس حقارت خواهند شد. کمک والدین در این دوران بسیار حیاتی است. وظایف کودکان این دوره را به‌صورت خلاصه بیان می‌کنیم:

- مرتب کردن رختخواب؛

- رعایت نظافت شخصی و مسواک زدن؛

- کمک در کارهای خانه، مثل چیدن سفره؛

- کمک به نظافت خانه و اتاق شخصی؛

- انجام تکلیف‌ها و کارهای مربوط به مدرسه؛

ریاضیات خوانده‌اید یا فلسفه؟

بکان | دیگمان | صگمان

عکس: اعظم لاریجانی



دکتر محمد رضا سید صالحی

دکترای ریاضی

مقدمه

چند سال پیش، هنگام نیمه‌شب، یکی از بچه‌های فامیل در بزرگراه با موتور تصادف کرده بود، اما معلوم نشد که صحنه تصادف چگونه بوده و علت تصادف چه بوده است. با یکی از آشنایان که تحصیل کرده قدیمی در رشته مهندسی عمران است گفت و گویی در این باره داشتیم و سؤال این بود که چگونه می‌شود در این مواقع به اصل ماجرا و صحنه واقعی پی برد و مسئله را شناسایی کرد؟ او تحلیل جالب توجهی داشت که مورد توجه من واقع شد. اینکه افراد برای اینکه بتوانند تحلیل گر خوبی در مسائل گوناگون زندگی باشند، یا باید ریاضی خوانده باشند یا فلسفه!

از آنجا که تخصص من در حوزه ریاضیات است، با تأمل روی دیدگاه آن دوست که گفت هر کس باید یا ریاضی بخواند یا فلسفه، تصمیم گرفتم نکته‌هایی را در خصوص علم ریاضیات، اهمیت و ضرورت آن و کاربردهای آن در حوزه‌های گوناگون درسی و مهم‌تر از آن در زندگی روی کاغذ بیاورم، البته

باید این نکته را ذکر کنم که آنچه مدنظر من در این نوشته است و یادگیری آن بر همگان الزامی است، ریاضیات عمومی و مشترک است نه ریاضیات تخصصی.

ریاضیات در جنبه‌های گوناگون زندگی روزمره ما نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. از جمله اینکه افراد را قادر می‌سازد تا با رویکردی منظم و مشخص با مسائل برخورد کنند؛ یعنی مشکلات پیچیده را به اجزایی کوچک‌تر و قابل مدیریت تقسیم کنند، شواهد را به‌طور انتقادی ارزیابی کنند و براساس استدلال منطقی نتیجه بگیرند. ریاضیات همچنین به توسعه استدلال منطقی و تفکر انتقادی کمک می‌کند و این چیزی است که نه تنها برای موفقیت تحصیلی ضروری است، بلکه به عبور از چالش‌ها و پیچیدگی‌های زندگی روزمره نیز کمک می‌کند.

ریاضیات ذهن را تقویت می‌کند و به فرد کمک می‌کند تا چالش‌ها را در آغوش بگیرد، مشکلات را پشت سر بگذارد و شکست‌ها را به فرصتی برای یادگیری و رشد تبدیل کند.

ریاضی‌دان در همان حین که مسائل پیچیده ریاضی را حل می‌کند، انعطاف‌پذیری، سازگاری و پرهیز از اشتباهات را توسعه می‌دهد. این ویژگی‌ها برای رشد شخصی، موفقیت تحصیلی و غلبه بر موانع در زندگی ضروری است. نکته آخر اینکه ریاضیات در نوین کردن شیوه زندگی مردم نیز تأثیر قابل توجهی دارد.

ریاضیات و مهندسی

تصور مهندسی بدون ریاضیات دشوار است. حتی خود کلمه مهندس از هندسه گرفته شده است که واژه‌ای ریاضی است. برای بیان این موضوع، سامانه‌های حمل‌ونقل را مثال می‌زنیم. مثلاً سامانه حمل‌ونقل ریلی مبتنی بر ریاضیات است. هر متر از ریلی که روی زمین کشیده می‌شود، یا هر درجه زاویه‌ای که آن مسیر را خم کرده است، همه به علم ریاضیات بستگی دارند. سازه‌هایی مانند پل‌ها، تونل‌ها و سکوها راه‌آهن را هم در کنار این‌ها قرار دهید. لوکوموتیو یک موتور جداسونده و پیش‌رونده است که قادر به جابه‌جایی مقادیر زیادی واگن باری و مسافری است. از گذشته تا به امروز به لطف همکاری فیزیک و مکانیک و کاربردهای ریاضی در زندگی، انواع لوکوموتیوهای بخار، برقی و دیزلی ساخته شده است. نیروی محرکه نوع برقی را می‌توان از طریق ریل و از طریق سیم‌کشی داخلی واگن تأمین کرد. انواع دیزل‌ها نیز با سوخت‌های فسیلی کار می‌کنند. از طرفی با ایجاد کوچک‌ترین تغییر در ظاهر بدنه مانند زوایا، آیرودینامیک قطارهای سریع‌السیر مانند مترو می‌تواند دستخوش تغییرات اساسی شود.

علم ساختمان یا ساختمان‌سازی

از ریاضیات در ساختن بناهای بلند و برج‌ها استفاده می‌شود. مهندسان عمران، شهرسازان و معماران ایده‌ها و تصمیم‌های خود را روی کاغذ می‌آورند. آن‌ها برای هر خط یا هر منحنی‌ای که می‌کشند، باید چندین بار به ماشین حساب خود مراجعه کنند. آن‌ها باید فرمول‌هایی را استفاده کنند که وزن ساختمان را بر پایه جنس مصالح، تعداد طبقه، نوع خاک و قطر ستون‌ها و... تعیین کند. ساختمان خانه شما وزنی دارد که از طریق ستون‌ها به زمین انتقال می‌یابد. این ستون‌ها نیز تا عمق مشخصی در زمین پنهان شده‌اند. برای ساختن ساختمان چقدر باید در زمین چاله حفر کرد، یا قطر ستون‌ها باید چقدر باشد. برای چسباندن سنگ به پایه و اطمینان از قرار گرفتن آن در جای خود، ابتدا باید پایه را براساس وزن سنگ و نوع برش آن آماده کنید. برای نقاشی کردن، انجام کف‌پوش، طراحی استخر جدید، راه‌اندازی نورپردازی جدید، یا حتی مبلمان جدید، به ریاضیات نیاز است.

علوم ورزشی

در ورزش نیز ریاضیات کاربردهای فراوانی دارد. تحلیل

عملکرد ورزشکاران، طراحی تمرین‌های بهینه و حتی پیش‌بینی نتایج مسابقات همگی به کمک آمار و احتمالات انجام می‌شود.

ورزش‌ها و بازی‌ها نه تنها سرگرمی محسوب می‌شوند، بلکه فرصت‌های ارزشمندی را برای به کارگیری مفاهیم ریاضی فراهم می‌کنند. از محاسبه میانگین و امتیازدهی گرفته تا راهبرد بازی‌ها و پیش‌بینی نتایج، همگی جزئی از دانش ریاضی محسوب می‌شوند. جوانان می‌توانند با درک ریاضیات به تجزیه و تحلیل آمار، محاسبه احتمالات و توسعه راهبردهای بازی بپردازند.

علوم جغرافیا

آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که چگونه آب و هوای چند روز آینده را پیش‌بینی می‌کنند؟ این فقط با مفاهیم ریاضی امکان‌پذیر است. از علم احتمالات می‌توان برای پیش‌بینی اینکه فردا آفتابی یا بارانی خواهد بود استفاده کرد، و این در زندگی روزمره بسیار مفید است. برای پیش‌بینی کردن از شاخه‌هایی همچون احتمالات و آمار استفاده می‌کنیم.

هنر و زیبایی‌شناسی

هنر رشته‌های گوناگونی همچون نقاشی، مجسمه‌سازی و... را دربر می‌گیرد. عکاسی، نقاشی، یا حتی مجسمه‌سازی، به ریاضی نیاز

دارند. اگرچه مفهوم هنر بیان احساس یا احساسات فرد است، اما برای ساخت یک اثر هنری که می‌تواند توجه مخاطب را به خود جلب کند به محاسبات نیاز داریم. کاربرد ریاضی در زمینه هنر با ذکر این مثال قابل تبیین است. تصور کنید می‌خواهید یک نقاشی بکشید، قبل از هر چیزی باید تقارنی نسبی برای کشیدن نقاشی در نظر بگیرید که تصویر نهایی بی‌عیب و نقص باشد. همچنین برای ترسیم بعضی از شکل‌های خاص، اندازه‌گیری لازم است. کاردستی‌هایی که برای مدرسه درست می‌کنید به مواد اولیه، خلایق‌های نو و ابزار مناسب (قیچی، خط‌کش و...) نیاز دارند؛ برای مثال، ساخت یک خانه مقوایی بر پایه اندازه‌گیری است تا بتوانید یک خانه با طول، عرض درست با شکل زیبا بسازید. هنر سه‌بعدی (پرسپکتیو) در ریاضیات برای تعیین نحوه ترسیم اجسام مسطح استفاده می‌شود تا از دیدگاه خاصی توهم سه‌بعدی بودن را ایجاد کنند.

هنگامی که هنر مسطح دوبعدی از منظری خاص مشاهده می‌شود، نسبت‌ها برای ایجاد توهم یک شیء سه‌بعدی مخدوش می‌شوند. ریاضیات برای اندازه‌گیری پارچه نمونه برای اتصالات و همچنین برای ثابت نگه‌داشتن اندازه‌ها استفاده می‌شود. طراح مد از ریاضیات در اندازه‌گیری محیط استفاده می‌کند؛ قطر کمر. علاوه بر این از الگوریتم‌های ریاضی برای کمک به ایجاد طرح‌ها، محاسبه مقدار و هزینه پارچه موردنیاز برای اجرا

ریاضیات در نو کردن شیوه زندگی مردم نیز تأثیر قابل توجهی دارد

استفاده می‌شود. محاسبه فضاها در نقاشی مهم است. به عنوان مثال، زمانی که دیوار رنگ می‌شود، نیاز به محاسبه مقدار رنگ مورد نیاز برای انجام این فرایند وجود دارد. معماران از ریاضیات برای محاسبه مساحت مربع اتاق‌ها و ساختمان‌ها و همچنین برای توسعه ابعاد سطح زمین و فضای مورد نیاز برای مناطق دیگر مانند توقفگاه، لوله کشی و غیره استفاده می‌کنند.

ریاضیات، نظم و زیبایی زیربنایی جهان را آشکار می‌کند. می‌توان در جای جای طبیعت و دنیا نشانه‌ای از ریاضیات دید. این دانش ما را برای درک هماهنگی و شگفتی‌های دنیای اطرافمان آماده می‌کند. این بخشی از زیبایی‌شناختی است که کمتر مورد توجه بوده است.

علم نجوم

ریاضیات همیشه برای نجوم اهمیت اساسی داشته است. تحولات ریاضی برای محاسبات نجومی به کار گرفته می‌شود. بسیاری از مشهورترین ستاره‌شناسان نیز ریاضی‌دان بودند و بالعکس. فضاوردان با معادله‌های دقیق ریاضی از نحوه خروج فضاپیما از جو زمین تا نحوه راندگی فضاورد با وسیله نقلیه در کره ماه استفاده می‌کنند.

علوم پزشکی

کاربرد ریاضیات در زندگی بیشتر از آن چیزی است که فکر می‌کنید! شاید بگویید علم پزشکی ربطی به ریاضیات ندارد اما واقعیت چیز دیگری است. شما چقدر به درس هندسه علاقه دارید؟ آیا تا به حال فکر کرده‌اید که جراحان چقدر از هندسه در

اتاق عمل استفاده می‌کنند؟ اگر جنس سوزن‌های جراحی را نادیده بگیریم، مهم‌ترین عامل در انتخاب سوزن جراحی، هندسه آن است. هندسه سوزن شامل قطر سوزن، شکل نوک سوزن، محل عبور نخ از سوزن و انحنا سوزن است. برای طراحی و شبیه‌سازی هر یک از این جزئیات به علوم ریاضی نیاز است. به عنوان مثال، سوزن‌هایی که سطح مقطع آن‌ها دایره‌ای است و تیز نیستند، باید در بافت‌های نرم بدن مانند معده استفاده شوند. از شکل‌های دوزنقه‌ای هم برای بافت‌های سفت‌تر استفاده می‌شوند. با استفاده از دانش ریاضی می‌توان ابزارهای پزشکی متناسب با بیماری‌های گوناگون را با بهترین طراحی قطر و شکل سطح مقطع محاسبه کرد و ساخت. در زمینه پزشکی، ریاضیات در تحلیل داده‌های بالینی، مدل‌سازی بیماری‌ها و حتی در تصویربرداری پزشکی کاربرد دارند. به عنوان مثال، پزشکان برای تشخیص بیماری‌ها ممکن است از مدل‌های ریاضی برای تحلیل نتایج آزمایش‌ها استفاده کنند.

در بسیاری از فنون پزشکی، فناوری‌های تشخیص، آزمایشگاه‌ها و... که پزشکان هر روز از آن‌ها استفاده می‌کنند، دانشمندان ریاضی‌دان نیز سهیم هستند.

از مهم‌ترین کاربردهای ریاضی در علم پزشکی استفاده از آمار و احتمال برای تعیین میزان اثربخشی یک دارو، تأثیر روش درمانی روی بیمار و محاسبه درصد امید به زندگی بیمار است.

کشاورزی

در حوزه کشاورزی نیز ریاضیات مهم است. مهندسان کشاورزی باید دانش کافی ریاضی داشته باشند. باید چندین موضوع ریاضی مانند دانش خود در مورد اندازه‌گیری واحدها



و نحوه تبدیل بین آن‌ها را بدانند. تعدادی از مزیت‌های مهم ریاضیات در کشاورزی عبارت‌اند از:

- فرایند باغبانی نیاز به اندازه‌گیری مساحت باغ و بررسی میزان تولید درختان برای تغذیه دیگران دارد.
- به‌طور دقیق شرایط آب و هوایی را توصیف می‌کند.
- اسیدیته در خاک را تجزیه و تحلیل می‌کند و امکان شناسایی محصولات قابل کشت در این خاک‌ها را فراهم می‌کند.
- هزینه مزارع و هزینه فروش آن‌ها را محاسبه می‌کند. با تعیین عملکرد و کمیت محصولات، تقریب مقدار بازده نسبت به قطعه، و کمک به بهبود بازده و مخارج و محاسبه تلفات موردانتظار، اندازه و ابعاد را برنامه‌ریزی و تعیین می‌کند.

ریاضیات در زندگی

به هر بخش از زندگی که نگاه کنید، می‌توانید تأثیر ریاضیات را در آن ببینید. از چیزهای ساده گرفته است تا پیچیده. ریاضی در جای‌جای زندگی ما کاربرد دارد. اگرچه ممکن است همیشه آشکار نباشد، اما نقش پیدا و پنهان آن در شکل‌دهی تجربه‌های ما مشخص است. به‌ویژه ریاضیات برای رشد و کسب شایستگی‌های اساسی توسط کودکان و نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا زمینه‌ای را برای تفکر انتقادی، حل مسئله و مهارت‌های تحلیلی که برای موفقیت تحصیلی و رشد شخصی ضروری هستند، ایجاد می‌کند.

اهمیت ریاضیات را به‌وضوح در نقطه‌نقطه طبیعت می‌توان دید؛ از صبح که چشم‌هایتان را باز می‌کنید تا شب که به رختخواب می‌روید. در طول روز ممکن است شما بارها با مغازه‌ها، خانه‌ها، خودروها، مترو و بوستان‌ها روبه‌رو شوید که برای ساخت آن‌ها از ریاضی کمک گرفته شده است. به‌عنوان مثال، ساخت یک آپارتمان ۱۰ طبقه بدون طراحی و معماری اولیه امری نشدنی است.

در دنیایی که سرشار از اطلاعات است، ریاضیات به ما قدرت می‌دهد تا بر اساس شواهد و تجزیه و تحلیل، تصمیم‌های آگاهانه بگیریم، از ارزیابی داده‌ها گرفته است تا بررسی خطرپذیری‌ها. مهارت‌های ریاضی به ما امکان می‌دهند گزینه‌ها را بسنجیم، الگوها را شناسایی کنیم و نتیجه درستی بگیریم. ریاضیات در جنبه‌های گوناگون زندگی کاربرد عینی و عملی دارد.

مدیریت مالی و اقتصادی خانواده

در دنیای مالی پیچیده امروزی، دانستن ریاضیات برای تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد پول و منابع مالی بسیار ضروری است. از بودجه‌بندی و پس‌انداز گرفته است تا سرمایه‌گذاری و مدیریت بدهی. یادگیری مهارت‌های ریاضی برای سواد مالی و رفاه ضروری هستند. جوانان می‌توانند یاد بگیرند که درآمد کسب کنند، هزینه‌ها را پیگیری کنند، نرخ‌های بهره را مقایسه

کنند و در مورد امور مالی خود تصمیم آگاهانه بگیرند. زندگی بدون بانکداری را تصور کنید. اگر بانکی وجود نداشته باشد چه کسی می‌تواند امور مالی ما مانند پس‌انداز را سازمان‌دهی کند. یکی از کاربردهای ریاضی در بانکداری است و تقریباً تمام افراد با آن سر و کار دارند.

به‌طور ناخودآگاه، وقتی ما مشغول محاسبه میزان پس‌انداز خود در هر خرید تخفیف‌دار از فروشگاه مورد علاقه‌مان می‌شویم، از ریاضی استفاده می‌کنیم. وقتی در ذهن خود به این فکر می‌کنیم که خرید کدام محصول مقرون‌به‌صرفه است در حال استفاده از ریاضیات هستیم.

ریاضی نه تنها در فروش و بازاریابی کاربرد دارد، بلکه در عملکرد کلی یک تجارت نیز دخیل است. برای مثال، شما به کمک ریاضی برآورد می‌کنید که آیا هزینه‌های شرکت و حقوق کارمندان را خواهید درآورد یا نه!

ما به کمک ریاضی می‌توانیم مبلغ مشخصی را که در هر روز هزینه می‌کنیم تعیین کنیم. اگر ریاضی نبود، ما نمی‌توانستیم برآورد کنیم که چقدر برای حمل و نقل، غذا و موارد دیگر هزینه می‌کنیم. ریاضیات مهم‌ترین بخش مسائل بانکی و مالی است. دقت در حساب‌ها ضروری است تا بتوان پول را به‌نحو مطلوب نگهداری کرد.

ریاضیات به مردم کمک می‌کند تا با متعادل کردن دسته‌چک یا خرید با گران‌ترین قیمت‌ها، پول را مدیریت کنند. این به محاسبه

صورت‌حساب‌ها (جمع‌آوری و تفریق درآمد و هزینه‌ها)، تعهدات مالی مالیات، بیمه، وام و... کمک می‌کند. تخمین وام برای ماشین، خانه یا اهداف دیگر، نرخ بهره، پرداخت‌های ماهانه و مدت‌زمان وام، همه این محاسبات تضمین وام‌ها را ممکن می‌کند.

ریاضیات مالی مربوط به پول و امور مالی است و بیشتر در صنعت تجارت استفاده می‌شود و موضوعات یا عواملی مانند وام، سرمایه‌گذاری، بیمه، مالیات، کسورات، دستمزد، آمار، سهام، املاک و مستغلات را پوشش می‌دهد.

وقتی صحبت از استفاده از ریاضی در زندگی ما می‌شود، به این معنی است که ما همیشه درگیر آن هستیم. بسیار مهم است بدانید برای هر مبلغی که به‌عنوان سود به شما پرداخت می‌شود معادلات حسابداری و مالی بسیاری به کار رفته است. معادلات به‌طور دقیق میزان زیان و هزینه‌های سرمایه‌گذاری را محاسبه می‌کند و سود را نشان می‌دهد.

یکی از کاربردهای بارز ریاضیات در زندگی روزمره، مدیریت مالی است. افراد برای برنامه‌ریزی هزینه‌ها، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیاز به محاسبات دقیق دارند. با استفاده از فرمول‌های ریاضی، می‌توانند بودجه خود را تنظیم و از هزینه‌های اضافی جلوگیری کنند.

با استفاده از
فرمول‌های
ریاضی، می‌توانند
بودجه خود
را تنظیم و از
هزینه‌های اضافی
جلوگیری کنند

کوله پشتی

مناسب دانش آموزان

زهرا کریمی

با بازگشایی مدرسه‌ها و آغاز سال تحصیلی، شمار خریداران نوشت افزار، کیف و کفش مدرسه روز به روز افزایش پیدا کرده است و اشتیاق استفاده از این گونه لوازم، حتی قبل از شروع کلاس‌ها، در میان دانش آموزان دیده می‌شود. برای اکثر دانش آموزان، تنها جنبه ظاهری کالاها اهمیت دارد و والدین نیز در مقابل اصرار فرزندانشان تسلیم می‌شوند، غافل از اینکه توجه نکردن به استاندارد بودن کیف و کفش، و تنها توجه کردن به ظاهر آن‌ها می‌تواند سلامتی آنان را به خطر بیندازد.

کارشناسان بر انتخاب صحیح لوازم استاندارد مدرسه‌ای، به ویژه کوله پشتی و کفش تأکید می‌کنند و رعایت نکردن آن را تهدیدی برای سلامت ستون فقرات، عضلات و ایجاد ناهنجاری قامتی در دانش آموزان می‌دانند.

کوله پشتی

در چند سال اخیر، استفاده از کوله پشتی در میان دانش آموزان متداول شده است و بسیاری از دانش آموزان، از این نوع وسیله برای حمل کتاب و دیگر لوازم مدرسه استفاده می‌کنند.

کوله پشتی‌ها در مقایسه با انواع دیگر کیف‌ها، مناسب‌ترین محل قرارگیری باید در پشت باشد و باید مراقب بود به کوله کمری تبدیل نشود زیرا استفاده نامناسب و دائمی به تغییر شکل اندام و افزایش احتمال آسیب به ستون فقرات، درد در ناحیه کمر و ناهنجاری‌های قامتی منجر می‌شود.

انتخاب کوله‌های سبک

- کوله پشتی باید چرم یا برزنتی باشد تا به راحتی تغییر شکل ندهد.
- کوله پشتی باید با جثه دانش آموز متناسب باشد.
- در حالت طبیعی، کوله پشتی پس از آویزان کردن باید حدود سه سانتی متر بالاتر از خط کمر (گودی کمر) قرار گیرد.



وزن کوله‌پشتی

- وزن کوله‌پشتی باید حداکثر معادل ۱۵ درصد از وزن دانش‌آموزان باشد که این میزان در دانش‌آموزان ابتدایی به ۱۰ درصد می‌رسد.
- برای نمونه، وزن کوله‌پشتی به همراه وسایل موجود در آن برای دانش‌آموزان ابتدایی ۲/۵ تا ۳ کیلوگرم و برای دانش‌آموزان متوسطه بین ۷ تا ۱۰ کیلوگرم است.
- کوله‌های جیب‌دار، امکان توزیع وسایل و در نتیجه پخش وزن بار را بیشتر می‌کنند.

کوله‌پشتی و طرز راه رفتن

- انجام تمرین‌های ورزشی و داشتن اندامی مناسب، باعث افزایش تقویت عضلات و افزایش قدرت ماهیچه‌ها برای حمل کوله‌پشتی می‌شود.
- افراد هنگام حمل کوله‌پشتی باید مناسب‌ترین حالت را به خود بگیرند و شانه‌ها باید به‌طرف عقب قرار گیرند.
- حداکثر زمان حمل کوله‌پشتی ۳۰ دقیقه است و در صورت حمل آن بیش از ۳۰ دقیقه، باید وزن آن را سبک‌تر کرد.

وضعیت قرار گرفتن کوله‌پشتی

- بندهای کوله‌پشتی باید طوری تنظیم شوند که کوله از ناحیه آخرین مهره کمری که به موازات خط ناف در ناحیه پشت قرار دارد، پایین‌تر نیاید و شانه‌ها را به‌طرف عقب نگه دارد.
- به‌طور کلی، کوله‌پشتی و محتویات آن باید کمترین وزن را به بدن دانش‌آموز وارد کنند. جنس کوله‌پشتی باید از نوع سبک باشد که خود موجب اضافه‌وزن نشود.
- کوله‌پشتی باید دو بند ضخیم داشته باشد و نباید از دسته برای حمل آن‌ها استفاده شود.
- بند نازک کوله‌پشتی به رگ‌های خونی و رشته‌های عصبی آسیب وارد می‌کند و احتمال ایجاد دردهای عصبی مزمن و ناراحتی‌های پوستی را افزایش می‌دهد.

عوارض کوله‌پشتی‌های غیراستاندارد

- خطر ابتلا به کمردردهای مزمن را افزایش می‌دهد.
- گودی کمر، شانه‌های نامتقارن و تمایل شانه‌ها به‌طرف جلو را در دانش‌آموزان به‌وجود می‌آورد.
- به خمیدگی، درد ناحیه کمر و انحنای ستون فقرات دانش‌آموزان که بر اثر حمل کوله‌پشتی‌های سنگین رخ می‌دهند، باید توجه کرد و جدی گرفته شوند.
- کیف‌های دستی که تمام مدت با یک دست حمل می‌شوند، به ستون فقرات و عضلات یک طرف بدن فشار وارد می‌کنند.



عکس: غنیمت لاریجانی

آموزش و پرورش با تغییرات جدید آزمون سراسری

پژوهشگر غلامی | مرتضی سلطانی
گزارشگر | عکاس

اشاره

سال‌هاست که آزمون سراسری همه زندگی دانش‌آموزان را تحت‌الشعاع و تحت‌تأثیر خود قرار داده است. در این میان مافیای آزمون سراسری هم، آسیب‌های بزرگی به آموزش و تحصیل فرزندان ما وارد کرده‌اند. خوشبختانه تغییرات و اصلاحات جدیدی که در فرایند آزمون سراسری اعمال شده است توانسته است تا حدی از فشار روانی و اضطراب بچه‌ها بکاهد. این چیزی است که به عدالت آموزشی نیز نزدیک‌تر است. به نظر ما سهم و نقش معدل و سابقه‌های تحصیلی حتی می‌تواند از پنجاه درصد نیز در پذیرش آزمون سراسری بیشتر شود. در بحث آزمون سراسری مقوله هدایت تحصیلی را باید بسیار جدی بگیریم و امیدوار باشیم که در نهایت این آزمون می‌تواند طی فرایندی به‌طور کامل حذف شود.

جمله‌های ذکرشده عبارتهایی از سخنان و دیدگاه‌های

جمعی از اولیای دانش‌آموزان، دکتر اشرف زهره‌وند، دکتری جامعه‌شناسی و دو نفر از مشاوران آموزشی است که در گفت‌وگو با مجله‌رشد آموزش «خانواده» عنوان کرده‌اند. با هم متن گزارش این نشست را پی می‌گیریم.

تغییرات هر ساله

در این نشست مادر یک دانش‌آموز پایه دوازدهم تجربی چنین شروع می‌کند: «دخترم، ابتدا رشته ریاضی فیزیک می‌خواند، ولی چون به این رشته علاقه نداشت، به رشته تجربی تغییر رشته داد و ما هم با او موافق بودیم که تجربی بخواند. البته رشته ریاضی فیزیک را مشاور به او پیشنهاد داده بود؛ چون در پایه نهم معدل او بیست شده بود و مشاور به او گفته بود که رشته ریاضی فیزیک بخواند. گفته بود تو اگر به رشته ریاضی فیزیک بروی راحت‌تر می‌توانی به دانشگاه راه پیدا کنی و آزمون سراسری



عکس اعظم لاریجانی

برایت آسان تر خواهد بود. او هم پذیرفت. اما بعد، در دبیرستان با یکی از بچه‌ها دوست صمیمی شد که رشته او تجربی بود. وقتی کتاب زیست او را دیده بود، آمد و گفت من به زیست‌شناسی علاقه دارم و می‌خواهم تغییر رشته بدهم. خلاصه، در پایه یازدهم بود که تغییر رشته داد و به پایه دوازدهم تجربی آمد.

من برای موفقیت دخترم در تحصیل و آزمون سراسری، در پی یک مدرسه عالی بودم که هم معلمان خوب و هم برای آزمون سراسری برنامه منظمی داشته باشد. غیر از آن، سعی ما این بوده است که فضای خانه را برای او آرام و متناسب کنیم تا آرامش داشته باشد و از فشار روانی دور باشد. به نظرم این فضا سازی ما عامل مهمی در موفق شدن دخترمان است.

اما تغییرات هر ساله آزمون سراسری، برای بچه‌ها مشکل و معضل بزرگی شده است. تقریباً ثابت وجود ندارد و دانش‌آموزان بالاتکلیف می‌شوند. برای مثال، از سال قبل اعلام کرده بودند که سهم معدل در آزمون سراسری امسال ۴۰ درصد است، ولی امسال عنوان شده است که به ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. به همین دلیل دانش‌آموزان گیج می‌شوند و نمی‌دانند چه کنند.

من در جریان تغییرات اعلام شده در زمینه آزمون سراسری هستم. بچه‌ها واقعاً نمی‌دانند مطالب را تشریحی بخوانند یا بیشتر روی سؤالات چندگزینه‌ای کار کنند. بچه‌ها می‌گفتند زمانی که فقط آزمون چندگزینه‌ای بود، روی سؤالات چندگزینه‌ای متمرکز می‌شدند و نتیجه هم می‌گرفتند؛ ولی الان بچه‌ها واقعاً بین کار روی مطالب حفظی و تشریحی مانده‌اند. دغدغه اصلی آن‌ها این شده است که بالاخره روی چه بخشی باید وقت، انرژی و توان خود را بگذارند. در دوره دبیرستان بچه‌ها روی معدل خود زحمت می‌کشند.»

سهم معدل بیشتر شود

این مادر دغدغه‌مند افزود: «شخصاً قبول دارم و موافق هستم که سهم و نقش معدل در پذیرش بچه‌ها در آزمون سراسری افزایش یابد. بسیاری از دانش‌آموزان حتی موفق نیز آزمون سراسری را به‌خاطر اضطرابی که دارند، از دست می‌دهند. بنابراین، بچه‌ها می‌توانند در امتحانات تشریحی با آرامش خاطر و دغدغه کمتری به پرسش‌ها پاسخ دهند. موضوع اعمال معدل امتحانات نهایی دبیرستان در آزمون، کاری لازم، خوب و مفید بود. به نظر من امسال روال برگزاری آزمون سراسری با این شیوه خیلی بهتر شده بود. من معتقدم که سهم معدل تا ۸۰ درصد نمره پذیرش در آزمون

سراسری افزایش یابد و خود آزمون سراسری فقط ۲۰ درصد سهم داشته باشد. بچه‌ها واقعاً مطالب تشریحی را بهتر می‌فهمند و مفاهیم در ذهن آن‌ها می‌ماند.»

رشته تجربی و علاقه‌مندی

خانمی از دیگر اولیا نیز عنوان کرد: «دخترم در پایه دوازدهم تجربی درس می‌خواند و رشته خود را با علاقه انتخاب کرده است. من در پایه یازدهم، یک‌سری کتاب‌های رشته علوم انسانی را برایش آوردم تا مطالعه کند و اگر موافق است به خاطر افزایش شانس قبولی‌اش در آزمون سراسری، تغییر رشته بدهد و به رشته انسانی برود. او بعد از مطالعه آن‌ها گفت دوست ندارد به این رشته برود،



اگرچه می‌داند که تجربی رشته سختی است و رقابت در آن برای قبولی در آزمون سراسری بسیار سخت است. به هر حال به رشته‌اش علاقه دارد و مسئولان مدرسه هم زحمت می‌کشند و بسیار فعال و قوی هستند. خود بچه‌ها نیز تلاش می‌کنند.»

یک اتفاق مبارک

این مادر ادامه داد: «اعمال سهم معدل در آزمون سراسری اتفاق جدید و خوبی است و تأثیر مثبتی برای بچه‌ها دارد. هر چند کار دانش‌آموزان بیشتر شده است و حالا هم باید روی درس‌ها و امتحانات نهایی متمرکز شوند و هم روی آزمون سراسری و سؤالات چندگزینه‌ای. قطعاً امتحانات تشریحی از هر نظر بهتر از چندگزینه‌ای است. به‌ویژه آن که در سراسر کشور، بچه‌ها از نظر علمی و آموزشی شرایط مساوی و مناسبی ندارند و خیلی از خانواده‌ها هم توان هزینه‌کردن برای بچه‌های خود را در برنامه‌های آموزش آزمون سراسری و کلاس‌های چندگزینه‌ای ندارند.



امتحانات تشریحی و نهایی و اعمال سهم معدل در آزمون سراسری، شرایط یکسان و تقریباً برابری برای بیشتر بچه‌ها فراهم کرده است. بنابراین بسیاری از بچه‌ها سعی می‌کنند به‌طور کامل نمره و سهم معدل را به‌دست آورند و هر یک از آن‌ها نیز در آزمون سراسری با توجه به توان، وقت و هزینه‌هایی که گذاشته‌اند، تلاش خود را می‌کنند و این در مجموع، موجب کاهش نگرانی و اضطراب آزمون سراسری در آن‌ها می‌شود. این شیوه برگزاری آزمون سراسری، خیلی خوب به عدالت و برابری آموزشی نزدیک‌تر است، به‌ویژه برای مناطق محروم و دورافتاده که امکانات شهرهای مهم و اصلی کشور را، مانند مدرسه‌های برتر

تغییرات هر ساله
شیوه برگزاری
آزمون سراسری،
مشکل بزرگی
برای دانش‌آموزان
شده است

یا آموزشگاه‌ها و کلاس‌های آزمون سراسری ندارند.»

روز پرتنش

یکی دیگر از مادران گفت: «من فکر می‌کنم این طرح مناسب است، به‌ویژه اینکه همیشه روز برگزاری آزمون سراسری، برای اغلب بچه‌ها روزی پرتنش و پراضطراب است و تازه برخی با وجود آمادگی علمی، باز هم نتیجه دلخواه را در آزمون سراسری به‌دست نمی‌آورند. البته به شرط آنکه امتحانات نهایی هم خیلی سخت و غیرمنطقی برگزار نشود؛ یعنی سنگین نباشد و طراحان سؤال‌ها شرایط کل جامعه را در نظر بگیرند. مثلاً شرایط یک دانش‌آموز پایه دوازدهم در یک روستا با شرایط دانش‌آموزی در شمال تهران از هر نظر متفاوت است. باید این تفاوت‌ها و فاصله‌ها را در نظر گرفت؛ یعنی در طراحی پرسش‌های امتحانات نهایی و تشریحی باید به این تفاوت‌ها و فاصله‌ها توجه داشت.»

روال برگزاری آزمون سراسری باید برعکس باشد. رقابت واقعی باید در دانشگاه باشد

انتخاب رشته

مادر یک دانش‌آموز پایه دوازدهم رشته انسانی نیز این‌گونه به پرسش‌های ما پاسخ داد: «فرزند من در ابتدا به رشته انسانی علاقه نداشت و علاقه داشت که زبان بخواند. من هم به او گفتم رشته‌ای را انتخاب کن که تحت فشار نباشی. بسیاری از خانواده‌ها اصرار دارند که فرزندشان رشته ریاضی یا تجربی را برای تحصیل انتخاب کند. به همین دلیل شاید پنجاه درصد از بچه‌ها بدون اطلاع از محتوای رشته‌ها، رشته‌ای را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توانند موفق باشند، حتی اگر به دانشگاه هم راه یابند، چون این رشته را بدون علاقه و شناخت انتخاب کرده‌اند.

من و همسرم همه این مسائل را به فرزندم گفتیم و با مشاور هم هماهنگ کردیم. نظر مشاور این بود که قرار نیست همه دکتر یا مهندس شوند، اگر چه متأسفانه در سطح جامعه دکتر یا مهندسان کم‌سواد زیاد

می‌بینیم. خلاصه، چون دخترم زبان انگلیسی‌اش قوی

است به او گفته‌ایم رشته‌ای را انتخاب کند که درس‌های آن بیشتر خواندنی و حفظ‌کردنی باشد. او هم پذیرفته است و خدا را شکر الان جزو دانش‌آموزان موفق و سرآمد رشته‌شان است. البته من تلاش ویژه‌ای نمی‌کنم که او حتماً وارد دانشگاه شود، فقط بستر و شرایط را برای تلاش و همت او در خوب درس خواندن فراهم می‌کنم. برای او توضیح داده‌ام که اگر به دانشگاه

هم راه نیابد، چون زبان انگلیسی او قوی است، امکان آموزش، کار و تدریس را برایش در آموزشگاه زبانی که خودم مجوز آن را دارم، فراهم می‌کنم تا بتواند به جلو حرکت کند.»

این مادر ادامه داد: «به نظر من خانواده‌ها از تأثیر نقش معدل و سابقه‌های تحصیلی در آزمون سراسری استقبال می‌کنند.»

همه شرایط فراهم است

مادر ریحانه، دانش‌آموز پایه دوازدهم انسانی نیز یادآور شد: «دخترم کاملاً با آگاهی و شناخت این رشته را انتخاب کرد؛ البته در برهه‌ای برای این انتخاب متزلزل شد. او از دوره ابتدایی به درس ریاضی علاقه نداشت، اعتقاد داشت که در رشته علوم انسانی موفق‌تر خواهد شد. من با بقیه اولیا موافق هستم و معتقدم که همه شرایط برای موفقیت بچه‌ها فراهم است و مانعی وجود ندارد. مدرسه همکاری خوبی دارد و وقت و انرژی خوبی می‌گذارد. نسل امروز با آگاهی‌ها و آموزش‌هایی که اکنون به اولیا داده می‌شوند، از فرصت‌ها و امکانات بسیار خوبی برای موفقیت بهره‌مند هستند. سعی می‌کنم شرایط روحی و روانی لازم را برای فرزندم فراهم کنم. سعی کردم او خوب درس بخواند و اخبار و اطلاعات جدید درباره آزمون سراسری را نیز در اختیارش می‌گذارم. دلیل اینکه بچه‌ها با وجود شرایط مناسب فعلی موفق نمی‌شوند، این است که توقع ما از بچه‌هایمان بیشتر از توانایی‌های آن‌هاست.»

وی ادامه داد: «فکر می‌کنم شرط اعمال معدل و سابقه‌های تحصیلی با همان درصد پنجاه‌پنجاه خوب و مناسب است، چون عدالت را در سراسر کشور برای بچه‌ها فراهم کرده است و بین توانایی‌های دانش‌آموزان در امتحانات تشریحی و آزمون سراسری تعادل ایجاد می‌کند. اگر درصد هر یک از دو عامل آزمون سراسری یا سابقه‌های تحصیلی بیشتر از پنجاه‌درصد باشد، تمرکز و توان بچه‌ها به آن سمت سوق داده می‌شود. آن‌ها به طرف مقابل کم‌توجهی می‌کنند و توازن به هم می‌خورد. اکنون هیچ مانع مهم و بزرگی برای موفقیت بچه‌ها وجود ندارد.»

مشکل طراحی سؤال‌ها

یکی از مادران نیز در ادامه می‌زگردد، در زمینه طراحی سؤال‌ها این‌گونه گفت: «به نظر من مشکل در طراحی سؤال‌های هم آزمون سراسری و هم امتحانات نهایی است. برخی مواقع پرسش‌ها بسیار مشکل و سخت هستند. مثلاً سال قبل، سؤال‌های ریاضی رشته انسانی بسیار دور از ذهن و پیچیده بود



است که براساس توانایی مالی، فرصت‌ها و امکاناتی که برایشان فراهم می‌شود، زمینه موفقیت خود را در آزمون چندگزینه‌ای سراسری بالامی‌برند.

اطلاع‌رسانی مناسب

خانم دیگری نظرش را درباره اطلاع‌رسانی ابراز کرد و گفت: «اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در زمینه تغییرات آزمون سراسری از سوی مدرسه خیلی خوب است. ما از کارکنان مدرسه تشکر می‌کنیم. ماهی یک‌بار برای بچه‌ها و اولیا در این زمینه جلسه می‌گذارند و به پرسش‌ها و چالش‌های ما در این زمینه به‌خوبی پاسخ می‌دهند. مشاوران و معاونان مدرسه کمک کرده‌اند. همکاری‌ها خیلی خوب بوده است. خودم

هم در این زمینه مطالعه و

بررسی لازم را انجام می‌دهم.

در حال حاضر ما دغدغه و

مشکلی برای فرزندان خود نداریم. آن

اوایل که بچه‌ها تازه وارد پایه دوازدهم شده بودند،

دغدغه این را داشتند که درس‌های عمومی و

تخصصی چه وضعی پیدا کرده‌اند؟ آیا عمومی‌ها

حذف شده‌اند یا نه؟ و وضعیت تخصصی‌ها به

چه صورت خواهد بود. به نظرم این تصمیم‌گیری‌ها درباره آزمون

سراسری باید زودتر گرفته و اعلام می‌شد و نمی‌گذاشتند که

به آغاز سال تحصیلی جدید برسد تا بچه‌ها فکر کنند که سال

پرچالشی خواهند داشت.»

وضعیت کنونی

یکی دیگر از اولیای دانش‌آموزان پایه دوازدهم

ریاضی نیز، به خبرنگار ما گفت: «به نظر من،

نسل کنونی یعنی فرزندان ما در این دوره

از نظر آموزشی و تحصیلی خوشبخت‌ترین

نسل هستند. همه امکانات برایشان

مهیاست، فقط می‌ماند همت و تلاش خود

دانش‌آموزان تا موفق شوند و به خواسته

خود برسند و از فرصت‌ها استفاده کنند. کادر

دبیرستان مجرب و قوی است و دلسوز هستند.

معلمان خوبی هستند. مثل دوران تحصیل ما نیست

که تقریباً هیچ یک از امکانات کنونی را نداشتیم. من هم معتقدم

خبر تغییرات آزمون سراسری و اعمال درصد معدل و سابقه‌های

تحصیلی دیر اعلام شد. و فرایند آن تا تصویب و اعلام، دغدغه و

فشار روانی خاصی را برای بچه‌ها و اولیای آن‌ها ایجاد کرد. در

آغاز، بچه‌ها مقداری از تغییرات نگران شدند، به‌ویژه درباره وضعی

که درس‌های عمومی و تخصصی در امتحانات نهایی و تشریحی

که حتی بهترین دانش‌آموزان هم نتوانستند پاسخ بدهند و در پاسخ‌گویی درصد بالای ۵۳ نداشتیم. این یک معضل است. حتی برخی کارشناسان، سطح آن سؤال‌ها را دانشگاهی عنوان کردند. هر ساله به نحوی با مشکل سؤال‌ها مواجه هستیم، یک سال درس ریاضی، یک سال زیست و یک سال درس دیگر. طراحان بعضی مواقع براساس سلیقه و شرایط روحی‌روانی خود، برخی از سؤال‌ها را طرح می‌کنند که بسیار سخت، پیچیده و حتی بالاتر از سه سطح کتاب درسی است.

همه عنوان می‌کنند که سؤال‌های آزمون

سراسری از کتاب‌ها می‌آیند، ولی همه

می‌دانیم که بسیار فراتر از کتاب و مفهومی

است. اگر قرار است سؤال‌ها قوی و

سخت باشند، باشند ولی از کتاب باشند،

نه فراتر از کتاب یا خارج از محتوا و متن

کتاب. همان‌طور که سؤال‌های امتحان

نهایی و تشریحی نباید خارج از کتاب باشد،

درباره سؤالات چندگزینه‌ای آزمون سراسری هم

همین‌گونه باشد. درست است که سؤالات چندگزینه‌ای

آزمون سراسری باید تا حدی سخت و پیچیده باشند، ولی نه

اینکه در حد پرسش‌های دانشگاهی باشند! طراحان سؤال باید

عدالت را مد نظر قرار دهند و موجب سرخوردگی بچه‌ها نشوند.»

این مادر گفت: «یکی دیگر از فرزندان من در سال ۱۴۰۰ آزمون

سراسری داد. سؤال‌های ریاضی بسیار سخت بود. چون ریاضی

اول دفترچه سؤال‌ها هم بود، بچه‌ها وقت بسیاری را از دست داده

بودند. بعداً سازمان سنجش اعلام کرد که در چند تا از سؤال‌های

ریاضی گزینه جواب‌های عنوان‌شده، مبهم بوده و روشن نبوده

است. حتی چند سؤال هم از آزمون کارشناسی ارشد معماری

آن سال آمده بود.»

شرایط بهتر شده است

مادر پری‌ناز، دانش‌آموز پایه دوازدهم رشته

ریاضی، یکی از دیگر اولیا بود که نظرات خود

را این‌گونه مطرح کرد: «هوش و استعداد

ریاضی دخترم بالا بود. با مشاوران هم که

صحبت کردیم گفتند که می‌تواند ریاضی

بخواند. خود ما هم راضی بودیم که این رشته

را بخواند. به نظرم، از چند نظر، اعمال شرط معدل

و سابقه‌های تحصیلی در آزمون سراسری بهتر شده است

چون خیلی از خانواده‌ها و اقوامی توانندهزینه‌های کلاس‌های آزمون

سراسری و فوق‌برنامه را تقبل کنند، به‌اضافه اینکه کتاب‌های درسی

برای امتحانات نهایی و آزمون سراسری یکسان هستند و بچه‌های دیگر

در امتحانات تشریحی و نهایی، آن فشار روانی زیاد آزمون سراسری

را نخواهند داشت. حداقل بچه‌ها، در سطح برگزاری امتحانات نهایی

و تشریحی، تا حدودی با هم برابرند، فقط در زمینه آزمون سراسری

آموزش و پرورش با تغییرات و اصلاحات در آزمون سراسری خود را پیدا می‌کند

سعی شود تا سؤال‌های امتحانات نهایی سلیقه‌ای طرح نشوند، استانداردها کاملاً رعایت شوند و حتماً از متن کتاب‌های درسی باشند. طراحان سؤال باید متوجه تفاوت‌های گوناگون بین بچه‌ها باشند و سؤال‌های معمایی و گیج‌کننده طرح نکنند. طراحانی که خودشان بچه شرکت‌کننده در آزمون سراسری دارند با حالات روحی، روانی و عاطفی دانش‌آموزان در این سن آشنا هستند. باید موقعیت آن‌ها را درک کنند.

هنرستانی‌ها ضعیف هستند

یکی دیگر از اولیا که به این جلسه دعوت شده است و مادر یک دانش‌آموز هنرستانی است، برای ما از آزمون سراسری و تغییرات آن، شرایط هنرجویان هنرستانی و مشکلاتشان سخن گفت. او گفت: «دختر من در رشته کامپیوتر تحصیل می‌کند. او از پایه هفتم گفته بود که می‌خواهد در دانشگاه برنامه‌نویسی بخواند. با وجود آنکه او در ریاضی بسیار قوی بود، ولی ترجیح داد که به هنرستان برود و از طریق فنی‌و حرفه‌ای در دانشگاه برنامه‌نویسی بخواند؛ ولی این خلاف نظر همه کادر هنرستان بود. به نظر من آموزش و پرورش دانش‌آموزان را به رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای سوق می‌دهد، ولی هیچ امکاناتی در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد. با وجود اینکه هنرستان دختر من، یکی از هنرستان‌های قوی شهرری است، ولی از نظر هنرآموز ضعیف است و هنرآموزان در تخصص کاری خود قوی نیستند. فقط در حد کتاب کار می‌کنند و حتی برخی از سؤال‌های بچه‌های باهوش و زرنگ را نیز نمی‌توانند پاسخ بدهند. ما اولیا مجبور شدیم که بچه‌هایمان را در کلاس‌های تقویتی بیرون از مدرسه ثبت‌نام کنیم تا بیشتر و بهتر یاد بگیرند. بچه‌ها در هنرستان‌ها از نظر آزمون سراسری خیلی مشکل دارند. برای مثال، من مجبور شدم برای درس الگوریتم دخترم را به کلاس‌های بیرون از مدرسه بفرستم و از پایه دهم هم برای قبولی دخترم به دنبال کلاس‌هایی برای آزمون سراسری گشتم. من خودم در دوران تحصیل، دانش‌آموز ممتازی بودم ولی برای آزمون سراسری دچار مشکل و فشار روانی می‌شدم.

به نظر من، شرط معدل می‌تواند تا ۷۰-۶۰ درصد نیز افزایش یابد.

خود من موقعی که در آزمون سراسری شرکت کردم، انتظار داشتم با توجه به نمره‌های دوران مدرسه‌ام، رتبه‌ام زیر ۵۰۰ بشود، ولی طوری دچار فشار روانی و اضطراب شدم که کارم به بیمارستان کشید!

بچه‌ها اکنون در هنرستان‌ها از نظر عملی ضعیف هستند،



پیدا می‌کردند. اعمال شرط معدل کار خوب و مفیدی است. واقعاً بچه‌ها در روز آزمون سراسری، اضطراب و استرس عجیبی پیدا می‌کنند و ممکن است حتی دانش‌آموز ممتازی نتواند با وجود آمادگی علمی، در آزمون سراسری چندگزینه‌ای کاملاً موفق باشد که در این صورت کمبود نمره و درصد خود را با درصد نمرات امتحانات نهایی و تشریحی جبران خواهد کرد. ما دانش‌آموز برتری داشته‌ایم که سه سال است در زمان برگزاری آزمون سراسری تجربی حالش بد می‌شود، به گونه‌ای که فوریت‌های پزشکی (اورژانس) به سر جلسه می‌آید.

من از طرح اعمال معدل و سابقه‌های تحصیلی در آزمون سراسری خوش حال شدم، چون به نوعی فشار روانی را در بچه‌ها کمتر می‌کند.

مادر یکی دیگر از دانش‌آموزان می‌گوید:

«دخترم پایه دوازدهم رشته

تجربی است. من دوست داشتم که فرزندم به رشته ریاضی برود و مشاور هم به او توصیه کرد که به رشته ریاضی برود؛ ولی خودش قبول نکرد. البته الان می‌گوید کاش رشته تجربی را دوست نداشتم که به آن رشته بروم، چون شانس قبولی داوطلبان رشته ریاضی در آزمون سراسری بیشتر است، اما در تجربی چون حدود ۶۰۰ هزار داوطلب با هم به رقابت می‌پردازند و ظرفیت پذیرش کمتر است، شانس قبولی کم است.»

افزایش درصدها

وی می‌گوید: «اعمال درصد معدل امتحانات نهایی، به نظر من کار خوبی است و حتی می‌تواند درصد آن بیشتر هم بشود. البته تغییرات در آزمون سراسری و توجه به امتحانات تشریحی، دیر به بچه‌ها اعلام شد و مقداری فشار روانی و نگرانی برای آن‌ها ایجاد کرد.

قبل از این بعضی دانش‌آموزان، هرچند در طول سال‌های تحصیلی خود موفق و ممتاز بودند، در روز آزمون سراسری ممکن بود نتوانند موفق باشند و نتایج زحماتشان به هدر می‌رفت. این در روحیه آن‌ها اثر می‌گذاشت، ولی اکنون با شیوه برگزاری پنجاه‌پنجاه، این مشکل بسیار کم شده است و نتیجه زحمات بچه‌ها، در یک روز با برگزاری آزمون سراسری تعیین نمی‌شود.»

سؤال‌ها سلیقه‌ای نباشند

مادر یکی دیگر از دانش‌آموزان تأکید دارد که باید

آزمون سراسری همه زندگی دانش‌آموز و خانواده‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده بود

آزمون سراسری می‌تواند حذف شود

خانم دکتر زهره‌وند در ادامه بحث متذکر شد: «نظر من و شما اولیای عزیز بر این است که آزمون سراسری می‌تواند و باید طی فرایندی حذف شود. در قضیه آزمون سراسری موضوع مهم تعیین رشته بچه‌ها در دوره دوم متوسطه است.

الان اولیا مطرح کردند که بچه‌هایشان بعضاً در پایه‌های یازدهم یا دوازدهم رشته خود را تغییر داده‌اند و در پایه دوازدهم، رشته دیگری را ادامه داده‌اند. این کار مشکل دارد چون در هدایت تحصیلی آن‌ها کوتاهی شده است.

هدایت تحصیلی مقوله‌ای است که همه باید آن را جدی بگیرند و در سطح دبیرستان‌ها، جامع و کامل اعمال شود؛ و این موضوع نیازمند آگاهی‌بخشی،

اطلاع‌رسانی و روشن‌گری

لازم برای اولیا و دانش‌آموزان

است تا بچه‌ها با توجه به علاقه‌مندی

و توانمندی‌شان، رشته‌های خود را انتخاب

کنند. مدرسه‌های ما باید بتوانند از نظر امتحانات

تشریحی و چندگزینه‌ای خوب و مستمر کار

کنند. اولیا به ما لطف داشته‌اند، ولی دغدغه این

است که مدرسه‌های ما در کل کشور بتوانند

از نظر برگزاری آزمون‌های سنجشی موفق

عمل کنند و به گونه‌ای نباشد که فقط مدرسه‌هایی که عناوین تیزهوشان، نمونه، شاهد و غیرانتفاعی دارند، دستشان باز باشد

و برنامه‌های خود را جلو ببرند. همه بچه‌های این سرزمین فرزندان ما هستند و باید بتوانند در هر نوع مدرسه‌ای، امکانات

و شرایط تحصیل خوب را پیدا کنند. دبیران باید توانایی لازم را داشته باشند. من هم معتقدم تأثیر معدل، کار بسیار مثبت و

سازنده‌ای در پذیرش آزمون سراسری است و باعث

می‌شود بچه‌ها با آرامش بیشتری به تحصیل و

زندگی خود بپردازند. در صحبت‌های اولیای

عزیز عنوان شد که کتاب، منبع اصلی طرح

سؤال باشد که قطعاً درست است، ولی به

هر حال اگر تا حد سه‌چهار نمره سؤال‌های

مفهومی هم طرح و ارائه شوند، ارزشیابی

کیفی‌تر و رقابتی‌تر خواهد بود.

سؤال‌هایی که طرح می‌شوند، در حد سه

یا چهار سؤال، می‌توانند به گونه‌ای باشند تا

دانش‌آموزانی که بیشتر کار و تلاش کرده‌اند راحت‌تر

و سریع‌تر پاسخ دهند. طراحی سؤال‌های امتحانات نهایی نباید

به گونه‌ای باشد که هر دو گروه از دانش‌آموزان، درس‌خوان

و درس‌نخوان، نتوانند به آن پاسخ دهند. در ارتباط با آزمون

سراسری باید همه بکوشیم که فشار روانی و اضطراب را از همان



در حالی که قرار بود هنرجویان آنجا نظری و عملی را با هم و در یک سطح فرا بگیرند، ولی به خاطر کمبود امکانات و بی‌توجهی‌ها عموم هنرجویان از نظر عملی ضعیف هستند. پیشنهاد من به دخترم این بود که نمی‌گویم در آزمون سراسری شرکت نکن، ولی تو که می‌گویی برنامه‌نویسی را دوست دارم، من هزینه می‌کنم که این رشته و تخصص را در کلاس‌ها

و آموزشگاه‌های خصوصی یاد بگیري. البته آزمون

سراسری‌ات را هم بده. من چون می‌دانستم که

دخترم به شدت فشار روحی دارد و در آزمون

سراسری هم شرط اصلی تسلط بر خود و

مدیریت فشار روانی و اضطراب است، به

او گفتم تو چهار سال بعد که بخواهی

برای استخدام به سازمانی و جایی مراجعه

کنی، می‌پرسند که چه چیز بلدی؟ چقدر

درباره رشته‌ات می‌دانی؟ نمی‌پرسند که

رتبه آزمون سراسری‌ات چند شد؟ می‌پرسند

و تأکید می‌کنند که چه چیزی بلدی. نظام آموزشی

در کشور ما خیلی مشکل دارد.

مثلاً اطلاع‌رسانی درباره آزمون سراسری، نحوه ادامه تحصیل

هنرجویان و رشته‌های تحصیلی آن‌ها در دانشگاه‌ها بسیار ضعیف

بود و من خودم سعی کردم این اطلاعات را از منبع‌های گوناگون

به‌دست آورم. در دوره دوم متوسطه و هنرستان، اطلاعات لازم

را برای او تهیه کردم و دیدم مثلاً فقط دو دانشگاه دولتی وجود

دارد که او می‌تواند برای تحصیل در رشته برنامه‌نویسی، به آنجا

برود. حتی مسئولان، زمان دقیق برگزاری آزمون سراسری به‌ویژه

هنرستانی‌ها را نمی‌دانستند که به بچه‌ها منتقل کنند.»

شرایط برعکس

یکی از مادران که خود دکترا داشت، با تأکید بر اینکه

امروزه شرایط در آزمون سراسری معکوس شده

است، گفت: بچه‌ها برای ورود به دانشگاه بسیار

سختی می‌کشند، ولی وقتی به دانشگاه راه

پیدا می‌کنند همه چیز را رها می‌کنند.»

وی تصریح کرد: «نظر من که با تأیید

بقیه اولیای حاضر در جلسه همراه است،

این است که روال برگزاری کنونی آزمون

سراسری باید برعکس باشد. یعنی شرایطی

فراهم شود که بچه‌ها بدون آزمون سراسری

به دانشگاه‌ها راه یابند، ولی از روز اول پذیرش در

دانشگاه شرایط سخت، رقابتی و کیفی برجسته‌ای از

نظر علمی برای آن‌ها ایجاد کنیم تا بچه‌ها واقعاً رشد کنند و بتوانند

عنصری مفید باشند. واقعاً چون در شرایط برعکس قرار گرفته‌ایم،

آزمون سراسری توانسته است مانند یک غول و یک مافیا در برابر

ما جلوه کند.»



اعمال معدل
و سابقه‌های
تحصیلی و آزمون
سراسری با همان
درصد پنجاه پنجاه
مناسب و عادلانه
است

دوره ابتدایی به بعد در فرزندانمان کاهش دهیم و کنترل کنیم، چون بالاخره باید بچه‌های سالمی را به جامعه تحویل بدهیم، چه به دانشگاه بروند و چه نروند.

آن‌ها شهروندان ما و نسل آینده کشور ما هستند. اولیا به عنوان یک مادر و یک پدر باید بتوانند مدیریت کنترل و هیجان را به دانش‌آموزان آموزش دهند. برگزاری جلسه‌های آموزش خانواده برای اولیا در این زمینه بسیار کارساز است. خوشبختانه مدرسه ما همواره پیش قدم این مسئله بوده است و خواهد بود. اطلاع‌رسانی ما به دانش‌آموزان باید به موقع باشد.

به عنوان یک مدیر، تا پایان شهریورماه برنامه کاری ما دو سه بار عوض شد؛ چرا که هنوز قطعی نبود که آیا معدل پایه دهم و یازدهم در معدل و سابقه تحصیلات پذیرش آزمون سراسری اعمال خواهد شد یا نه، منتظر اعلام نهایی و قطعی بودیم. چون هر تغییر و مصوبه‌ای تا بخش نامه رسمی نشود، لازم الاجرا نخواهد بود. تا پایان شهریورماه نیز هیچ صحبتی نبود. در هفته

اول مهرماه، دو سه نوع بخش نامه رسید، و دقیقاً نمی‌دانستیم که کدام یک از درس‌ها جزو امتحانات نهایی هست یا نیست. به هر حال برای اینکه برنامه‌ریزی ما درست باشد و فشار روانی به بچه‌ها وارد نشود، این اطلاع‌رسانی باید دقیق باشد و فقط از طریق مدرسه نیست و اداره‌های آموزش و پرورش هم نقش اساسی دارند.

نظر من این است که ما زمانی می‌توانیم سوالات چندگزینه‌ای را خوب و درست جواب بدهیم که مفهومی یاد گرفته باشیم. موقعی بود که بچه‌های ما، حتی پایه دوازدهم را به صورت غیرحضور در مدرسه می‌گذراندند، و از کلاس‌های بیرون استفاده می‌کردند که بتوانند

روی سوالات چندگزینه‌ای کار کنند و موفق باشند. معلمی که سوالات چندگزینه‌ای کار می‌کند، نکته‌های چندگزینه‌ای را آموزش می‌دهد و معلمی که تشریحی کار می‌کند مفهومی آموزش می‌دهد. من هم به عنوان یک معلم و هم به عنوان یک مادر دانش‌آموز پایه دوازدهم، احساس می‌کنم که اعمال معدل و سابقه تحصیلی در پذیرش آزمون سراسری تأثیر مثبتی دارد و همان درصد پنجاه پنجاه خوب خواهد بود. چون معتقدم اگر این درصدها بیشتر شود، برای مثال اگر بگوییم یک طرف ۸۰ درصد بشود و طرف دیگر ۲۰ درصد، این خطر ایجاد می‌شود که توان و تمرکز دانش‌آموز فقط به یک سو می‌رود، ولی همان درصدهای پنجاه پنجاه به اعتدال و منطق نزدیک هستند.»



سرمنشأ همه فشارهای روانی به ترس بر می‌گردد و باعث کاهش اعتماد به نفس می‌شود

افزایش درصد سابقه‌های تحصیلی

خانم مشاور پایه دوازدهم یکی از دبیرستان‌های شهری گفت: «تغییرات و اصلاحات جدید، اتفاق بسیار خوبی است، چون مشخص شد که بچه‌های ما فقط روی آزمون سراسری و چندگزینه‌ای متمرکز می‌شدند و یادگیری‌ها مفهومی و عمیق نبود. به نظر من، حتی درصد معدل و تأثیر سابقه‌های تحصیلی می‌تواند بیشتر هم باشد. استدلال من این است که انسان هر چقدر هم پیشرفت کند، نیاز مبرمی به آرامش دارد و باید دانش‌آموزان ما هم در خانه و هم در مدرسه از اضطراب و فشار روانی دور باشند. برای من به عنوان مشاور، اگر آن آرامش نباشد، دانش‌آموز هر چقدر هم که تلاش کند و هر چقدر هم انرژی بگذارد، باز هم آن بازدهی لازم را نخواهد داشت. بحث دیگری که طی چند سال اخیر مطرح شد، مسئله مقایسه‌هاست.

خانواده‌ها در زمینه تحصیل فرزندان خود، خیلی دچار مقایسه کردن‌ها هستند و این نقش مخربی دارد. اعتماد به نفس در بچه‌ها را اول باید در خانواده ایجاد کنیم. من همواره به بچه‌ها می‌گویم سرمنشأ همه فشارهای روانی به ترس بر می‌گردد و باعث کاهش اعتماد به نفس می‌شود. توصیه من به بچه‌ها همواره این بوده است که خوب است هیجان داشته باشند، ولی باید ذهن خود را از نگرانی، ترس و دلهره خالی کنند.»

آموزش و پرورش خود را پیدا کرد

معاون آموزشی و دیگر مشاور دبیرستان نیز خاطرنشان کرد: «من احساس می‌کنم که آموزش و پرورش با تغییرات و اصلاحات ایجاد شده در آزمون سراسری، دارد راه خودش را پیدا می‌کند. من هم معتقدم که درصد اعمال معدل و سابقه‌های تحصیلی می‌تواند حتی بیشتر از این باشد. چون مافیای آزمون سراسری، آسیب‌های بزرگی به روند آموزش و تحصیل در کشورمان وارد کرده‌اند. تغییرات جدید نوید برپایی عدالت آموزشی را می‌دهند. در این زمینه، مسئله برگزاری دقیق و سالم امتحانات نهایی و همچنین موضوع مهم تصحیح اوراق و نقش بزرگ مصححان در اعمال عدالت، بسیار جدی است. باید به تقویت زیرساخت‌ها توجه خاص داشت. مراقبان حوزه‌های امتحانی با نظارت دقیق و سخت، ایمنی امتحانات نهایی را بالاتر می‌برند و شرایط مناسبی برای رقابت سالم و علمی بچه‌ها فراهم می‌کنند.



مهربانی بین خطوط

نکته‌هایی دربارهٔ مناسب‌سازی
محیط یادگیری کودکان

صبا بخشی
عکاس

ترجمه و تلخیص: دکتر سارا ابراهیمی
دکترای روان‌شناسی تربیتی

مقدمه

والدین به‌عنوان عامل اصلی شکل‌دهنده به رشد کودک، توان حفاظتی مناسبی برای مشارکت در مدرسه دارند و خود محرک‌هایی کلیدی برای موفقیت تحصیلی کودکان قلمداد می‌شوند. یکی از اهداف فرزندپروری، تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر است که سبب می‌شود فرزندان در طول زندگی انتخاب‌های منطقی و عاقلانه داشته باشند.

سبک فرزندپروری مبتنی بر عشق و منطق بر دو اصل مهم استوار است که رهنمودهایی ساده به والدین برای تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر و مستقل نشان می‌دهد.

والدین باید بدون پرخاشگری، پرسختن، تهدید یا هشدارهای مکرر، برای فرزندان محدودیت‌های ثابتی را به شیوه‌ای محبت‌آمیز وضع کنند و این محدودیت‌ها را به‌گونه‌ای مناسب و قابل اجرا بیان کنند. همچنین از اشتباهات فرزندان به‌عنوان فرصت‌های یادگیری بهره ببرند و در برابر وسوسهٔ سرزنش کردن مقاومت کنند.

وقتی بچه‌ها بد رفتار می‌کنند و مشکل به‌وجود می‌آورند، والدین به شیوه‌های محبت‌آمیز با آن‌ها برخورد کنند؛ مثلاً قبل از توصیف پیامدهای مشکل، با آن‌ها همدلی کنند، به جای سرزنش کردن، از رفتارهای محبت‌آمیز بهره ببرند و در صورت لزوم پیامدها را به تأخیر بیندازند تا بچه‌ها امکان حل مشکلاتشان را داشته باشند.

به این ترتیب، فرزندپروری مبتنی بر عشق و منطق براساس نظارت مشترک پدر و مادر، تفکر و تصمیم‌گیری مشترک آن‌ها و همدلی با کودک در مواجهه با پیامدهای رفتار و ارتقای خودپندارهٔ او شکل می‌گیرد. در ادامه، ویژگی‌های این سبک فرزندپروری را، در موقعیت‌های آماده‌شدن برای رفتن به مدرسه، مواجهه با تکلیف‌ها، معلم، مشکلات مدرسه، نمره و کارنامه بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری، والدین و تربیت، کودک و احساسات

آماده‌شدن برای رفتن به مدرسه

جدول زمانی برنامه والدین معمولاً صبح‌ها فشرده است و آن‌ها برای این برنامه‌های سخت و پیچیده همواره دچار کمبود وقت هستند. در مقابل، بیشتر اوقات، بچه‌ها برای رفتن به مدرسه بسیار کند آماده می‌شوند و در نتیجه وقت پدر و مادر را می‌گیرند. با این همه، اولین ساعت‌های روز، بهترین زمان برای آموزش مسئولیت به فرزندان است. برای آموزش مسئولیت به آن‌ها باید اجازه داد تا بیشتر فکر کنند و کارهایی را که تا پیش از این معمولاً والدین برایشان انجام می‌دادند، خودشان انجام دهند.

برای اینکه والدین صبح دلنشین‌تر و صمیمانه‌تری در کنار فرزندان خود داشته باشند، بهتر است براساس این چهار اصل عمل کنند:

۱. تصمیم بگیرند که کدام کارها مربوط به خودشان و کدام مربوط به بچه‌هاست. صحبت و گفت‌وگوی دوستانه با فرزندان به آن‌ها کمک می‌کند تا بفهمند تنظیم زنگ ساعت، بیدارشدن با صدای زنگ ساعت، برداشتن لباس و پوشیدن آن‌ها، شستن دست و صورت، نگاه کردن به ساعت و مراقب گذشت زمان بودن، یادآوری پول توجیبی و جمع‌آوری وسایل مدرسه و حتی تصمیم بر سر مقدار

صبحانه، همه جزء مسئولیت‌های آن‌هاست نه والدین، و اگر از این نکته‌ها غفلت شود، تنها کسانی که از پیامدهای این بی‌توجهی آسیب خواهند دید، خودشان هستند. در اینجا مسئولیت والدین تنها کمک به عملکرد پیامدهای تأخیر و دیررسیدن به مدرسه است.

۲. از تذکر و یادآوری کارها به‌جد اجتناب کنند، زیرا این تذکرات فرصت انجام اشتباهات را از بچه‌ها می‌گیرند؛ اشتباهاتی که به واسطه پیامدها و نتایجشان درس و تجربه لازم را به کودک می‌دهند.

۳. برای کودک نجات‌بخش نباشند. سختی‌ها و مشکلات می‌توانند برای کودک آموزنده باشند.

۴. زمانی که کودکان اشتباهی را مرتکب می‌شوند، به‌جای ابراز خشم و رفتارهای پرخاشگرانه، خود را ناراحت نشان دهند. والدینی که از شکست فرزندان به‌هیچ‌وجه نگران نمی‌شوند و در عوض دغدغه و نگرانی‌شان بیشتر معطوف به دادن فرصتی به آن‌هاست تا در مورد علل شکست خود بیندیشند و بررسی کنند و از شکست‌ها درس بگیرند، در نهایت فرزندان را پرورش می‌دهند که بیشتر تفکر و به‌ندرت شکست را تجربه می‌کنند. والدین این کودکان، هیچ‌گاه نگران شکست و ناکامی فرزندان خود نمی‌شوند، بنابراین بچه‌ها هم بهتر رشد و پرورش می‌یابند، چون از شکست‌هایشان درس می‌گیرند.

تکلیف‌های مدرسه

انجام‌دادن یا ندادن تکلیف‌ها، مقوله‌ای مربوط به خود بچه‌هاست، زیرا این قلم آن‌هاست که باید روی کاغذ حرکت کند، ذهن و اندیشه آن‌هاست که باید بسط و گسترش یابد و کارنامه آن‌هاست که به خانه آورده می‌شود. بسیاری از والدین خود را درگیر تکلیف‌های فرزندان می‌کنند و در واقع در دام می‌افتند، به نحوی که انجام تکلیف‌های مدرسه بچه‌ها مشکل آن‌ها می‌شود.

آن‌ها مرتب برای بچه‌ها خط و نشان می‌کشند، فریاد می‌زنند، تهدید می‌کنند و حتی اجازه بیرون‌رفتن، بازی کردن و تماشای تلویزیون را تنها مشروط و منوط به انجام تمام و کمال تکلیف‌هایشان می‌کنند و اگر تکلیف‌هایشان انجام نشود و نمره‌ها هم خوب نباشد، خسته می‌شوند و دست از داد و بیداد برمی‌دارند.

مسئولیت والدین به‌عنوان پدر و مادر، فراهم کردن فرصت‌های انجام تکلیف‌ها برای فرزندان است. این فرصت از نظر زمانی می‌تواند نیم‌ساعت، یک ساعت یا حتی یک ساعت‌ونیم باشد. در این مدت فرزندان، باید مشغول انجام‌دادن تکلیف‌ها و کتاب‌های درسی خود باشند. دادن این فرصت وظیفه والدین است.

ضمن آنکه باید فرصت انتخاب مکان را به فرزندان بدهند تا جای مناسب خود را انتخاب کنند (پذیرایی یا اتاق خودش)، حتی به آن‌ها فرصت

کمک والدین در انجام تکلیف‌های درسی بهتر است زمانی باشد که فرزند از آن‌ها درخواست کمک می‌کند و این کمک برای او مفید است



انتخاب خواندن یا نخواندن درسشان را نیز بدهند. بعد از تمام این کارها، دو راه برای بچه‌ها به‌منظور حاضر کردن درس وجود دارد:

- ضمن انجام تکلیف‌ها درس را حاضر کنند (خواندن و نوشتن).
 - تکلیف‌ها را به‌صورت ذهنی انجام دهند (خواندن).
- بچه‌ها با هر دو روش درسشان را حاضر می‌کنند؛ اگرچه یادگیری به روش دوم سخت و مشکل است. معلم‌ها هم که خودشان به آموزش پیامدها به کودک کمک می‌کنند، اغلب با شیوه دوم موافق نیستند و آن را نمی‌پذیرند. بنابراین باید به کودک فرصت داد تا به پیامدهای انتخاب شیوه دوم و واکنش‌های احتمالی معلم فکر و بعد اقدام کند.

کمک والدین به فرزندان در انجام تکلیف‌ها به هیچ وجه کار اشتباهی نیست. بسیاری از کودکان در این زمینه از والدین خود کمک می‌خواهند و والدین باید با اشاره یا توضیح به آن‌ها کمک کنند. اما این کمک بهتر است تنها زمانی باشد که کودک از آن‌ها درخواست می‌کند و این کمک برای او مفید و سودمند باشد. وقتی کودک از والدین درخواست کمک نمی‌کند، نباید خودشان داوطلب کمک به او شوند. با این روش غلط، اجازه نمی‌دهند تا مشکل فرزندان‌شان در انجام تکلیف‌ها، مشکل آن‌ها بشود. همچنین، زمانی که والدین عصبانی و بی‌حوصله هستند یا طاقتشان طاق می‌شود، دیگر نباید کمک کنند و تا همانجا کافی است.

نحوه برخورد و شیوه کمک والدین، الگوی رفتاری مثبتی را به کودک نشان می‌دهد. زمانی که والدین در مورد انجام امور خانه، یا محل کار با کودک خود حرف می‌زنند، به‌طور غیرمستقیم شیوه درست انجام تکلیف‌ها را نیز به او یاد می‌دهند. گفتن

جملاتی مانند «حالا که کارهایم را انجام دادم،

احساس راحتی می‌کنم» یا «باید کارهای خانه را انجام دهم و تمام کنم یا تا وقتی که این کارها را انجام ندهم و تمام نکنم، احساس خوبی ندارم و نمی‌توانم کار دیگری را انجام دهم»، الگوی رفتاری مثبتی برای کودکان است. البته نداشتن تمایل به انجام تکلیف‌ها موضوع پیچیده‌ای است که تنها یک دلیل آن تنبلی است. دلایل بسیار دیگری نیز دارد که درون این مشکل نهفته است؛ اختلال یادگیری، مشکل عصبی، مشکل نقص توجه یا مشکل نگرشی کودک می‌تواند از جمله این دلایل‌ها باشد. در چنین مواردی درمان علائم توسط والدین، به هیچ وجه کار درستی نیست، زیرا تنها نشانه‌ها درمان می‌شوند و علت مشکل به قوت خود باقی می‌ماند و از بین نمی‌رود. در چنین شرایطی باید از متخصص مشورت و کمک گرفت.

معلم و مشکلات مدرسه

معمولاً نقش والدین در امور و مسائل مدرسه فرزندان در زمینه نمره‌های درسی و نحوه رفتار آن‌ها محدود و متمرکز بر تشویق و الگودهی مناسب است و برقراری نظم و انضباط به معلمان و کادر اجرایی مدرسه واگذار می‌شود و اجازه می‌دهند تا فرزندان خود مشکلات و مسائلی را که در مدرسه برای آن‌ها پیش می‌آید، حل و فصل کنند. با این حال، زندگی کودک در مدرسه تعامل و مشارکت والدین در مدرسه‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بنابراین، شرایط متعددی پیش می‌آید که در آن والدین با معلم در زمینه‌های گوناگون گفت‌وگو کنند. در این گفت‌وگوها نوع برخورد والدین با معلمان بسیار مهم است و شاید در برخی موارد به مشکلی برای والدین بدل شود، زیرا اغلب این مسئله یادآور احساس ترس و اربابی است که شاید خود آن‌ها در دورانی که به مدرسه می‌رفتند، با معلمان‌شان تجربه کرده‌اند.

هنگامی که والدین با معلم فرزندان گفت‌وگو می‌کنند، باید این نگرش را داشته باشند که شخص معلم اطلاعات بسیاری در مورد فرزندان‌شان دارد، بنابراین باید به اطلاعات و نحوه تفکر معلمان درباره فرزندان‌شان توجه داشته باشند و خواهان شنیدن نقطه‌نظر ایشان باشند، به جای آنکه به عصبانیت و پرخاشگری وارد دفتر معلم شوند و راه‌حل‌های خود را به ایشان ارائه یا تحمیل کنند. والدین در برخورد و مواجهه با معلمان، ممکن است سه اشتباه رایج و مشترک را مرتکب شوند:

اشتباه اول اینکه به معلم بگویند که چه کار را بکنند یا چه کار را نکنند. زمانی که والدین می‌گویند: «می‌خواهم بچه‌ام از آن کلاس بیرون بیاید» در واقع به معلم می‌گویند «تو آنقدر نمی‌دانی یا باهوش نیستی که بدانی چه کار باید بکنی، بنابراین من به تو کمک می‌کنم».

اشتباه دوم اینکه والدین با زور و تهدید به مدرسه بیایند و بگویند: «اگر کاری که می‌خواهم، انجام نشود، پیش‌مدیر مدرسه می‌روم». آن کار نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه



به مشکلات بیشتری نیز منجر می‌شود؛ مشکلاتی که تا قبل از ورود والدین به مدرسه وجود نداشتند.

اشتباه سوم اینکه والدین گروهی از والدین هم‌فکر و هم‌عقیده با خود را برای تهدید دسته‌جمعی معلم به مدرسه ببرند. والدین باید بدانند هر پیروزی‌ای که در این نوع برخورد و مواجهه به‌دست می‌آورند، دوام زیادی نخواهد داشت، زیرا معلم هم برای اثبات و ابقای خود تلاش می‌کند و آرام نخواهد نشست. بنابراین معلم هم جلو می‌آید و با استدلالی درست به والدین می‌گوید: «من آدمی نیستم که با این کارها آشفتن و مضطرب شوم؛ شاید خیلی‌ها این‌طور باشند و میدان را خالی کنند، اما من با قدرت ایستاده‌ام و آماده‌ام با شما صحبت کنم».

تمام این راهکارها اشتباهات جدی هستند که ممکن است والدین مرتکب شوند. شاید والدین در بدو امر، تنها به خاطر یک مشکل وارد مدرسه شوند، اما با این روش‌ها، زمانی که مدرسه را ترک می‌کنند، نه تنها مشکل قبلی به قوت خود باقی است، بلکه کدورت نیز به مشکلات اضافه می‌شود.

اغلب افراد و همچنین معلمان زمانی که در موضع تدافعی قرار می‌گیرند، تلاش می‌کنند راه‌حلی منطقی برای حل مشکلات خود پیدا کنند. در این میان، والدینی بهترین نتیجه را می‌گیرند که از جادوی کلمات برای توصیف مشکلات خود بهره‌گیرند، چون با این شیوه هیچ توهینی به معلم نمی‌شود، بلکه محترمانه تنها مشکل برای او توصیف و شرح داده می‌شود؛ به عنوان نمونه

«مایلم موضوعی را برای شما طرح کنم و بعد تعبیر خودم را از آن بگویم». والدین می‌توانند از جادوی کلمات بهره بیشتری ببرند: «مایلم به هم‌فکری بیشتر با شما در این زمینه هستم». با این جمله به معلم گفته می‌شود که او قدرت تفکر و اندیشه دارد و این اندیشه محترم و کاربردی است. در اینجا رویکرد و نگرش مثبت دیگری نیز وجود دارد و آن ذکر این جمله است: «به نظر شما برای حل مشکل این‌چنینی چه گزینه‌هایی وجود دارد؟»

معمولاً والدین تصور می‌کنند که فرزند خود را به خوبی می‌شناسند، اما شاید ندانند که فرزندشان

در محیط مدرسه چه واکنش و رفتاری دارد. اغلب کودکان در مدرسه به مراتب متفاوت‌تر از خانه رفتار می‌کنند. مثلاً زمانی که کودک در محیط خانه است، چون تمام توجه والدین معطوف به اوست، به راحتی کار می‌کند و عملکرد خوبی از خود نشان می‌دهد، اما همین که در محیط مدرسه و در کلاسی مثلاً بیست و پنج نفره قرار می‌گیرد، چون نمی‌تواند تمام توجه و رسیدگی معلمش را نسبت به خود داشته باشد و تنها یک بیست و پنجم توجه معلم به او اختصاص می‌یابد، شاید در انجام تکلیف‌ها و وظایفش به نوعی دچار عجز و ناتوانی یا سرکشی و تمرد شود. در چنین موقعیتی، استنباط معلم از وضعیت کودک بسیار سودمند است.

حال اگر والدین، با معلم به توافق نرسند و نتوانند رضایت و نظر او را جلب کنند و در عین حال خواستار حل مشکل هم باشند، در چنین شرایطی می‌توان چنین گفت: «ممکن است با من بیايید تا ببینیم آیا مدیر راه‌حلی برای حل این مشکل دارد؟» این جمله به مراتب بهتر از گفتن این جمله است: «اگر من کاری که می‌خواهم انجام نشود، پیش مدیر می‌روم»؛ چرا که هدف عمده و مهم والدین از تماس و صحبت با معلمان، گفت‌وگو درباره مشکلات فرزندان و یافتن راه‌حلی برای آن‌هاست. باید دانست که ارتباط با معلم و احترام به او، به مراتب تأثیرگذارتر از تحکم و تهدید اوست.

❖ نمره و کارنامه

قانونی کلی برای نمره‌ها و کارنامه‌های بچه‌ها وجود دارد: والدین کارنامه‌ها را نمی‌گیرند و این نمره‌ها و کارنامه‌ها متعلق به بچه‌هاست. زیرا این بچه‌ها هستند که در کلاس حاضر می‌شوند، آموزش می‌بینند، تکلیف‌ها را انجام می‌دهند و نمره می‌گیرند. برای اینکه والدین بتوانند در مورد کارنامه بچه‌ها نقش تأثیرگذاری داشته باشند و این تأثیرگذاری را حفظ کنند، باید این بار مسئولیت را بر دوش بچه‌ها بگذارند. کودک باید این نکته مهم را بداند که مسئله کارنامه مربوط به خودش است و پدر و مادر تنها به آن توجه و رسیدگی می‌کنند. البته ممکن است توجه و نظارت والدین در سایه‌ای از علاقه و نگرانی باشد. اما حل مسائل و مشکلات مربوط به کارنامه و نمره به عهده خود کودک است. مسائل و مشکلات مربوط به کارنامه بچه‌ها را می‌توان با یک معادله جبری، که براساس احساسات و نحوه عملکرد آن‌هاست،

**باید دانست
که ارتباط با
معلم و احترام
به او، به مراتب
تأثیرگذارتر از
تحکم و تهدید
اوست**



احساساتشان را ابراز کنند و مثبت و منفی بودن احساساتشان به هیچ وجه مهم نیست. اما باید دانست زمانی که والدین کارنامه فرزندانشان را در حضور آن‌ها می‌بینند، بهتر است تنها احساسات مثبت از خود نشان دهند و احساسات منفی را بروز ندهند. به مثال زیر که گفت‌وگویی در این زمینه است توجه کنید:

«پدر: نقاشی ۲۰. خیلی عالیه. تو همیشه نقاشی رو دوست داشتی. درسته؟ کودک: بله. نقاشی برای من یه جور سرگرمیه. پدر: ورزش ۱۹، خیلی خوبه. البته تو همیشه مثل برق و باد می‌دوی. ریاضی هم ۱۰. فکر می‌کنم نمره ریاضیت می‌تونست بهتر از این باشه. تعلیمات اجتماعی هم ۱۷. دوستن تاریخ و جغرافی هم خیلی مهمه. حالا می‌خوای برای ریاضی چی کار کنی؟»

والدین باید در زمینه‌های درسی‌ای که مطمئن هستند فرزندانشان در آن درس‌ها پیشرفت می‌کنند، مداخله مثبت کنند. به عنوان مثال، اگر فرزند در درس علوم شاگرد بسیار خوبی است، والدین می‌توانند به اتفاق هم با میکروسکوپ، چند ساعتی را صرف مشاهده موجودات ریز میکروسکوپی کنند. یا اگر به درس تاریخ علاقه‌مند است و نمره‌های خوبی می‌گیرد، می‌توانند کتاب‌های تاریخی که حاوی مطالب جذاب و عکس‌های رنگی‌اند به او معرفی کنند. وقتی بحث نمره‌های پایین و ضعیف به میان می‌آید، والدین نباید از روی احساس با کودک صحبت کنند، ولی در عین حال باید توجه و نگرانی خویش را ابراز کنند و جویا شوند که آیا کودک برای درسی که پیشرفتش در آن کم است برنامه خاصی دارد یا نه.

بسیار مهم است که والدین موقع پرسش از کودکان، از روش گواه‌آوردن استفاده نکنند. در حقیقت، مشکل اصلی نمره‌های ضعیف نیست، بلکه مشکل اصلی، علت گرفتن این نمره‌ها است. خودباوری و خودپنداره ضعیف، سرکشی و تمرد در برابر اصول ارزشی والدین، اضطراب، افسردگی، مسائل و مشکلات آموزشی و دلایل دیگر همگی از عواملی هستند که سبب می‌شوند کودکان نمره‌های ضعیفی بگیرند. گاهی اوقات، در این میان مشکل نگرشی نیز وجود دارد، که این مشکل بستگی به نگرش و طرز تلقی والدین و کودکان از نمره‌های ضعیف دارد. بعضی از این دلایل، شاید مستلزم پاسخ‌های متفاوتی نیز از جانب والدین باشند. نظرخواهی از فرد دیگر مانند معلم در مورد وضعیت درسی کودک می‌تواند مفید واقع شود و به والدین کمک کند تا در مورد واکنش مقتضی و لازم در این زمینه به‌درستی تصمیم‌گیری کنند.

والدین باید در زمینه‌های درسی‌ای که مطمئن هستند فرزندانشان در آن درس‌ها پیشرفت می‌کنند، مداخله مثبت کنند

* منبع

Cline, F., & Fay, J. (2020). Parenting with love and logic.

سنجید و سپس تعدیل کرد. این معادله به والدین امکان می‌دهد تا بدانند چه وقت باید نگران و دلواپس فرزندانشان باشند یا نباشند:

- وقتی کودک عملکرد خوبی دارد و خودش هم احساس خوبی نسبت به خود دارد، نتیجه مثبت است.
- وقتی کودک نمره خوبی می‌گیرد، اما احساس بدی نسبت به خودش دارد، چون در درازمدت نتیجه ضعیفی به‌دست می‌آید، با وجود نمره خوب، نتیجه به‌دست‌آمده منفی است.
- وقتی کودک عملکرد ضعیفی دارد و احساس بدی هم نسبت به عملکرد خود دارد، در این مورد نیاز نیست والدین نگران باشند، چون در نهایت نتیجه مثبتی به‌دست می‌آید.
- وقتی کودک عملکرد ضعیفی دارد و احساس خوبی نسبت به این عملکرد ضعیف دارد، نتیجه به‌دست‌آمده منفی است. در این مورد نگرانی والدین قابل توجه است.

بر این اساس، زمانی که عملکرد بچه‌ها ضعیف است اما واقعاً می‌خواهند پیشرفت کنند، امکان پیشرفت در آن‌ها بالاست. اما زمانی که عملکردشان ضعیف است و احساس می‌کنند عملکرد درستی دارند، پیشرفت نمی‌کنند.

کودکان در مقوله کارنامه نیز مانند بسیاری از مسائل دیگر، می‌خواهند خودنمایی و اظهار نظر کنند و در نتیجه به ابراز احساسات والدینشان نیاز دارند. برخی بر این باورند که مهم نیست احساسات والدین در این زمینه مثبت یا منفی باشد. بر این اساس، بدون توجه به پیامدهای بعدی، والدین باید تنها

یادگیرندگی مادام‌العمر؛ تأثیری به وسعت محله

یک راهبرد کلیدی برای موفقیت فرزندان



دکتر حسن مظاهری

دکتری برنامه‌ریزی درسی

مقدمه

دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم پیوسته در حال تغییر است، پس ما نیز باید به تبع آن، برای داشتن زندگی بهتر و حل مسائل و مشکلات زندگی خود دائم در حال علم‌آموزی و دانستن باشیم؛ چرا که «دانایی، توانایی است». اگر می‌شد در دوره‌ای در مدرسه به اکثر مسئله‌ها، پدیده‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌های آن‌ها پرداخت و دانش‌آموزان را در این زمینه آماده و توانمند ساخت، اما امروزه تحولات روزافزون و فراوانی مسائل و پدیده‌های نوظهور، به گونه‌ای شده است که افراد بایستی همواره در حال دانش‌اندوزی و یادگیری باشند تا بتوانند از پس زندگی خود و مدیریت مناسب آن ب‌آیند. **هنری فورد** درباره اهمیت یادگیری می‌گوید: «فرقی نمی‌کند که شما ۲۰ ساله هستید یا ۸۰ ساله؛ هرکس آموختن را متوقف کند پیر

خواهد شد و هرکس پیوسته بیاموزد جوان خواهد ماند.» این یک طرف قضیه!

اما طرف دیگر قضیه فرزندان و دل‌بندان ما هستند. می‌دانیم که نخستین مسئول متولی پرورش و تربیت کودک خانواده است و مدرسه نیز به نمایندگی از خانواده بخشی از دوران تربیت بچه‌ها را بر عهده دارد.

کلیدواژه‌ها: یادگیری مادام‌العمر، لذت یادگیری، ارتقاء فرهنگی

یادگیری مادام‌العمر یک اصل اساسی در تعلیم و تربیت است و در دستور کار کشورهای گوناگون قرار دارد. در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران نیز بر یادگیری مادام‌العمر به عنوان یک شایستگی مهم تأکید شده است

(شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). این رویکرد، در واقع زندگی را با یادگیری ادغام می‌کند و هدفش این است که با ارائه آموزش‌های رسمی، غیررسمی و ضمنی، یادگیری را برای تمام افراد در تمام سنین و در تمام زمینه‌ها فراهم کند. به زبان ساده منظور از یادگیرنده مادام‌العمر، همان مصراع سخن معروف حکیم ابوالقاسم فردوسی است که می‌گوید: «ز گهواره تا گور دانش بجوی ...».

افرادی که به عنوان یادگیرنده مادام‌العمر شناخته می‌شوند، دانستن و مطالعه کردن را به سن خاصی محدود نمی‌دانند. یعنی برای آن‌ها یادگیری انواع سواد، در هر سنی که هستند، نه خیلی زود است و نه خیلی دیر. بنابراین رشد و توسعه مهارت‌های سواد، فقط به تحصیل در مدرسه و دانشگاه محدود نمی‌شود و نباید پس از پایان تحصیلات رسمی متوقف شود. از جمله ثمرات این اهل مطالعه و یادگیری بودن افراد، اینکه نه تنها خود، بلکه فرزندان‌شان نیز به یادگیرنده مادام‌العمر تبدیل خواهند شد و در یادگیری و تحصیل آینده‌ای درخشان خواهند داشت.

توانمندی‌های یادگیرندگان مادام‌العمر

برای یادگیرندگان مادام‌العمر توانمندی‌هایی مطرح شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- مقابله با زندگی یکنواخت؛
 - افزایش اعتمادبه نفس؛
 - به دست آوردن توانایی حل مشکلات؛
 - جلب احترام دیگران به دلیل مفید بودن؛
 - منطبق شدن با تغییرات زندگی؛
 - موفقیت بیشتر در شغل و حرفه؛
 - افزایش سطح درآمد؛
 - افزایش فعالیت مغز؛
 - و مهم‌تر از همه داشتن فرزندی توانمند و موفق.
- البته که این توانمندی‌ها یک‌شبه به دست نخواهد آمد و تلاش و پشتکار بسیار لازم است تا بتوان آن‌ها را کسب کرد.

راهکارهای توسعه یادگیری مادام‌العمر

امروزه در دنیا نهادها، مؤسسه‌ها و مراکزهای گوناگونی در زمینه یادگیری مادام‌العمر فعالیت دارند و برای این کار، راهکارها و اقدامات متنوعی را پیشنهاد داده‌اند. از جمله معتبرترین آن‌ها «مؤسسه یادگیری مادام‌العمر یونسکو» است. این مؤسسه با مشارکت «دانشگاه هامبورگ» در سال ۲۰۰۹ همایشی در مورد یادگیری مادام‌العمر برگزار کرد و در این زمینه برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوع و مفیدی را تدارک دید و اقداماتی به این شرح پیشنهاد داد:

- تحسین یادگیری مادام‌العمر و تأکید بر لذت یادگیری؛
- استفاده از روش‌های آموزشی مناسب برای پرورش و رشد سواد در کودکان و بزرگسالان؛

- به کارگیری نیروهای متعهد، واجد شرایط و آموزش دیده؛
- گسترش فعالیت‌های یادگیری و تقویت نقاط قوت خانواده‌ها و جوامع محلی؛
- پاسخ‌گویی به نیازها و علاقه‌های خانواده‌های شرکت‌کننده در برنامه؛
- ارتقای مشارکت و تعامل بین نهادهای گوناگون و ذی‌نفعان آن‌ها؛
- نشان دادن حساسیت‌های فرهنگی و زبانی هنگام استفاده از منابع و راهبردهای یادگیری؛

- برگزاری برنامه‌ها در مکان‌های قابل دسترس و دوستانه؛
- از بین بردن موانع مشارکت یادگیرندگان؛
- ایجاد فرایندهای قابل کنترل برای ارزیابی و نظارت مداوم بر برنامه‌ها، به منظور بهبود آن‌ها و افزایش مسئولیت‌پذیری آن‌ها.

این موارد برای زمینه‌سازی به منظور یادگیری مادام‌والدین قابل پیاده‌سازی خواهند بود. از کاربردی‌ترین آن‌ها برای والدین دانش‌آموزان، مشارکت خانواده‌ها در برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه است؛ چرا که غالباً باعث خواهد شد والدین نیز مجدداً به یادگیری و علم‌آموزی تشویق و ترغیب شوند. نکته دیگری که در این خصوص قابل توجه است اینکه دامنه و محدوده یادگیری مادام‌العمر به فرد و خانواده محدود نمی‌شود و محله، اجتماع و همچنین دیگر نهادهای مرتبط در جامعه را نیز در بر می‌گیرد.

نقش اجتماعی یادگیرندگان مادام‌العمر

اثرات و ثمرات والدین یادگیرنده مادام‌العمر فقط به خانه و فرزندان آن‌ها محدود نمی‌شود، بلکه جامعه محلی اعم از خانواده‌های دیگر دانش‌آموزان مدرسه و حتی خانواده‌های اطرافشان نیز در این خصوص بهره‌مند خواهند شد. حال چنانچه مدیران و معلمان مدرسه و همچنین مسئولان، متولیان و برنامه‌ریزان نهادها، مؤسسه‌ها و مراکزهای محلی نیز به رشد و ارتقای محله همراه مدرسه و تعامل این دو با هم، فکر کنند و در این خصوص برنامه‌ای طراحی و به آن اقدام کنند و خود والدین نیز پای کار باشند، رشد و ارتقای فکری، فرهنگی و اجتماعی والدین توسعه پیدا خواهد کرد که دستاورد آن پیشرفت فرهنگی اجتماعی محله و در نهایت جامعه است. بدین ترتیب هر چه بتوان دامنه و گستره مشارکت والدین را توسعه داد، تمایل به یادگیری و قرارگرفتن در فضای رشدی تکامل‌یافته‌تر برای والدین فراهم خواهد شد. برای اینکه والدین نقش مستمر خود را درک کنند و ارزش آن را دریابند، باید نخست درک متقابلی

افرادی که به عنوان یادگیرنده مادام‌العمر شناخته می‌شوند، دانستن و مطالعه کردن را به سن خاصی محدود نمی‌دانند. یعنی برای آن‌ها یادگیری انواع سواد، در هر سنی، نه خیلی زود است و نه خیلی دیر

پیوندها و بهبود روابط بین کودکان، جوانان و بزرگسالان کمک می‌کنند، روابط بین خانواده‌ها، مدرسه‌ها و نهادهای اجتماعی را بهبود می‌بخشند، شبکه ارتباطی همسایگان را زنده می‌کنند و در نهایت به انسجام اجتماعی و توسعه جامعه محلی می‌انجامند. اینجاست که می‌توان به تحقق و پیاده‌سازی ایده «مدرسه به‌عنوان کانون تربیتی محله» دست یافت.

توصیه‌ها

۱. اگر سمت و سوی یادگیری و کسب دانش والدین، هم‌جهت و هم‌سو با نظام تربیتی فرزندان باشد، ثمره دوجندانی خواهد داشت. بر همین اساس مدرسه بایستی برای درگیر شدن والدین در یادگیری، مطابق با جریان اصلی فرایند یاددهی یادگیری و برنامه درسی در مدرسه تلاش و زمینه‌سازی کند. از طرفی فعالیت‌های یادگیری و حمایتی خانواده و والدین در مدرسه نیز باید «بهبود یادگیری دانش‌آموزان» را به‌عنوان یک هدف مشخص و پایدار مورد توجه قرار دهد.
۲. موفقیت فرزند شما در تحصیل تا اندازه زیادی بسته به موفقیت دیگر دانش‌آموزان آن کلاس و مدرسه است؛ بنابراین ضمن سعی و تلاش برای موفقیت فرزند خود، برای رشد و ارتقای دیگر دانش‌آموزان کلاس هم اهتمام ورزید.
۳. مدرسه نمونه کوچکی از محله و در بُعد وسیع‌تر جامعه است. لذا اگر رشد، پیشرفت و ارتقای فرزندان مهم است، به فکر پیشرفت همه‌جانبه محله خود خصوصاً از جنبه فرهنگی، اجتماعی و... نیز باشید.
۴. در حد توان و وسع خود مشارکت و همراهی دیگر نهادها و مراکزهای محلی را در پیشبرد امور مدرسه و تدارک محیط‌های تربیتی مناسب برای دانش‌آموزان مطالبه کنید.
۵. پژوهش‌ها تأیید می‌کنند که نگرش، رفتار و عملکرد والدین در رابطه با تحصیلات فرزندان، تأثیر بسزایی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی آن‌ها دارد. از طرفی درک بوم‌شناختی از رشد و یادگیری فرزند خود و هم‌کلاسی‌های وی، زمینه‌ساز مشارکت مناسب برای ارتقای تحصیلی فرزند خود و هم‌کلاسی‌ها

از درگیر شدن خود و اولیای مدرسه در خصوص راهبردهای یادگیری و حفظ پایداری آن پیدا کنند. از طریق این درک و تعهد متقابل، بهزیستی، رفاه و آرامش دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد و زمینه بهتری برای داشتن یک زندگی ارزشمند همراه با برآورده شدن خواسته‌ها و آرزوهای آنان فراهم می‌شود.

این را هم بدانیم که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران «مدرسه یکی از کانون‌های پیشرفت محلی، به‌ویژه در ابعاد فرهنگی-اجتماعی» است. بنابراین در راهکارهای آن به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای نقش‌آفرینی مدرسه به‌عنوان کانون کسب تجربه‌های تربیتی محله و جلوه‌ای از جامعه اسلامی و حیات طيبة اشاره شده است. این نشان می‌دهد که مأموریت مدرسه فراتر از دانش‌آموزان بوده است؛ از طرفی رسالت

تربیت دانش‌آموزان نیز فراتر از ظرف مدرسه است و بایستی تمام نهادهای سهم‌دار از جمله خانواده و نهادهای محلی در این امر فعالیت و همکاری کنند

برای تبیین بهتر موضوع اشاره‌ای به امر مطالعه و کتابخوانی والدین می‌کنیم. اینکه اگر متولیان امر در دیگر نهادها و سازمان‌های

دولتی و غیردولتی با کمک مدیران و معلمان مدرسه بتوانند فرهنگ مطالعه و یادگیری را به زندگی روزمره والدین وارد کنند و آن‌ها را به استفاده از کتابخانه‌ها برانگیزانند و محیط فرهیخته‌ای در جامعه به وجود آورند، بی‌شک روحیه اهل مطالعه‌بودن و یادگیری در والدین احیا خواهد شد و دستاورد آن، رشد و پیشرفت تحصیلی فرزندان و در بُعد اجتماعی ارتقای فرهنگی اجتماعی و شکوفایی محله و جامعه مخاطبان خواهد بود. اجرای این‌گونه برنامه‌ها برای سوادآموزی و یادگیری خانواده‌ها باعث می‌شود که بزرگسالان در فرزندپروری و تربیت بچه‌های خود، عملکرد موفق‌تری داشته باشند. همچنین این برنامه‌ها به تقویت

هر چه بتوان
دامنه و گستره
مشارکت والدین
را توسعه داد،
تمایل به یادگیری
و قرارگرفتن در
فضای رشدی
تکامل‌یافته‌تری
برای والدین
فراهم خواهد شد





4. Review of best practice in parental engagement (UK Department for Education, 2010, 223 Pages).

5. Brooks, G., Pahl, K., Pollard, A. and Rees, F. (2008). Effective and Inclusive Practices in Family Literacy, Language and Numeracy: a review of programmes and practice in the UK and internationally. Research paper. University of Sheffield, National Research and Development Centre for Adult Literacy and Numeracy (NRDC). Reading, CfBT Education Trust.

6. Carpentieri, J., Fairfax-Cholmeley, K., Litster J. and Vorhaus, J. (2011). Family Literacy in Europe: using pa-rental support initiatives to enhance early literacy development. London, NRDC, Institute of Education.

7. Elfert, M. & Hanemann, U. (2014). The collaboration between FLY and the UNESCO Institute: the international dimension. In: G. Rabkin and S. Roche (eds), Learning to FLY: family-oriented literacy education in schools 2004–2014. Hamburg, Landesinstitut für Lehrerbildung und Schulentwicklung (LI) and UNESCO Institute for Lifelong Learning (UIL), pp. 66–75.

8. Hanemann, U. (2014). Early literacy: a stepping stone for life-long learning. In J. Maas, S. Ehmgig and C. Seelmann, C. (eds), Prepare for Life! Raising Awareness for Early Literacy Education. Mainz, Stiftung Lesen, pp. 254–271.

9. Hayes, A. (2006). High-Quality Family Literacy Programs: adult outcomes and impacts. Family literacy research and statistics. Louisville, KY, National Center for Family Literacy. National Adult Literacy Agency (2004). Working Together: approaches to family literacy. National Adult Literacy Agency, Dublin.

10. Taylor, D. (1983). Family Literacy: young children learning to read and write. Portsmouth, Heinemann.

11. Tuckett, A. (2004). Moving family learning forward. Adult Learning and Skills: family learning edition, 4, pp. 4–6.

12. UIL (2013). 2nd Global Report on Adult Learning and Education: rethinking literacy. Hamburg, UIL.

13. UNESCO (1995). World Symposium: family literacy. Final Report. Paris, UNESCO.

14. UNESCO (2014). Teaching and Learning: achieving quality for all. EFA Global Monitoring Report 2013/4. Paris: UNESCO.

و همچنین ارتقای وضعیت فرهنگی و اجتماعی مدرسه و محله خواهد بود.

۶. گاهی والدین بیش از حد به فرزند خود فشار می‌آورند تا از نظر علمی سرآمد شود. این فشار می‌تواند برای بهزیستی او مضر باشد و بر صلاحیت‌های اجتماعی و عاطفی وی تأثیر منفی بگذارد. بنابراین ضمن اینکه بر همراهی والدین با فرزندان در درس و تحصیل تأکید می‌شود، از طرفی نشان دادن ملایمت در خواسته‌های تحصیلی آنان نیز مهم است؛ چرا که هدف از درگیر شدن والدین در امور مدرسه، باید ارتقای بهزیستی دانش‌آموزان با تمرکز بر یادگیری و رشد و پیشرفت تحصیلی آنان باشد.

۷. راهبردهای مشارکت والدین در امر مدرسه وقتی موفق خواهد بود که والدین بدانند چگونه می‌توانند با معلمان ارتباط برقرار کنند. البته که طرف مقابل این ارتباط هم مهم است.

۸. اعتمادسازی در تعامل بین خانواده و مدرسه بسیار مهم است. اعتمادسازی ممکن است دشوار و به تلاش و خلاقیت بیشتری از سوی دو طرف نیاز داشته باشد.

* منابع

۱. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

2. Learning Families Intergenerational Approaches to Literacy Teaching and Learning, Published in 2015 by UNESCO Institute for Lifelong Learning

3. Parental engagement in learning and schooling: Lessons from research (Family-School and Community Partnerships Bureau, 2012, 60 Pages).

چراغ خانواده روشن است

✽ اصغر ندیری

در کنار ستون نورانی خانواده، هر کدام از ما یک شمع این چراغ هستیم.

خداوند خواسته است هر یک از افراد خانواده به پشتوانه هم روشنایی برای خانه باشیم. قطره قطره رودی که به یک مسیر می‌رود، به دریا فکر می‌کنند و به هدف.

خانواده معنایی است برای فردایی درخشان. خانواده همکاری است. فرهیختگی و یکپارچگی است، مدرسه است و راه تحول. خانواده انگشتان یک دست است در کنار هم و مشتی است در برابر ناملايمات و در مسیر اجتماعی شدن. خانواده کشور است، شهر است و کوچه‌ها و خانه‌های یک آبادی.

هر گاه خانواده یک‌دست شود، نوای هم‌نوايي و صدایی گوش‌نواز از آن، گوش جان را نوازش خواهد کرد. خانواده دنیایی کوچک، اما وسیع است و باید بلند و بزرگ ببیند و دیده شود. در خانواده هر یک از اعضا پله‌ای برای بالارفتن و پیشرفت دیگری است. دست‌انمان را در هم قلاب کنیم برای صعود از دیوار ناتوانی و ندانستن. کوچک‌ترین عضو خانواده هم سهمی دارد به اندازه بزرگ‌ترین فرد آن.

سهم ما در خانواده آرامش، تلاش، احساس در کنار هم‌بودن، حرکت و پرواز به‌سوی بی‌کرانه‌های معرفت است. معرفت و شناخت رخ نمی‌نماید تا اینکه تربیت و پرورش در میان آید. برای دل هم و آموزش، آینه‌های تابنده باشیم. کدورت‌ها را بشوییم و منتظر انعکاس نور خدا باشیم. در خلقت تفکر کنیم و از خدا خواهیم توفیق ادب.



عکس: اعظم لاریجانی



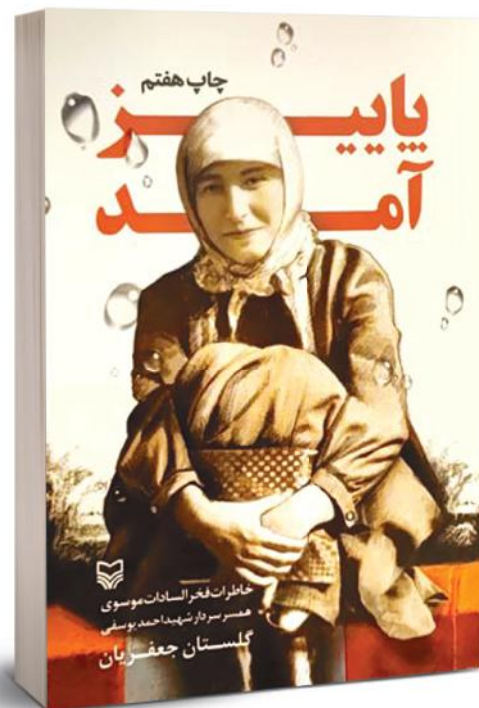
پیوند (لینک) بخش فروش
و اشتراک مجلات رشد

<https://www.roshdmag.ir/u/2sg>



برای اشتراک مجله رمزینه
را پویش کنید

«سی و پنج سال می‌گذرد؛ اما هنوز پاییز که می‌آید نمی‌دانم از آتش مه‌ری که بر جانم انداخته غمگین باشم یا مسرور. به برگ‌های زیبا و رنگارنگ می‌نگرم؛ با من سخن می‌گویند: زیبایی مرگ ما از زیبایی زندگی ماست... آری... پاییز برای من بغضی تمام نشدنی دارد. تب و لرزی است که حس آشنایش گرمابخش وجود من است. هنوز و همیشه نگاهم شور دیدنش را می‌ریزد و مرا بر سر دوست داشتنی‌ترین دوراهی ماندن و رفتن رها می‌کند. اصلاً پاییز بهار من است، وقتی شکوفه می‌زند زخم‌های دلم در خزان فصل‌ها... او به من آموخت هر آمدنی رفتنی دارد؛ اما زیبا رفتن کار پاییز است»



کتاب پاییز آمد نوشته گلستان جعفریان است که انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده است.

کتاب **خاطرات فخر السادات موسوی**، همسر سردار شهید **احمد یوسفی** است.

آنچه در این کتاب می‌خوانید، با هر چه تاکنون به نقل از همسران شهدا به دستتان رسیده است تفاوت دارد. روایت فخر السادات موسوی که در داستان فخری خطاب می‌شود، ویژگی‌ای ستودنی و منحصر به فرد دارد، چون زنده یاد شهید احمد یوسفی از دید او نه یک شخصیت فراز مینی، بلکه فردی عادی است. در اینجا ردپایی از معصومیت بی‌خط و خش نمی‌بینید که با تصویر اغراق‌آمیز رسانه‌ها به شهیدان نسبت داده می‌شود. مرد زندگی فخری قبل از هر چیز همسر، دوست و همراه او بود. آن‌ها در کنار هم با چالش‌های زندگی تمام زوج‌های جوان مواجه شدند، برای عزیزان از دست‌رفته در جنگ عزاداری کردند و به سعادشان غبطه خوردند.

لازم به ذکر است که نویسنده در مقدمه به تجربه مسحورکننده خود از ملاقات‌های متعدّدش با همسر شهید می‌پردازد. او که در طول چهار سال تألیف کتاب، بیشتر از بیست‌بار به زنجان سفر کرده است تصویری بدون روتوش از زندگی واقعی خانواده سردار احمد یوسفی ارائه می‌دهد که شنیدن آن برای تمام دنبال‌کنندگان آثار دفاع مقدس الزامی است، زیرا بی‌شک آن‌ها را با جنبه‌ای کمتر شناخته‌شده از شهدای عزیز و فداکار جنگ تحمیلی آشنا خواهد کرد.



قدرت مادران شهدا به خاطر ایمانشان است

بعضی‌ها دو، سه یا چهار فرزندشان به شهادت رسید. این چه نیرویی است که به زنی که فرزند خودش را عاشقانه دوست می‌دارد، آن چنان قوتی می‌بخشد که در مقابل شهادت فرزند یا فرزندانش چنین قدرتی را از خود نشان می‌دهد؟ این، از ایمان است.

۳۳
۶۹/۱۰/۱۳
رهبرانقلاب

۱۳ جمادی الثانی (۲۵ آذر)، سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س)

روز تکریم مادران و همسران شهدا